۹ ۱۰

# واریلیق

مجله ماهانه فرهنگی فارسی وترکی
آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه

بئشینجی ایل‌صایی ۹ و ۱۰ (آردیجیل صایی ۵۵ و ۵۶)
سال پنجم شماره ۹و۱۰ (شماره مسلسل ۵۵ و۵۶)

آذر و دی ۱۳۶۲
( شماره امتیاز ۷۵۳۸ )
این مجله بهیچ حزب وگروهی بستگی ندارد

# VARLIQ

Monthly
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL
5t Year No. 9,10 (Serial No 55,56
DEC, JAN 1984
Addres Veli—ASR Ave. Bidi Str. No. 17
Tehran, Iran

قیمت ۱۵۰ ریال

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# ایچینده‌کیلر

## (فهرست)


۱ــ اغوزها : بقلم دکتر جواد هیئت ۱

۲ــ آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش (۳٤) : دوکتور جواد هیئت ۱۲

۳ــ فردوسی شهنامه سیله نظامی اسکندرنامه سی‌نین ادبی علاقه لری حقینده : پرفسور غ بیگدلی ۲۳

٤ــ حضرت محمد (ص) ین اؤگودلری : ج . هیئت . ۳۵

۵ــ بیرنئچه سؤز ۳٦

٦ــ آنادیلیمیز و ملی‌وار لیغیمیز اوغروندا خاطره‌لر (۵) : م . ع . فرزانه ۳۷

۷ــ آذربایجان شعر و ادبیاتی ایله تانیش اولاق (٤) : ت پیر هاشمی ٤۸

۸ــ قوتاد غوبیلیگ یا علم سعادت : بقلم دکتر جواد هیئت ۵۸

۹ــ سالدی : سؤنمز ٦۷

۱۰ ــ ممتاز امتیاز : محمد رضا روحانی ٦۸

۱۱ــ باهار بایرامی پوئماسیندان بیرپارچا : ح . م . ساوالان ٦۹

۲۲ــ مسلمانی تاپمیشام : ح . سید نقوی (حامد) ۷۱

۱۳ــ دامان تنهائی « «

۱٤ــ بیرینجی درس (مسلی حرفلر باره سینده : منظوری خامنه‌ای ۷۳

۱۵ ــ گلن مکتوبلار ۷۷

۱٦ــ دیلیم : آد سیز ۸۲

۱۷ــ حاجی رضا صراف تبریزی : ع . محسنی ۸۳

۱۸ــ ترکمن مختومقلی و ترکمن تلیم : علی کمالی ۸۷

۱۹ــ قیز مکتبنده : حسین جاوید . ۹٦

بقلم دکتر جواد هیئت

# اُغوزها

**********

## پیشگفتار

تاکنون دربارهٔ اُغوزها کتاب وحتی مقاله‌های تحقیقی به‌فارسی نوشته نشده است و اگرهم نوشته شده باشد به‌نظرنگارنده نرسیده است ( در این گفتار کتابهائی مانند جامع‌التواریخ رشیدی وتاریخ جهانگشای جوینی وامثال آنها که‌قرنها قبل نوشته‌شده مورد نظرما نمی باشد )در نیم قرن اخیر هرچه درمدرسه وخارج ازآن خوانده ویاشنیده‌ایم جز مشتی سخنان مغرضانه نبوده وبیش ازتاریخ به‌فحش وناسزاگوئی شبیه بوده است.

نگارنده بعداز مطالعهٔ تاریخ ترکان ازمنابع مختلف به‌زبانهای فارسی،ترکی،فرانسه و انگلیسی یادداشتهای اخیررا دربارهٔ ترکان اُغوز تهیه نموده وتصمیم گرفتم به‌صورت چندمقاله درمجلهٔ وارلیق منتشر سازم .هرچه دراین مقالات آمده مستندبه منابع تاریخی معتبری است که‌فهرست مهمترین آنها درآخر مقاله‌ی آخر داده خواهدشد .چنانچه خوانندگان محترم اطلاعات بیشتری خواسته باشند ویا مشکلی برای برخی از مطالب پیش آید ممکن است به‌منابع فوق الذکر مراجعه نمایند و اگر نظری دربارهٔ هریک از مقالات ویا موضاعات داشته باشند می توانند برای اینجانب مرقوم فرمایند تادرحدود توانائی درمقام رفع اشکال و پاسخگوئی برآیم .

منظور نگارنده ازاین یادداشتها تألیف تاریخ اغوزها نبوده بلکه دادن اطلاعاتی است که‌دانستن آنها برای خوانندگان عزیز مفیدوشاید هم برای برخی لازم بنظر می رسد .

## اُغوزها

### * مقدمه *

اُغوزها که درمنابع اسلامی غُز نامیده‌شده واز قرن یازدهم‌ببعد بانام ترکمن معروف شده‌اند اجداد ترک زبانان ایران،آذربایجان، ترکیه ،عراق و ترکمنستان را تشکیل می دهند .

خاندانهای سلاجقه وعثمانی نیز اغوز بودند با این ترتیب اغوزها یکی از اقوام ترک می باشند که درتاریخ جهان بخصوص درعالم اسلام نقش مهمی را ایفا نموده اند.

بنا برآنچه درتاریخ نوشته شده مقر اولیهٔ ترکان سواحل رود ینی سئی ( YENİSEİ ) ونواحی مجاور آن یعنی تووا و آباقان بوده است ( شمال مغولستان و جنوب سیبری ).

درقرن ششم میلادی فقط یکی از اقوام ترک زبان ترک نامیده می شد. افراداین قوم درسال ۵۵۲ مجوان ـ حوان های مغول ( آوارها )رامغلوب کردند و امپراطوری گوگ تورک را که پهنای آن از سد چین تا دریای خزر بود تشکیل دادند وتمام اقوام ترک زبان را تحت اداره‌ٔ خود در آوردند. این حادثه سبب شد که درخاور نزدیک همه‌ی این اقوام ترک زبان را ترک نامیدند. بعداز پذیرفتن اسلام نیز اقوام ترک زبان از طرف مسلمانان ترک نامیده شدند. اغوزها نیز بعداز آنکه اسلام آوردند از طرف جامعه‌ی اسلامی ترکمن و ترک نامیده شدند.

درامپراطوری گوگ تورک اُغوزها در سواحل رود تولا (شمال مغولستان) بوده واز ۹ قبیله تشکیل شده بودند و دوقوز اوغوز یا نه اغوزنامیده می شدند و پس از گوگ ترکها دومین قوم امپراطوری را تشکیل می‌دادند. این اُغوزها درزمان اویغورها یعنی اخلاف گوگ تورک ها نیز همین موقعیت را داشتند ولی بعداً جه شدند بطور قطع معلوم نیست. بنظرمی رسداُغوزـ هائی که درقرن دهم درسواحل سیحون بودند ومورد بحث ما دراین مقالات است از اولاد اُغوزهای قسمت غربی امپراطوری گوگ تورک یعنی اولاد اون اوقها ( ده تیره ) باشند.

اُغوزهای ناحیه سیحون درتاریخ نقش بسیار مهمی را بازی کردند. امپراطوری سلجوقی وعثمانی را آنها تشکیل دادند وبرخلاف سایرترکان اصالت خودرا حفظ کردند و درحال حاضر ترکان غرب راتشکیل می دهند. درصورتیکه سایرترکان مانند اویغورها ،قارلوق ها ،قبچاق ها ودیگر ترکان باسایر اقوام مانند مغولها مخلوط شدند واقوام جدیدی را به وجود آوردند که زبانشان ترکی است ونسبشان با مغولان مخلوط است مانند اوزبکها ،قازاقها ،قاراقالپاقها وترکان سواحل رود ولگا و تاحدودی ترکمنان امروز.

دین اسلام ازقرن دهم بوسیلهٔ مناسبات تجارتی درمیان ترکان سیحون اشاعه یافت ودر قرن یازدهم میلادی انبوه آنها به دین اسلام

گرویدند. سلطانان به اغوزهای سلمان ترکمن گفتند و قرن بعد یعنی از قرن ۲۳ ببعد این کلمه جای اوغوز را گرفت و نام اغوزها فقط در داستانها ماند.

درسال ۱۰۳۵ ( ۴۲۶ هـ ق) قسمتی از اغوزها با ۲۰ ـ ۱۵ هزار سپاه به خراسان آمدند. در اینموقع این منطقه تحت اداره‌ٔ ترکان غزنوی بود. در راس این اغوزها خاندان سلجوق بودکه بعداز پنجسال جنگ و جدال بالاخره به این منطقه حاکم شدند و غزنویان را شکست دادند. غزنزیان از قبیلهٔ قارلوق بودند ودر آرتش آنها غیراز قارلوقها خلجها و افغانها نیز شرکت داشتند. در راس اغوزهای مهاجم دو برادر چاغری بیگ و طغرل بیگ نوه‌های سلجوق بودند. ودرمدت کوتاهی حدود فرمانروائی آل سلجوق تا امپراطوری بیزانس پیشرفت. البته در پیشرفت آنان مهاجرتهای پی در پی اغوزهای سیحون به‌طرف ایران وغرب نقش مهمی داشت.

بعداز آمدن ترکان اغوز و تشکیل دولت سلجوقی وضع دولت اسلامی دگرگون شد. ترکان دربرابر حملات بیزانسها نه‌تنها مقاومت کردند بلکه به‌آنها تاختند وخطر یورشهای آنها را ازبین بردند وعالم اسلام راازخطر بیزانسها نجات دادند، بعلاوه آسیای صغیررا از آنها گرفتندوبرای خود وطن اسلامی ساختند.

درسال ۱۰۷۱ (۴۶۳ هـ ق) آلپ ارسلان در مالازگرد بیزانسها را شکست داد ودروازهٔ آنا طولی رابرای سپاهیان سلجوقی بازنمود بطوریکه در مدت ۱۰ ـ ۸ سال سرتاسر آناطولی مسخر سلجوقیان شد.

درنیمهٔ اول قرن سیزدهم میلادی درموقع هجوم مغولان نیز ترکان اغوز برای فرار ازمقابله با مغولان به‌طرف غرب مهاجرت کردند. درنتیجه مهاجرتهای ترکان اغوز که درقرن یازدهم شروع وتا آخر قرن ۱۳ ادامه داشت کشور آسیای صغیر ویا آناطولی ازترکان پرشد به‌طوریکه سیاحان مختلف که درقرن ۱۴ میلادی از این کشور دیدن کرده‌اند آنرا کشور ترکان نامیده‌اند.

درقرن ۱۵ میلادی ایل ترکان قره‌قویونلو از ترکیه به‌ایران آمدند وحکومت قره‌قویونلو راتشکیل دادند. دراواخر همین قرن ترکان آق قویونلو به‌سرکردگی اوزون حسن از آناطولی ( دیار بکر) به‌ایران آمدند و حکومت قره‌قویونلورا منقرض و خودشان حکومت آق قویونلوراتشکیل دادند.

بعداز چندسال انبوهی ازایلات شیعهٔ قزلباش آناطولی همراه شاه اسماعیل از ارزنجان به آذربایجان آمدندوسلسلهٔ صفوی راتاسیس نمودند.

سلاجقه بعداز ملکشاه به دو قسمت شدند ،سلاجقهٔ ایران و سلاجقه روم ویا غربی. قدرت سلاجقهٔ غربی درسال ۱۲۴۰ به حد اعلی رسیدوتانزدیکی استانبول پیشرفتند .دولت طرابزون وایوبی های حلب نیز تابع آنها بودند .سلاجقه جمعا ۲۳۰ سال در آناطولی حکومت کردند ازاین مدت یک قرن مشغول فتوحات بودند و ۵۰ سال هم زیر سلطهٔ مغول بودند. ترکی ادبی توسط تحصیل کرده های مدرسه های قدیم که درزمان سلاجقه تاسیس شده بود تشکیل شد.

بتدریج ترکان اغوز که به آناطولی رفته بودند دردهات تخته قاپو شدند .ازاین ببعدبه آنها ترک وبه ترکان کوچ نشین ترکمن گفته شد.

ترکان سلجوقی مانند عثمانیها آرتش را از غلامان تشکیل میدادند سپاه ویژه (خاصه اردو) آنها از ممالیک تشکیل می شد .با این ترتیب ارتباط دولت با ایلات ترک مانند سابق نبود وایلات وترکان دهاتی مورد توجه نبودند درحالیکه طبقهٔ مالیات دهنده (رعیت )را تشکیل میدادند.

درزمان ایلخانیان درایران شعور قومی ترکان قوت گرفت و آثاری مانند جامع التواریخ واغوزنامه نوشته شد .این آثار در ترکان غربی هم تاثیر نمودودرآنهاهم شعور قومی ـ ملی را تقویت نمود.

دوران خانخانی ( بیگلربیگی) در آناطولی بین دورهٔ سلجوقی و عثمانی بود .دراین دوره قسمتهائی از آناطولی که قبلا فتح نشده بود به دست ترکان افتاد و زبان ترکی جانشین زبان رسمی فارسی گردید و شعور قومی تقویت شد.

خانوادهٔ عثمانی هم اغوز بودند وبعداز بدست گرفتن قدرت در آناطولی از بورسا تا بغاز یعنی تمام سواحل دریای مرمره رافتح کردند. درقرن ۱۶ جمعیت آناطولی درحدود ۵ ـ ۴ ملیون بود. مهاجرت ازآناطولی به ایران بعداز استقرار حکومت صفویه نیز ادامه یافت ودر نتیجه عنصر اغوز در میان ترکان آذربایجان حاکم شد.

درنتیجه فتوحات عثمانی دربالکان بوشناقها ،آرناوودها و گروهی از بلغارها بنام بوماق مسلمان شدند.

قسمتی ازترکان اغوزهم بعداز فتح شمال آفریقا برای اداره آنجا فرستاده شدند ودر آنجا ماندند.

در اواخر قرن ۱۶ و قرن ۱۷ با شورشهای جلالی ها منطقهٔ آناطولی خراب و مردم فقیر شدند وسیستم سابق حکومتی نیز ازهم پاشیده‌شد. از آن ببعد دولت عثمانی رو بضعف رفت و مردم ازدولت جدا شدند وبه‌طبقهٔ حاکمه عثمانی می گفتند .

درایران بعداز صفویه افشارها روی کارآمدند بعدازآنها کریمخان زند وپس از او قاجاریه سلطنت کردند. افشارها وقاجاریه نیزترک زبان واز اولاد اغوز بودند. با این ترتیب اغوزها نزدیک یکهزارسال درایران حکومت کردند وضمن ترویج اسلام ومذهب شیعه ،زبان وادبیات فارسی را زبان رسمی دولت قرار دادند ودراشاعه وتکامل آن کوشیدند. با این ترتیب اهمیت اغوزها درتاریخ ایران ومنطقهٔ خاورمیانه روشن وآشکار می گردد.

دراین رساله که طی چند مقاله درمجلهٔ وارلیق چاپ خواهد شد. ضمن دادن اطلاعات تاریخی مختصری هم از تشکیلات قومی و قبیله‌ای و آداب و رسوم آنان شرح داده خواهد شد.

## * اغوزها *

دربارهٔ منشاء کلمهٔ اغوز عقاید مختلف است .به‌نظر تورکولوژیست بزرگ مجار نمت ( NEMET ) کلمهٔ اغوز از ( اوق + اوز )تشکیل شده و "اوق " به‌معنی تیر یعنی قبیله و"اوز" هم علامت جمع ترکی است بنابراین اغوز بمعنی قبیله‌ها می باشد.

از قدیم ایل اغوز به‌دوشاخه بوز اوق ( تیر یا نیزهٔ خاکستری) و اوچ اوق ( سه‌تیر ویا نیزه ) تقسیم‌شده‌بود. دراینجاهم تیر بمعنی قبیله آمده است .

درمنابع چینی قدیمی ترین دولت ازتبار ترک هیونگ نو یا هون ها معرفی شده‌است .ترکان گوگ تورک ( گوی تورک ) ،اویغور وقیرقیز نیز احفاد آنها محسوب شده‌اند.

در اواخر قرن سوم قبل از میلاد هون ها امپراطوری بزرگی تشکیل دادند. هون به‌معنی "انسان " و ترک به‌معنی "زائیده و تولید مثل کننده و قوت" آمده است .

درسال ۲۰۹ قبل از میلاد فرمانروای هونها مته ( ماثوتو) فرزند تومان بود. مته‌خان با پدرش اختلاف شدید پیداکرد ودرجنگ بین آنها پدرش کشته‌شد و مته‌خان فرمانروای امپراطوری هون شد .درتاریخ افسانه‌ای

اغوزها جد اعلای آنها اغوزخان همان متەخان است .دراینجا نیزاغوزخان بعلت اینکه دین حق ( اسلام ) را پذیرفته بود پدرش قاراخان میخواست اورا بکشد ولی درجنگ با اغوزخان پدرش کشتەشد .

دیوار سدچین کەاز ۷۵ کیلومتری غرب پکن می گذرد دربرابر خطر هونها کشیده شدەاست .

درسال ۱۵۵ میلادی در منطقه اورخون سیین پی ها جای هون ها را گرفتند .بعدها جوان ـ جوانها که ازمغولان بودند بجای آنها حاکمشدند تا اینکه درسال ۵۵۲ میلادی امپراطوری گوگ تورک بەوسیلۀ بومن خاقان تشکیل شد .این امپراطوری بزرگترین امپراطوری بود کەتا آنزمان در آسیای میانه تشکیل شدەبود واز منچوری تا جیحون ادامەداشت .قدیمـ ترین آثار ادبی ترکی مربوط بەاین دوران است .این آثار مربوط بە سنگ نوشتەهای مزار پادشاهان و سرکردگان ترک است کەدرآنها اولین بار نام اغوز ذکرشدەاستەاین کتیبەها دو دستەاند :

۱ ـ کتیبەهای یئنی سئی ( YENISEI ) کەمربوط بەقرن ۷ ـ ۶ میلادی است ودر کنار رود یئنی سئی پیداشده .(شمال مغولستان) وچهار عدد است .

۲ ـ کتیبەهای اورخون کەدرکنار رود اورخون (شمال مغولستان)بوده ومربوط بەقرن هشتم میلادی است و مهمترین آنها ۶ کتیبەاست .

از آنچه از یکی از کتیبەهای یئنی سئی ( کتیبۀ بارلیق یا وارلیق ) برمی آید اغوزها دراین تاریخ از شش قبیله تشکیل شده بودند .کتیبه بارلیق یا وارلیق متعلق بەخان ( بیگ ) اغوزهابه نام اۆزبیگن آلپ توران بوده که درسن ۱۳ سالگی فوت نمودەاست .

کتیبەهای اورخون مربوط بەدومین حکومت گوگ تورک می باشدومتعلق بەقرن هشتم میلادی است .دراین کتیبەها نام ترک بەتمام اقوامی کە ترکی صحبت می کنند اطلاق نشده ،بلکه اشاره بەقومی است کەبەاین نام نامیده شده وحکومت را در دست داشتەاست .

در موقع تشکیل حکومت دوم گوگ تورک بەوسیلۀ قوتلوق مرکزحکومتـ شان ناحیهٔ اوتوکن مجاور رود اورخون بود .دراینموقع فرمانروای اغوزها بازکاغان ویا بازخاقان بود و اغوزها از ۹ قبیلەتشکیل شده بودند و تابع گوگ تورکها بودند ودرحکومت آنهاهم شرکت داشتند ولی هرگزازوضع خودوتابعیت گوگ تورکها راضی نبودندوبارها باآنها جنگ کردند .

دولت گوگ تورک درسال ۷۴۴ بـــه وسیلهٔ اویغورها منقرض شد. درزمان حکومت اویغورها نیز اغوزها دومین عنصردولت را تشکیل میدادند اویغورها از ده قبیله تشکیل شده بودند واقوام ختائی وتاتارهم که ازمغولان بودند جزو دولت اویغور بودند.

ختائی ها درقرن دهم به‌چین حاکم شدند وبعداز مدتی ازچین رانده شدند ودرقرن ۱۲ در ترکستان امپراطوری نیرومند قاراختائی را تشکیل دادند.

تاتارها در شرق اغوزها و همسایهٔ آنها بودند واغلب اوقات بـــه اتفاق آنها شورش می کردند. تاظهور استیلای مغول نام تاتار از طرف ترکان و چینی ها به‌همه اقوامی اطلاق می شدکه زبانشان مغولی بود.

قارلیق ها هم که ازاقوام ترک بودند جزو حکومت گوگ تورک بوده و در قسمت شرقی اغوزها بودند. قارلوق ها بعداز انقراض دولت گوگ تورک هم نقش مهمی دراین منطقه بازی کردند. غزنویان از ایل قارلوق بودند و دولتشان غیراز قارلوق به‌ایل خلج هم متکی بود.

قیرقیزها درزمان گوگ تورکها درناحیهٔ آباقان (شمال اورخون و جنوب سیبری) زندگی می کردند. درقرن نهم شورش کردند و حکومت اویغور را برانداختند وخود جانشین آنها شدند (۸۴۰) ولی چون فرهنگشان پائین بود درتاریخ ترکان نقش منفی داشتند. درقرن دهم دربرابر هجوم قارا-ختائیان (۹۲۰) نتوانستند مقاومت کنندلذا به‌محل سابق خودرفتند.

بعدازتشکیل دولت گوگ تورک (۵۵۲) بومن خاقان برادرش ایستمی‌خان را برای فتح نواحی غرب مامور کرد و ده بیگ را همراه قبیله‌هایشـــان بهمراه او فرستاد. ایستمی خان تارود جیحون پیش رفت وباعنوان یابغو حکومت غرب را اداره می‌کرد ودرعین حال تابع بومن خاقان بود کـــه در اوتوکن مستقر بود. خلف ایستمی خان، تاردو، درسال ۵۸۲ اعلام استقلال نمود وبخود لقب خاقان داد. با این ترتیب امپراطوری گوگ تورک بـــه‌دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شد.

مرکز زمستانی یعنی قشلاق امپراطوری غربی تالاس (درجنوب قازاق-ستان کنونی) وسواحل ایسیق گول (درشمال قیرقیزستان کنونی) بـــود. دو امپراطوری شرق وغرب گاهگاهی باهم‌در کشمکش ونزاع بودند و چـون به‌تنهائی نمی توانستند دربرابر چین مقاومت کنند بعدازمدتی به‌حکم اجبار تابع چین شدند ویا ازبین رفتند. دولت شرقی درسال ۶۳۰ سقوط

کرد. دولت غربی هم از ۶۵۷ ببعد خاقانشان مقتول ومستعمرهٔ چین شدند.

درسال ۷۱۶ صولو ازشاخهٔ تورگیش اون اوق ها حکومت قسمت غربی را بدست گرفت و ضمن وصلت با خاقان دولت شرقی جدید (بیلگه خاقان) اتحاد بست .صولو دربرابر چین واعراب مقاومت نمود .بعدا بوسیله باغاطرخان کشته شد وقسمت غربی مجددا تحت حاکمیت چین درآمد .اساس دولت و مردم قسمت غربی را اون اوق ها تشکیل می دادند که بنظرمی‌رسد اجدادا غوز-های اطراف رود سیحون بوده باشند.

درسال ۶۸۰ قوتلوق امپراطوری جدید گؤگ تورک را تشکیل دادولقب ایلتریش (یعنی جمع کنندهٔ ملت) گرفت .قوتلوق ابتدا درناحیهٔ قارا - قوم بود بعدها با اغوزها (بسرکردگی بازخاقان) که درناحیهٔ رود تولا بودند جنگید و آنها را شکست داد وناحیهٔ اوتوکن را گرفت و مرکز قرار داد و اغوزها راهم تابع خودگردانید (۶۸۲).

قوتلوق بعداز گرفتن اوتوکن به‌توصیهٔ وزیرش بیلگه‌تونیوقوق به چین حمله‌کرد و۲۳ شهررا ازآنها گرفت .دراین زمان هم‌اغوزها دومین تکیه‌گاه دولت را تشکیل می دادند .قوتلوق ایلتریش درسال ۶۹۱ مردوبه جایش برادرش قاپقان نشست در زمان قاپقان هم‌امپراطوری گؤگ تورک توسعه یافت .درسال ۷۱۶ قاپقان کشته‌شد وبعد پسر بزرگش بیلگه خاقان بتخت نشست ،پسرکوچکترش کول تکین هم فرمانده آرتش شد.

درسال ۷۳۲ کول تکین فوت نمود .او دراستقرار حکومت برادرش نقش مهمی داشت ودرسال ۷۳۴ هم بیلگه خاقان مرد.

درسال ۷۴۴ اویغورها شورش کردند وباکمک قارلوق ها حکومت را به دست گرفتند وبه‌حکومت گؤگ تورک پایان دادند.

درزمان امپراطوری گؤگ تورک تمام اقوام ترک زبان تحت یک نظام واداره‌ٔ یک حکومت بودند .نام ترک هم ازنام این قوم به‌میان آمده و بعدها شامل همهٔ ترک زبانان شده‌است .دوران حکومت آنها ازنظرفرهنگ وادبیات ترک نیز بسیار مهم‌است .درزمان گؤگ تورک ها ترکان برای اولین بار صاحب الفبای ملی شدند که‌به‌الفبای گؤگ تورک ویا اورخون معروف است.

قدیمترین اسناد به‌زبان ترکی ادبی ازاین دوره باقی مانده‌است. سنگ نوشته‌های یئنی سئی اگرچه‌قدیمی تراست ولی از لحاظ ادبی وسیاسی قابل مقایسه باسنگ نوشته‌های اورخون نیست .بعداز گؤگ تورک ها

اویغورها مدتی از الفبای ترک استفاده کردند ولی بعد الفبای اویغور را که از الفبای سریانی ـ پهلوی گرفته شده بود جای گزین الفبای اورخون نمودند.

درزمان اویغورها نیز اغوزها تکیه‌گاه دوم دولت بودند ودرضمن گاهگاهی برای بدست آوردن استقلال شورش نمودند وباهمسایه شرقی خود تاتارها اتحاد بستند. اویغورها تا سال ۸۴۰ دراین منطقه حکومت کردند. ایل اویغور از ده قبیله تشکیل شده بود که به‌آنها اون اویغور می گفتند.

درسال ۸۴۰ قیرقیزها که درمنطقهٔ یئنی سئی (شمال) به اوردوبالیق پایتخت اویغورها حمله‌کردند وحکومت راساقط نمودند و خاقان راکشتند وحکومت را بدست گرفتند. بعدازاین حادثه اویغورها دودسته شدند. دستهٔ ای به‌طرف تبت رفتند وبعد در ایالت قانسو پادشاهی کوچکی تشکیل دادند. دستهٔ بزرگتری در تیین شان خاقانی تشکیل دادند.

اویغورها در قرن هشتم دین مانی را قبول کردند (درمنطقهٔ اورخون) درنیمهٔ دوم قرن دهم دین بودا را پذیرفتند (در تیین شان و قانسو). در مقر جدید اویغورها ازنظر تمدن پیشرفت نمودند بطوریکه آثار و اسناد زیادی که نشانگر فرهنگ وتمدن پیشرفتهٔ آنهاست از آنها باقی مانده است.

به‌نظر می رسد اغوزهای منطقهٔ سیحون احفاد اون اوق ها باشند زیرا قسمتی از دوقوز اغوزها در موقع هجوم قیرقیزها پراکنده شدند و قسمت دیگر هم با اویغورها مخلوط شدند وهویت خودرا ازدست دادند.

درنیمهٔ اول قرن دهم اقوام ترک از نظر سیاسی تجزیه شده بودند. قیرقیزها بعداز ساقط کردن اویغورها نتوانستند قدرت مهمی را تشکیل دهند و چون ازنظر فرهنگی درسطح پائین قرار داشتند سبب ازبین‌رفتن فرهنگ اورخون شدند ودرسال ۹۲۴ دربرابر هجوم ختائی های مغول تاب مقاومت نیاوردند وبه‌جایگاه قدیم خوددرناحیهٔ یئنی سئی عقب نشینی کردند. بااین ترتیب مغولها مملکت ترکان را اشغال کردند وازترکستان آنروز مغولستان امروز را پدید آوردند. این اشغال را میتوان مقدمه‌ای برای ظهور بعدی چنگیزخان به‌حساب آورد.

درنیمهٔ اول قرن دهم میلادی ترکان از پنج قوم زیر تشکیل شده بودند: اغوزها یا غزها، قارلوقها، اویغورها (درمنابع اسلامی توقوزغز

نوشته شده )،کیمک ها یا کیماک ها و قیرقیزها ـ درشمال دریای سیاه هم یچه نک ها زندگی می کردند .

قارلوق ها بعدازهمکاری با اویغورها برای براندازی گوگ تورکها درزمان اویغورها نیز باآنها در کشمکش بودند وبالاخره بطرف غرب آمده وکشور اون اوق ها را قبضه کردند .ولی درآنجا مقهورسامانیان شدند .درسالهای ۳۰ ـ ۹۲۰ درمنطقهٔ وسیعی بین اسفجاب تاجنوب ایسیق گول زندگی می کردند .

غزنویان از قارلوق ها بودند که علاوه برایل قارلوق به خلج‌ها هم متکی بودند .چیگیل ها هم‌شاخه‌ای ازقارلوق ها بودند .

دربارهٔ اقوام ترک منابع قدیمی مانند حدودعالم و گردیزی معلومات مفصلی داده‌اند .یغماها از اویغورهائی هستند که به منطقهٔ کاشغر رفتند وحکومت آنجارا ازقارلوق ها گرفتندوبعدا هم‌حکومت قاراخانیان یا آل افراسیاب را تشکیل دادند .ترکی خاقانی هم‌همان لهجهٔ یغما باید باشد .

در اوایل قرن دهم کیماک ها (قیماق) نیزیکی ازاقوام مهم ترک بودند .آنها به‌فرمانروای خود توتوق می گفتند .قیماق ها درسواحل علیای رود ابرتیش (درشمال قازاقستان کنونی) زندگی می کردند و از هفت قبیله تشکیل شده بودند .

درقرن یازدهم میلادی نام قیماق ازبین رفت وازآن ببعد این قوم به‌وسیلهٔ قوم قبجاق و ایمک تمثیل شد .قبچاق ها درقرن نهم‌میلادی به طرف غرب کوچ کردند وهمسایهٔ شمالی اغوزها شدند وازنیمهٔ دوم قرن دهم اغوزها راتحت‌فشار قرار دادند و سبب مهاجرت آنها شدند .

درنیمهٔ اول قرن دهم اغوزها بین دریای خزر و قازاب و اسفجاب و دشت‌شمال سیحون زندگی می کردند .

در اوایل قرن دهم شبه‌جزیرهٔ کوسیاه درمشرق بحرخزر ازطرف اغوز ـ ها اشغال واسکان شد و مانقشلاق نامیده‌شد (اصطخری ) .

قبایل اغوز در دوطرف رود سیحون مخصوصا درشمال آن،دشت اغوز زندگی می کردند و پایتخت آنها یئنی کند ویا ده‌نو(حدود عالم) بود که مقر یابغو فرمانروای ترکان اغوز بود .این اغوزها از مشرق ( اون اوق ها ) به‌اینجا آمده بودند .

به‌نظر می رسد اغوزهای منطقه‌سیحون اولاد اون اوق های امپراطوری

غربی گؤگ تورک ها بوده باشند .که درموقع اشغال کشورشان به وسیلهٔ قارلوق ها به این نواحی مهاجرت کرده اند .قبل از اغوزها دراین منطقه پچه نک ها زندگی می کردند .اغوزها که قبلا درمنطقهٔ تالاس و جو زندگی می کردند به پچه نک ها حمله بردند وآنها را به آنطرف رود اِمبا ( اورال ) راندند .درسالهای ۸۹۳ - ۸۸۳ اغوزها به اتفاق ترکان خزر به پچه نک ها حمله کردند .قسمتی از پچه نک ها از رود ولگا گذشتند و به شمال دریای سیاه رفتند .پچه نک ها در مدت کمی نواحی بین رود دون و دانوب را فتح کردند و در بالکان تا اواخر قرن یازدهم مقتدر بودند .دراینموقع قبحاق ها به اتفاق بیزانس ها به آنها تاختند و اکثریت آنها را ازبین بردند .قسمتی از پچه نک ها این مهاجرت ها را تعقیب نکردند و درغرب رود اورال ( یاییق ) ماندند .

بیرنئچه سؤز ون قالانی :

عزیز قارداشلار ، وارلیق مجله سینده یازیلان خاطره لر ،بیزلرده چوخلو کدر دوغورور و اینانج یارادیر .بیزه بئله گلیرکی،ملی وارلیغیمیز اوغروندا خاطره لر ،بؤیوک مقیاسدا چاپ ائدیلمه لی و یئرلی گلینجلابیر یئره یئغیلیب نشر اولونمالی دیر .بوخاطره لرین ایلک دفعه وارلیقدا چاپ ائدیلمه سیندن منتدارلیغیمیزی بیلدیرمگ له ،سیزه موفقیت لر دیله ییریک .

یاخشی بیلیرسینیز بیزیم سیزدن صونرا اوره کدن یانانیمیزیوخدو . سیزین وارلیغیز اولماسا ،سؤزون دوزو ،ایندیلیکده کؤلگه میزده یوخدو .

عزیز قارداشلار ،بو یازیمیزی م . شبسترلی طرفیندن دئییلمیش بیر بیت شعرایله قورتاریب ،سیزه همیشه لیک جان ساغلیغی و کؤنول خوشلوغو آرزولاییریق . شعر بودور :

اونلار کی،دوغولموشدو آلوولار بئشیگینده
ائل دارداقالاندا دورار عصیان کئشیگینده
وارلیغی سئوه ن آذربایجانلی جوانلاردان بیرنئچه سی .

م .ع .فرزانه خاطره لرین نشری مجله میزده قورتاراندان صونرا بیر داها بو مکتوبلارا و امتنانلارا قاییدیب اونلاری یکونلاشدیرماغی وعده ائتمیشدی . " وارلیق "

# آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش

( ۳۴ )

**یازان: دکتر جواد هیئت**

**اعتماد** : سیدمهدی اعتماد آذربایجانین گؤرکملی شاعرلریندن دیر. او، ۱۲۷۹ شمسی ده تبریزده آنادان اولموش و تحصیلاتینی اسکی- یئنی مکتب لرده آلاندان صونرا "طالبیه" مدرسه سینده تاماملامیشدیر. سیدمهدی اعتماد تبریزده مشهور "اعتماد" مدرسه سین آچمیش و ۱۵ ایل یئنی نسلین تعلیم وتربیه سیله بالفعل مشغول اولموشدور. اونون اخلاقی- اجتماعی موضوعلاردا یازدیغی کتابلار" مناظرهٔ ادبی، آئینه اخلاق، بدرقة الصبیان، میزان الانشاء، الفبای جدید، گول غنچه سی، تحفة الصبیان، گلینلر بزه گی و چهارشنبه بازاری" دفعه- لرله چاپ اولموشدور.

سیدمهدی اعتماد ۱۳۲۲ ده قورولان و ۱۳۲۵ ایلینه دک توپلانان "شاعرلر مجلسی" ینده رئیس وفعال بیرعضوکیمی اشتراک ائتمیش وگنج شاعرلرین تعلیم وانکشافیندا خدمت ائتمیشدیر. او، عینی زماندا ثبت اداره سی نین مسئولو وظیفه سینده چالیشمیشدیر.

دموکرات حکومتی یئخیلیب، تهران حکومتی تبریزه گلندن صونرا، اعتماد توتولوب ایکی ایل حبسه محکوم ائدیلدی. حبس دن چیخاندان صونرا، آذربا- یجانلی دوستلاری نین یاردیمیله ثبت اداره سینده چالیشماغا ادامه وئرمیش وعینی زاماندا ادبی فعالیتینه و شعریازماغا دوام ائتمیشدیر.

مرحوم اعتماد دوکتورجاوید ایله بیرلیکده آذربایجان صرف ونحوکتابینی یازمیشلار، لاکن آریامهری رژیمی بوکتابین چاپینا اجازه وئرمه میشدیر، نئجه کی یازدیغی "ترکی- فارسی نصابی" کتابینی دا او زمان چاپ ائتدیره- بیلمه میشدی.

اعتماد شعریازماغا باشلادیغی زامان "ناطقی" تخلصونو ایشله دیردی. بیر مدت دن صونرا "اعتماد" تخلصونو سئچدی. اعتماد شعرلربنده خلقین عادت و عنعنه لرینی جانلی بیرشکلده ترسیم ائتمیش و پیس عادتلری وخرافاتی طنز بیر دیللە تنقید ائتمیشدیر. اونون "گلینلر بزه گی" آدلی شعرمجموعه سی بوکیمی اثرلرین گؤزه ل بیرنمونه سی دیر. بوکتاب ایلک دفعه "کلام حق" وصونرا

"آئینهٔ اخلاق" آدلاریله چاپ اولموش وبالاخره "گلینلربزه‌گی" آدیله بوراخیل‌میشدیر. گلینلربزه‌گی نین صون طبعی‌تبریزده آقای شیدا طرفیندن ۱۳۶۰ دا تدقیق وتصحیح‌ائدیله‌رک بیرمقدمه ایله برابر "انتشارات ارک" طرفیندن‌چاپ ائتدیریلمیشدیر. بوکتابدا مرحوم‌اعتمادین چاپ اولان اثرلری بئله‌صیرالانمیشدیر:

۱ ـ مناظره‌ی ادبی
۲ ـ بدرقةالصبیان
۳ ـ میزان الانشاء
۴ ـ گول غونچاسی
۵ ـ شاللی‌آذربایجان
۶ ـ ناهار وعده‌سی
۷ ـ تحفه‌الصبیان
۸ ـ گلینلربزه‌گی
۹ ـ چارشنبه‌بازاری
۱۰ ـ ذخیرةالمعاد
۱۱ـ هدایت‌الکلام
۱۲ـ تورکی نصاب

مرحوم‌اعتماد اثولی‌لیک حیاتیندان شکایتچی‌اولدوغو حالدا، شعرلرینده (گلینلربزه‌گی) جوانلاری اثولنمگه‌تشویق ائدیر وبیرشعربنده‌بئله‌یازیر:

اثولنمه‌گی آسان ائله‌ییر نسل چوخ اولسون
دوغسون بو آناتوپراغیمیز مردیله‌دولسون

بورادا نمونه‌اوچون آشاغیداکی‌شعرلرینی درج ائدیریک:

بیرذاته گرک دیر اولونا حمدوستایش
اوندان دی عموم بشره بست‌وگشایش
گر ائیلیه‌سن فکریسی وابسته خدایه
صیقل وئره‌جکدیر اوزمان ذوق وصفایه
بو لفظ خدا منبع اسرار حکم‌دیر
مستجمع اوصاف‌کمالاته علم‌دیر
حلق ائیله‌دی بیر قطره صودان اهل جهانی
مشحون ائله‌ییب مرحمتی پیر و جوانی
انوار جمالی هامی اشیاده درخشان
هرتک ـ تکی توحیده بؤیوک آیه‌ی قرآن
اصناف خلایق ده ائدیب صنعی تجلا
آثاری ائدیب انفس و آفاقی محلا
عاجز اولوب اظهار کمالیندا بیانات
هر جمله‌سی‌نین آخری بیر کلمه‌ی‌هیهات

چون ایسته‌دی خلقه ائله‌یه ذاتینی اعلام
اؤز ائلچی‌لرین یئر اوزونه ائیله‌دی اعزام
بو سلسله‌دن بیربعری ائیله‌دی تصویب
تا دینینه وئرسین اونیله رونق وترتیب
یعنی او وجودیکه اودور رحمت شامل
تکوین حیات بشره علت کامل
آللاه طرفیندن گتیریب بیر گؤزه‌ل احکام
حسنونده کفایت دی فقط کلمه‌ی اسلام
واردیر ائله احکام شریفینده مزایا
مبهوت قالیب جمله مشاهیر اروپا
هر حکمی بوتون جنبه‌ی آسایشه راجع
نوع بشرین مقصد و آمالینا جامع
ان عمده‌سی احکامدن اولموش بیری تزویج
اوندان دی بقای بشرین نسلینه ترویج

## دوغما آذربایجانا

*************************

ای داغ ـ داشی گول ،باغچاسی گول، توپراغی مرجان
ای آی کیمی اولدوزلار ایچینده اوزو تابان
ای خلقیمیزین شوکتی، سن سن بیزه زینت
سن سن وئره‌ن ائولادینا دونیا بویو نعمت
یوردوم، یووام، ائللر کؤکو، دوغما وطنیم‌سن
دونیا هره‌سی‌بیر طرفه، سن ده منیم‌سن
آزادلیغی چون سرو آغاجی سندن آلیبدیر
دانا ولدوزوتک باش چکیب عرشه اوجالیبدیر
سندن آلیر الهام او داغـ داشداکی طوفان
سن تربیه وئرسن داش اولار لعل بدخشان
بو قلبلرین جوشغون اولان پاک قانی سن
آذر ائلی‌نین عزتی سنسن، جانی سنسن
تاریخ او اوزون کئچمیشینی یاخشی یازیبدیر
شانلی آدینی پارلاق اوره‌ک لرده قازیبدیر

هئچ قوه جهاندا آییرانماز سنی مندن
ممکن می آییرماق اولا بیر روحو بدن دن
عشق اولسون او عاشقلره‌کی، باغلادی پیمان
اؤز جانلارینی ائیله‌دیلر عشقینه‌قربان
اوغلانلارینین عشقی، مرامی بودور آنجاق
دائم‌یاشا ای عزتیمیز،ای آناتوپراق !!

## تبریزیم

********************

ای آنا یوردومون گولو، گولشنی
سن گول قوجاغیندا بؤیوتدون منی
ایسته‌رم دونیالار بویونجا سنی
عزتیم، شوکتیم، گولوم تبریزیم
من قوربانام سنین قیزیل گولونه
قهرمان تاریخلی، شانلی ائلینه
بختیار یوردونا، شیرین دیلینه
سنده آچیلیبدیر دیلیم تبریزیم
من عاشیقام دوغما آذربایجانا
اونون عاشقلری هئچ گلمز سانا
گؤزه‌ل‌بیر یانا، سن ده بیریانا
حسنونله فخر ائدیر ائلیم‌تبریزیم

## اوشاقلار دیلیندن

********************

نقل ائدرلرکی، منی دوغدو آنام * دئدی:به‌به،نه‌گؤزل دیر بو بالام!
دولانیب باشیما پروانه‌کیمی * چکیب‌آغوشونا دردانه‌کیمی
سود ایله قوه‌وئریبدیر اتیمه * دؤزوب ایللر اوزونو زحمتیمه
دئییب‌آهنگیله‌لای لای گؤزونو * یومماییب‌چوخ‌گئجه اصلا گؤزونو
آغلیان واختدا چکیبدیر یانینا * سؤیله‌ییب :"آغلاما ،قوربان‌جانینا"
منی‌گولدورمک اوچون پیخ‌پیخ‌ائدیب * چاخچاخی‌الده‌توتوب چیخ‌چیخ‌ائدیب
یئرییه‌ن واختدا توتوبدورالیمی * آچیب‌اؤز دوغما دیلینده دیلیمی
اؤرگه‌دیب‌بیلمه‌دیگیم کلمه‌لری * آنا یوردومدا اولان نغمه‌لری

مندن اؤترو اویونا سابی آلیب گاه گولوب گاه گؤتوروب فیشقا چالیب
قویمایایب اؤزباشیماتک دولانام اؤرگه دیبدیرکی، وئره م خلقه سلام.
اؤرگه دیب حرمت ائله یولداشینا مهربان اول باجینا، قارداشینا
آتانین اؤپ الینی شام وسحر دور وقارلا، دئی سؤزون اولسا اگر.
سالمیشام محنته گرچی آنامی سئویرم هم آتامی، هم آنامی
دئیه رم بوسؤزو عشقیله هرآن: "جانیم اولسون سنه قوربان آناجان!"
اعتماد اؤلمز، همیشه دیری دیر عشق اولا، خلقیمیزین شاعری دیر

صون اولاراق " گل اوخو" آدلی بیر غزلینی نقل ائدیریک:

روحوم قوشو بیر سئوگیلی جیرانیله خوشدور
بیرنازلی صنم، سرو خرامانیله خوشدور
ای گول! اؤلورم، گل سوروش احوالیمی یوخلا
عشاق اوره گی دردینه، جانانیله خوشدور
گول غونچاسی تک غونچا لبیندن آلیر الهام
بولبول لر، اودور، غنچه ی خندانیله خوشدور
زولفونده کی سونبول لرینین عطرینی آللام
بولبول گولون عشقیندگولوستانیله خوشدور
چک قاشلاری نین خنجرینی عاشقین اؤلدور
چؤن سئوگیلی لیک عالمی قوربانیله خوشدور
گول اوزده قارا زولفلرین سایه سالیبدیر
بوظلمته باخ، ماه درخشانیله خوشدور
ای گول! گل اوخو "اعتماد"ین نغمه لرینده
آذربایجان خلقی بو الحانیله خوشدور

**معصوم عظیمی (۱)** : معصوم عظیمی ۱۳۳۸ هجری قمری ده زونوز دا آنادان اولموش وایلک تحصیلینی ده اورادا آلمیشدیر. معصوم عظیمی احساسلی شاعرلریمیزدن اولوب و گنج یاشدا بللی اولمایان بیرشکیلده ایتیب گئتمیشدیر. نسبتا قیصا سوره ن عمرونده چوخ آغیر گونلرگئچیرمیش وبعضا ده روحی حسته لیگه مبتلا اولموشدور. دیوانی بین جلدینده "دیوان دیوانه" یازماغی اونون مختلف روحی حاللاردا یاشادیغینی گؤسته ریر. اونون

---

۱ــ بومقاله آقای بهرام حق پرست (ائلچین)ین یازیلارینداندان فایدالانارا ق یازیلمیشدیر.

شعرلرینده قرآن کریم ،گلستان وبوستان وشفاهی خلق ادبیاتی‌نین تأثیری گؤرولمکده دیر .

عظیمی شعرلرینی‌داها چوخ عروض وزنیله ،ایکی دیلده (فارسجا و تورکجه ) وغزل، قصیده ،مثنوی،رباعی ودیگر شکیللرده یازمیشدیر . اجتماعی‌شعرلرینین بیرقسمینی گرایلی،قوشمانا بنزر مسدس ،مخمس و بونلارکیمی‌شکیللرده یازمیشدیر .

شاعرین دیوانی ۱۳۶ صفحه‌دیر و اؤزو نسخ ونستعلیق خطیله یازمیشدیر . دیوانداکی شعرلری مضمون باخیمیندان اوچ یئره بؤلمک ممکن دور :

۱ـ خصوصی شعر ۲ـ مذهبی‌شعرلر ۳ـ اجتماعی شعرلر .

۱ـ خصوصی شعرلرینده اؤز یاشاییشی‌ایله یاناشی سئوگی،هجران،یالقیزلیق جنون و بونلارکیمی موضوعلاردان بحث ائتمیشدیر . خصوصی شعرلری‌آراسیندا "سرگذشتیم" آدلی‌مثنوی‌سی ماراقلیدیر . بورادا بومثنوی دن بیرنئچه‌بیت درج ائدیریک :

ازل حقی تسبیح ائتمک گرک * حبیبی‌نین امریله گئتمک گرک
ائدیم‌شرح حالیمی مجمل سنه * مین‌اوچ‌یوز اوتوزسگگیزینجی سنه
ربیع‌اولین اون بئشینده‌تمام * یئر اوزره‌گلیب خلقه وئردیم‌سلام
زمانیکه‌تحصیل ائتدیم‌بئش ایل * کی سالدیم‌اله بیر سواد قلیل
باشیمدا قالیب دائماشوق درس * گیریب بوینوما چیخمادی طوق درس
آتامدان نه‌قدر ائیله‌دیم‌التجا * منیم عرضیمه ائتمه‌دی اعتنا
دئدیم :قوی ادامه‌وئریم درسیمه * دئدی سؤز منیم حرفیمین ترسینه

. . . . . .

مذهبی شعرلری حضرت محمد (ص)وحضرت علی(ع )نین مدحینده ودین مسئله‌لرباره‌سینده‌دیر . بورادا نمونه‌اوچون حضرت علی‌نین مدحینده‌یازدیغی شعردن بیر نئچه‌بیت درج ائدیریک :

ائدیرلر نقل وقتیکه پیمبر * ائدیر معراج چون یئددی سمانی
اولور آللاهیله مشغول صحبت * واریدی پرده‌ای درآن میانی
حبیبی‌ایله حق عالم‌الغیب * ائدیر صحبت مثال دوست جانی
رسول کبریای کل عالم * خداونده دئییر بعد از زمانی
اوزووی گؤرمگه چون مایلم‌من * کی ای بوچرخ و بو افلاکه بانی
بفوریت دوشور پرده بو سؤزدن * گؤرور بیردن علی المرتضانی

بونا اول معتقد سن معرفتله * علی‌نی‌جمع ائت هوشووی،تانی
ایتیرمه باب رب‌کائناتی * کی بو معنی‌ده واردیرنکته‌دانی

. . . . . .

اجتماعی‌شعرلرینده زمانه‌دن و قورولوشدان،زوربالیقدان، رعیته‌وخلقه اولان ظلم‌دن شکایت ائدیر وعینی‌زاماندا وطنپرورلیک ،انسان سئورلیک‌دن دانیشیر وآزادلیق یولوندا مبارزه‌نی دگرلندیریر. بعضی شعرلرینده صابرین تأثیری حس اولونور. "چکمه‌جینقیرین" ردیفلی‌شعرینده بوتأثیر آیدین شکیلده گؤرونور:

دؤوران بیزیمکی‌دیر، عمی‌جان چکمه‌جینقیرین
اللش‌همیشه اودلارا یان، چکمه‌جینقیرین
اک ،بیچ، دوگ‌سووور، دن ائله وئر بیزه‌تمام
بو نوع دور حقوقووی قان،چکمه‌جینقیرین
نان جوینه شک ائدوبن دویما اوندان هئچ
نان و پلوو بیزیم‌دی فلان چکمه‌جینقیرین
گؤز یاشیوی قاتیق چوره‌گین ائت‌گیلن مدام
چونکی‌یئمک حرامدی یاوان چکمه‌جینقیرین

. . . . . .

رضاشاه سقوط ائدیب‌سورگون ائدیلدیکدن صونرا وئریلن اؤترگی‌آزادلیغی آلقیشلایاراق بئله‌ترنم‌ائدیر:

فعله، اکینچی ائندییه‌تک ظلمه تاب‌ائدیب
ایندی قصاص‌اوچون علم‌انقلاب‌آچیب
گویا قوپوب‌قیامت‌کبرا، اولوبدو حشر
...(۱)لریله‌کاسب‌ویوخسول حساب آچیب
نور عدالتیله منور اولوب‌جهان
داد ودهش‌حکومتی رخدن نقاب آچیب
آچمیش‌بساط لطفینی دونیایه، ائیله‌بیل
صحن جهانه پرتوونی آفتاب‌آچیب

شاعرین‌اجتماعی شعرلریندن" آمدن لشکرروس "آدلی‌منظومه‌سی ما راقلی‌دیر نمونه‌اوچون بیرنئچه‌بیت‌ده اوندان نقل ائدیریک:

---

۱ ـ بورادا بیرکلمه اوخوناقلی دگیلدیر.

دوشدو مشمول آدیم ، خدمتەگئتدیم من ده
بئش ـ اون آی گئچدی سلامتلیک ایله بالاخره
هله سربازخانانین وضعینی عرض ائیله میرم
متمنی‌است قناعت ائله بو مختصره
. . . . . .
غفلتا آلدی گؤیی جنگی هواپیمالار
چیخدی سربازلار اوطاقدان عجله بوخبره
شارهاشار ، شصت تیره توتدو بیزی آیروپلانلار
دئدیلر :شاردی،ائله چونکی گلیردی نظره
گؤردولر صونرا ، بالام ، گوللەدی، شاقیلدیر هی
شارین هئچ بنزەریشی یوخدو اولان بو طهره
بیری اؤلدی،بیری قوخدی ،بیری اولدی مجروح
گیردی بیر دخمەیه بو واقعەنی‌گؤردی هره
یاتسین افسرلر او دمده خانم آغوشینده
ملتین حقینی وئرسینله بکلی هدره
. . . . . .
شمسی تاریخده مین اوچ یوز ایگیرمینجی‌ایلی
دوشدی بوجنگ یایین آخر آیی شهریوره
آفرین ! ائتدی عجب‌عهده وفا زالمحمد
گتیریب‌چوخلی شجاعت ، نئجه گلدی نظره
مختصر، چتریله دوشموشدی اونا‌وچ سالدات روس
مانع اولموشدولار اول قلت‌ایله رهگذره
اردبیل لشگری اون اوچ نفرین ترسیندن
گئدەبیلمیردی گتیرسین صو ، یازیق تشنەلره

عباس واثق : عباس واثق ۱۸۹۸ ـ نجی‌میلادی ایلینده ،شبسترین بئش‌کیلومتر شمالیندا ، میشوو داغی‌نین اتکلرینده یئرلەشن چنوان/شانجان/کندینده کندچی‌عائلەسینده دوغولموش و ایلک معلوماتینی اورادا ، ملا مکتبینده آلمیشدیر . عباس اوشاقلیقدان علمه هوس بسلەمیشدیر . او ، ۱۶ـ ۱۷یاشلارینداا اولارکن آتاسی‌نین شبسترەکی تجارتخاناسی‌نین محاسبات ایشلرینی‌گؤرموشدور عباس ۱۷ یاشیندا ،اوخوماق اوچون،آتاسیندان اجازەسیز ،روسیەیه قاچماق ایستەمیش ،لاکن تانیشلاری اونو یولدان قایتارمیشلار . نجف‌ده اوخوماقین

ممکن اولماسینی ائشیدن واثق ،کربلا زواریله عراقا و نجفه گئتمیشسه ده ، اورادا آختاردیغینی تاپا بیلمه یه رک ،تکرار شبستره قاییتمیشدیر .

۱۹۱۹ ـ نجوایلده واثقین آتاسی نین تجارتی پوزولور و بورجلو دوشور . گنج عباس آتاسینی آغیر وضعیتدن قورتارماق اوچون روسیه یه گئدیب تفلیس شهرینده قنادی لیک ائدیر وآتاسینا کؤمک گؤندهریر .

۱۹۲۱ـ نجی ایلده گرجستان سووه ت له شیر ،اجتماعی محیط دگیشیر . گنج عباس دایئنه ده اوخوماق هوسی آلوولانیر .بو وقتلر تفلیسده آذربجه "یئنی فکر" غزه ته سی نشر اولوردو . گنج عباس "واثق" تخلصو ایله بوغزه ته ده شعرلر یازماغا باشلایير . بو ایللر تفلیسده "نریمان نریمانوف" آدلی کلوب دا آذربایجان جوانلارینین ادبی یییغینجاقلاری اولاردی .عباس واثق بو ادبی مجلسلرده فعال اشتراک ائدیب شعرلر اوخویور . عباس دا استعداد گؤرن حزب رهبرلریندن "علی تقی زاده" اونو دولت خرجینه اوخوماغا گؤندرمک ایستیر ،لاکن بوگونلر آتاسی نین وفاتی و کلی مقدار دا بورج قویدوغونو ائشیدن عباس تبریزلی تقی زاده نین تکلیفی نی رد ائدیر ،چونکی بو بورجلارین اؤده مه سی قسما عباسین عهده سینه دوشوردو .

عباس واثق شفاهی معلوماتیندا دئییردی کی، تقی زاده نین تکلیفی نی رد ائتدیم ،لاکن صونرالار گؤردوم کی، اوخوماغا گئتسه ایدیم ده ، استالین خفقانی دؤورونده ن یاخامی قورتارا بیلمه یه جک ایدیم .

۱۹۲۴ـ نجوایلده عباسین آتاسی وفات ائدیر ،او ،قاچاق ایرانا گلیب آز صونرا روسیه یه دؤنور ،لاکن بودفعه تفلیس دگیل، باکی دا یئرله شه رک قنادی لیک ایشیله مشغول اولور .

تفلیسده اولدوغو ایللر ،عباسین تشبثو ایله ،تفلیس وباکی داکی شانجانلیلارین خیریه جمعیتی یارانیر . بوجمعیت ۱۹۲۶ـ نجی ایلده چنوانداکی مکتب تیکمک اوچون پول توپلایير و بومکتبی تیکدیرمک ایشینی عباسا تاپشیریر . عباس همین ایلده چنوانا گلیر و مکتبین اساسینی قویوب باکی یا دؤنور و ۱۹۲۸ ـ نجی ایلده مکتبی تاملاماق اوچون تکرار چنوانا گلیر . واثق مکتبی تیکدیریب تیکمه داشلی میرزا صالحی معلم لیگه دعوت ائده رک مکتبی ایشه سالیر .ائله بوزمان کندین اربابی و محالین موهومات ـ چیلاری عباسی توتدورماق ایستیرلر . واثق چاره سیز باکی یا قاییدیر ،

۱۹۳۵ـ نجی ایله قدر اورادا چالیشیر . بو ایللر روسیه ده آغیر خفقان حکم سوروردو . استالینین شخصیتینه پرستش بیداد ائدیردی. بو خفقان و

قورخو ایله‌علاقه‌دار عباس‌ال یازمالارینی آرادان آپاریر وپلیس الینه دوشمه‌مک اوچون باکی‌دان "گؤی چای" شهرینه‌کؤچوب‌عکاسلیق اؤگره‌نیر و اورادا ایشله‌ییب‌عائله‌قورور و نهایت ۱۹۵۶ـ نجی‌ایلده اورادا وفات ائدیر. عباس‌واثقین اوچ اوغلو وایکی قیزی واردیر.

"گؤی چای "دا اولدوغوم‌زمان عباس‌واثق منیم‌شوروی دن چیخاجاغیمی بیلدیکده ال یازمالارینین بیرمقدارینی منیم‌اختیاریمدا قویاراق دئدی :نئجه‌مصلحت‌بیلسن بونلاری چاپ ائتدیر. من لازمی یادداشتلاری گؤتوردوکدن صونرا اونون بیرشکلینی‌ده خواهش ائتدیم. شکیل ۲۹۶۷ ـنجی ایلده‌چکیلمیشدیر.

واثقین اثرلری یوخاریدا گؤردوگوموز کیمی،واثق جوانلیقدا یازدیغی اثرلرینی‌استالین خفقانی‌دؤورو آرادان آپارمیشدیر. بوشعرلرین بعضی‌سینی صونرالار خاطرلاییب یازمیشدیر. واثقین دئدیگینه‌گؤره او،۱۹۲۱ نجی‌ایلده "ساقی‌نامه وبهاریات "آدلی،مسدس فورمالی‌اوزون شعریازیب‌چاپ ائتدیرمیش و اونو پارچا ـ پارچا ،مکتوبلاریندا چنوانداقارداشی یونسه گؤندرمیشدیر. ساقی‌نامه بوبندله‌باشلانیرمیش :

می وئر ای ساقی‌کی، ائتدیم تهمت وعاری قبول،
عشقدن یئتسه نه‌قدری ظلم‌و آزاری قبول،
وئر او می‌دن کیم ،ایچیب منصور ائدیب داری قبول،
وئر همان می‌دن کی، صنعان ائتدی زنّاری قبول،
وئر او می‌دن تا قویوم من ده او میدانه آیاق ،
می وئر، ای ساقی، اؤزون اولسون ایکی دونیاده‌آغ!

واثقین بیر صیرا شعرلری وقتیله‌تفلیس‌شهرینده یاییلانمیش "یئنی فکر" غزه‌ته‌سینده چاپ اولموشدور.

واثقین الیمیزده‌اولان مکمل اثرلریندن بیری "شرق ده اوزاق کئچمیشدن بیرصحنه" آدلی یوز بیت‌لیک منظومه‌دیر. اثرده شاهلار و خانلارین کندلی‌لره ائتدیکلری ظلملر افشا اولونور. منظومه بو بیت‌لرله‌باشلانیر:

نئچه‌ایل بوندان اول من بیر کنده یاشاردیم،
هاردا ییغینجاق اولسا اورا یاخینلاشاردیم،
دینله‌یردیم خلقلرین سؤزونو، صحبتی‌نی،
آنلاماق ایسته‌یردیم هرکسین نیتی‌نی .

باش ـ باشا اون دؤردلوک شکلینده اولان بومنظومه شاعرین اؤزال یازماسی کیمی‌مقاله مؤلفینده موجود دور.

عباس واثقین نئچه پارچا شعری و غزلی‌ده الیمیزده واردیر. اونلاردان بیرغزلی گؤسترمکله‌کفایتله‌نیریک :

یوردوم اودلار دیاری، آذر ائلی گرائلیم اولسا
فخردیر سؤیله‌مگه وصفینی،شیرین دیلیم اولسا
ائلین آمالی‌ایله گوللو گولوستان سالارام من
گوللرین عشقینه‌گر نغمه‌دئیه‌ن بولبولوم اولسا
آرزو دونیاسینا مین سئوگی،هوسله باخارام من
اوزومه اینجه‌تبسمله‌باخان سئوگیلیم اولسا
گئجه ـ گوندوز چکه‌رم گول اوزونون حسرتین، آخر
چاتارام وصله محبت‌چمنینده گولوم اولسا
عهد و پیمانیله اؤز خلقیمه‌آند ایچدیم ازلده
دؤنمه‌رم اوندان اگر عمرده‌یوزمین‌یلیم اولسا
کیم‌سئورسه ،سئویلر، حرمته‌حرمت قازانارلار
نولا"واثق" بو تمنادا منیم‌ده الیم اولسا!(۱

---

۱ ـ بوترجمه‌ی حال شاعرین اؤز ال یازماسیندان دوکتور م.ت. زهتابی طرفیندن قیسا دیلمیش وبیزه گؤنده‌ریلمیشدیر.

آئینهٔ سکندر جام جم است بنگر
تا برتو عرضه دارد احوال ملک دارا
حافظ

دوکتور :غلامحسین بیگدلی

## فردوسی "شهنامه"سیله نظامی "اسکندرنامه‌سی نین ادبی علاقه‌لری حقیقنده

**************************

۱۱ ـ فلیپ ایرانا یوروش آپارماغا حاضیرلاشیردی کی،اؤلدورولدو، ماکدونیانین سلطنتی ۲۰ یاشلی جسور اوغلو اسکندره ( ۳۲۳ ـ ۳۵۶ میلاد ـ دان قاباق ) یئتیشدی. بو حسورجنگاور و ایگید سرکرده ،تایینی تاریخ آز گؤسترمیش نابغه‌لردن دیر کی،اوشاقلیغیندان خصوصی معلملر ،تربیه ـ چی لر و متخصص‌لر واسطه‌سی ایله یوکسک سیاسی وحربی تعلیم‌آلمیشدیر. اونون خصوصی تربیه‌چیسی اولان و صونرالار سیاسی مشاور حربی مصلحتچی ـ سی کیمی خدمت ائده‌ن ارسطونون یونان شاهزاده‌سی نین گله‌جک انکشاف و نائلیت‌لرینده درین تاثیری اولموشدور.

آتاسی نین آمالینی حیاتا کئچیرمک ایسته‌ین اسکندر ۳۳۴ نجی‌ایل میلاددان اول،گؤزه‌ل تعلیمات گؤرموش ،مکمل سلاحلانمیش گوجلو بیر قو ـ شونلا شرقه دوغرو یوروشه باشلاییب ،هخامنشی سلاله‌سی نین صونونجو پادشاهی اوچونجو دارا ایله ووروشماق عزمی ایله اژه ،مرمره دنیزلر ـ یندن کئچیب ،بسفر و داردانل بوغازلاری واسطه‌سی ایله‌آسیا قطعه‌سینه آیاق باسدی.ایکی آغیر و قانلی محاربه‌دن صونرا کیچیک‌آسیا یاریم آداسینی اشغال و ضبط ائدیب دارا قوشونلارینی زاگروس داغلارینا قده‌ر قوووب گئتری یه اؤتوردو.بونونلادا ایران لا ماکدونیا قوشونلاری نین ۱ ـ نجی مرحله ووروشلاری باشا چاتدی .

ایلک مرحله‌دن غلبه قازانمیش اسکندر ،ماکدونیا اوردوسونا اندیر ـ یلن آغیر مادی و انسانی ضربه‌نی،زیان وخسارتلری تامین ائتمک اوچون او زامان اؤز فراوان ثروتی و بول جمعیتی وحربی استراتژی اهمیتی ایله مشهور اولان مصر اؤلکه‌سینی اشغال ائتمک و جبه‌خانه‌ده‌ن استفاده ائده‌رک ،اؤز کم ـ کسرینی دوزه‌لدیب ،لازمی بیرحاضیرلیق آپار ـ دیقدان صونرا اؤز جهانگیرلیک نقشه‌سینی حیاتا کئچیرمک وایره‌لی‌یه دوغرو حرکتینی دوام ائتدیرمک قرارینا گلدی.

بودورکی،ماکدونیا سرکرده‌سی،فرعونلار اؤلکه‌سینی اشغال ائتمک

مقصدی ایله آرالیق دنیزی نین شرق ساحلی بویو جنوبا طرف حرکت ائتدی. یول اوستو شهرلرین اهالیسی ایله صون درجه شدت وحدت له رفتار ائدیب، گؤسته ریلن جزئی مقاومتلره قارشی آغیر جزا وئریب محو ائدیجی ضربه لر ائندیردی. بئله کی، قارشیسیندا بیر قدر جدی مقاومت گؤسته رن تیر شهری نین اهالیسینه آغیر دیوان توتوب، سککیز مین نفر قیلینجدان کئچیریب ۳۰ - مین نفرلرینی ده اسیر توتوب کوله (قول) ساتیلان بازار لارا گؤنده ردی. او، بوندان صونرا دا بوتون یوروش و سفرلری بویومغلوب ملت لرله بوسایاق شدتلی وگوبود صورتده رفتار ائتمیشدیر. دائما قتل و غارت و اسارت له مشغول اولموشدور.

اسکندر قوشونلاری سینا یاریم آداسی دوزه نلیگینی کئچدیکدن صونرا آرتیق داها هئچ بیرجدی مقاومته اوغرامادان اهرام لار وطنی وفرعونلار یوردو اولان مصر اؤلکه سینی تسخیر ائتدی. بو آسانلیقدا الده ائدیلن بو بؤیوک موفقیتین اساس سببی او ایدی کی، بو زمان مصر هله ده ایران ایمپریاسی اراضی سینه داخل ایدی. آنجاق هخامنشی شاهنشاهی الآ - دارا موقتی اولاراق مصرده کی اوردولارینی اورادان فرات ساحل لرینه قدر گئری چکمیش، بیر نوع بوشلوق یاراتمیشدی، دارا اسکندرله ایرانین اؤزسرحد لرینده اوز - به - اوز گلمه گی گؤزله یردی. بیرطرفدن ده مصر اهالیسی اوزون سوره ن ایران ایمپریاسی سلطه سیندن خلاص اولسونلار، - دئیه اسکندر قوشونلارینا قارشی نه اینکی هئچ بیر مقاومت گؤسته رمه دیلر. بلکه اسکندرین پناهینا سیغینیب، اونو خلاصکار کیمی قوربانلیقلا قارشیلایيب دبدبه ایله ممفیس شهرینه گتیردیلر. حتی قبطی کاهن لری ماکدونیا سرکرده سینی مصرین فرعونی اعلام ائدیب، مصرلی لری اونا ستایش ائتمگه دعوت ائتدیلر

بو ال وئریشلی شرایط دن باحاریقلا استفاده ائدن اسکندر مصر ثروتی واهالیسی حسابینا اؤزونون یورغون وآغیر تلفاتا اوغرامیش قوشونلارینی مرمت وبرپا ائدیب، تپه دن دیرناقا قدر سلاحلاندیردی. یئنی دن اوجونحو دارا ایله ایرانین اؤز اراضی سی داخلینده پنجه لشمک مقصدی اوجون شرقه دوغرو حرکت باشیراقینی قالدیردی. ایران سرحدلرینه یؤنلدی.

ماکیدونیا قوشونلاری دجله چایی نین صول ساحلینه کئچیب گاوگامل دوزه نلیگینده ایران اوردوسو ایله اوز به اوز گلدیلر. دارا قوشونلاری نین صایی ایکی دفعه اسکندر اوردوسوندان آرتیق اولوب، سلاح جهتده ن

ده زره‌لی آرا بالار و دؤیوشکن فیل لرایله مجهز اولمالارینا باخمایا ـ راق ،ایران اوردوسوندا حکم سوره‌ن روح دوشگونلوگو ،اینا مسیزلیـــق، تعلیمات ضعیفلیگی،خصوصا ایران قوشونلاری حصه‌لری‌نین چوخلو بیرپایی مزدلو ویا اجباری عسگرلردن عبارت اولدوقلارینا گؤره بیرطرفدن،دیگر طرفدن ده اسکندر قوشونلاری‌نین مکمل تعلیم آلمالاری،روح یوکسک لیگینه مالک اولمالاری،اوردونون اساس حصه‌لری نین سئچمه وگؤنوللو عسگرلردن عبارت اولماسی،هامیدان آرتیق اؤز سرکرده‌لرینه درین اینام و محبت بسله‌مه‌لری ،بوتون بو مسئله‌لر هله ایران لاپ محاربه‌نین ۱۱ ـ نجی مرحله سینی باشلانمازدان قاباق اونون طالعینی تعیین ائدیردی.

ایرانین اؤز اراضی سی داخلینده گئده‌ن ایلک محاربه‌ده یعنی گاو گامل محاربه‌سینده یونان قوشونلاری نین اوخچو حصه‌لری ایران اوردو ـ سونون منقلای * تشکیل ائده‌ن زره‌لی حربی آرابالاری و دؤیوشکن فیللری اوزاخدان اوخا باسیب فیللری دارا قوشونلاری نین داخلینه واساس حصه لرینه طرف هورکوتدولر.

اسکندر اؤزوده سئچیلمیش نیزه‌لی آتلی دسته‌لری ایله اؤزونون صاغ جناحیندان ایرانلیلارین صول جیناحینا هجوما گئچیب دارا قوشونـــون صول جیناحینی مغلوبیته اوغرادیب مرکز حصه‌سینه سیخیشدیردی.نیزه‌لی آتلی لار دؤوره دوروب ایران قوشونلاری نین قالان حصه‌سینی محاصره یـــه آلدیلار.بئله‌لیک له‌ده ذخیره وتدارکات حصه‌لری ایله دارا قوشونلاری‌نین علاقه‌سی کسیلدی و رابطه قیریلدی.

محض بو زامان ماکدونیا قوشونلاری نین فلانژ حصه‌سی جبهه‌دن دارا قوشونلاری نین قلبینه ( مرکز حصه‌سینه ) هجوما گئچدی.اونا سارسیدیجی ضربت اندیریب آغیر بیر تلفاتا اوغراتدی .بونونلادا ایران قوشونلاری داربا ـ داغین اولوب تمامیله مغلوبیته اوغرادی.دارانین اؤزوده میدا ـ نی ترک ائدیب قاچماغا مجبور اولدو...

هخامنشی سلاله‌سی نین صونونجو پادشاهی اولان III ـ دارا گاوگامـــل محاربه‌سیندن صونرا نئجه دفیللر هئچواقت داها باش قالدیرا بیلمه‌ییب آرتیق جدی بیر مقاومت گؤسته‌رمک امکانیندان محروم اولدو.فقط محلـی و آتاوستو ووروشلاردان باشقا اساسلی بیرجبهه‌ده اسکندرقوشونلاری‌ایله

---

*) منقلای = آوانگارد/ پیش قراول .

اوز به اوز گله بیلمه دی. نهایت کرمان شهری اطرافیندا یکی نفر اؤز ناراضی ضابط لری الینده اؤلدورولدورولدو. بونونلا اسکندرین بوتون ایرانین تسخیر ائتمه شینه امکان و شرایط یاراندی وبئله ده اولدو.

اسکندر ایران اراضی سینی اشغال ائتدیکده ن صونرا اورتا آسیا اؤلکه لرینی تسخیر ائتمک مقصدی ایله شرقه دوغرو حرکت ائدیب، اوچ ایل تمام قانلی ووروشلار و آغیر محاربه لر آپاریب حدی مقاومتلره راست گلدیکدن صونرا، آمو دریانین صول ساحللرینه قده ر ایره لی له ییب بوتون اورتا آسیا اؤلکه لرین تسخیر ائتدی. حدسیز، حدودسوز ثروت الده ائدیب و اون مینلرله حوان و ساغلام کوله دونیا بازارلاربنا گؤنده ردی مغلوب ملتلر و اؤلکه لرین غارت ائتدیگی ثروتی حسابینا یونانستانی زنگین بیر خزینه یه جئویردی.

ماکدونیا سرکرده سی اورتا آسیا شهر و اؤلکه لرین تسخیر ائتمک له ده کفایت له نمه ییب، جهانگیرلیک سوداسی وبئنی اؤلکه لر نوتماق عزمی و خولیاسی ایله یئنه ده محاربه ایشینی شعله له ندیرمک ومین لرله انسانلارین قانینی آخیتماق فکرینه دوشره ک هندوستان سرحدلرینه اوز جئویردی. لیکن بیر طرفدن یونان قوشونلاری نین حدیندن آرتیق یورغون و مفلوک اولمالاری، آغیر تلفات لارا معروض قالیب جدی تحلیله گئتمه لری، دیگر طرفدن ده هندلی لرین تجاوزکارا قارشی مردانه مقاومت گؤسته ریب، مهاجم دشمنه آغیر ضربه لر اندیرمه لری نتیجه سینده اسکندرقوشون لاری داها ایره لی لیه بیلمه ییب، ایسته ر ـ ایسته ز ۳۲۵ ـ نجی ایل میلاددان قاباق شرقده ن غربه گئری دؤنمک مجبوریتینده قالدیلار.

یورقون آنجاق مغرور اسکندر عمان دنیزی وفارس کورفزی (خلیجی) ساحللری ایله غربه دوغرو گئری یه قاییدیب، بابل شهرینه گلیب جبخدی. اورادا اوتوراق ائتدی. ایکی ایل تمام حاضیرلیق آپاریب یئنی یوروش لر آپارماق مقصدی ایله چالیشدی. آنجاق زامان دا اؤز ایشینی گؤردو. یولوخوجو قیزدیرما خسته لیگی اونو قوه دن سالدی. ۳۶ یاشلی جوان سرکرده نین مین بیر دیگر آرزولاری رحم سیز شفقت سیز داش اوره گینده قالا ـ قالا ۳۲۳ ـ نجی ایل میلاددان اول بابل* شهرینده وفات ائتدی. اونون اؤلوموایله مین لرله انسانین قانلاری بهاسینا اشغال ائتدیگی اوجسوز ـ بوجاقسیز اراضی وگئنیش امپریا آز بیرمدتده سقوط ائله دی.

---

*) اونون وفاتینی شهر زور دا یازانلاردا واردی.

دوغرودان دا بؤیوک حافظ صونرالار بوحقده نه گؤزه‌ل دئمیشدیر :
جندروزی پیش و پس شدورنه‌ازحورزمـــان
برسکنـدر نیز بگذشت آنچه بر دارا گذشت

ائله اسکندرین یاشادیغی دؤوردن توتاراق بیر سیرا مشهوریازیچی لار و تاریخچیلرا وحمله‌دن آرریان، پلوتارک ،کورتسی،کوینت روف دان توتموش ،شرق عالم‌لریندن :جاحظ بصری،حریر طبری،احمد دینوری،نظامی گنجه‌وی و اونلارلا مشهور شرق وغرب مورخ وعالم وشاعرلری منثورومنظوم "اسکندرنامه"لر آ.دی ایله اونون حیاتی،فعالیتی وشخصیتی حقینده فکر سویله‌یوب ،هرکس اؤزونه مخصوص و اوریژینال بیر طرزده ملاحظه‌یورودوب بعضا تاریخی حادثه‌لره یاخین، بعضا ندیعی وادبی باخیمدان اثرلـــر میدانا چیخاریب .کیمیسی ده مبالغه‌لرله دولو صحنه‌لر یاراتمیشدیرکی، ظنمیزجه بو موضوع دا یارانمیش بوتون منثور و منظوم اثرلری ۲دسته‌یه بؤلمک اولار : ۱ـ تاریخی اثرلر ۲ ـ بدیعی اثرلر .

بیز ایسه هله‌لیک اورتایا چیخان بونجا چوخلو اسکندرنامه‌لـــردن آنجاق فردوسی و نظامی یارادیجیلیقیندا اسکندر سیماسی نین ترنـــم‌و تحلیلینه حصر ائدیلمیش،"شاهنامه" و "اسکندرنامه" اثرلرینی‌گؤتوروب بوایکی مشهور وجهانشمول اثرده اولان ادبی علاقه حقینده‌اختصارلا فکیر سؤیلویه‌جه‌یک .

** ** **

فردوسی "شاهنامه"سی ایله نظامی "خمسه"سی آراسیندا اوچ تاریخی موضوع مشترک ایشلنمیشدیر : اسکندر ،بهرام‌گور (یئددی گؤزه‌ل) و خســـرو و شیرین موضوعلاری .

آنجاق بعضی لری ائله ظن ائدیرلرکی،نظامی بو موضوعلاری عینی‌ایله فردوسی دن گؤتوروب ،اونو بیر نوع تقلید یا تکرار ائده‌رک ایشلتمیش دیر .بوفکرین اساس طرفدارلاری بعضی آوروپا شرقشناسلاری نین یالنیش ملاحظه‌لری تاثیرینه معروض قالان بیرسیرا دیگر بیرطرفلی ملتچی تدقیقا چی لار دیرلار .اونلار نه‌دنسه نظامی نین نووآتورلیگینی،نبوغونو بیرنـــوع انکار ائده‌رک شاعری آز قالا تقلیدچی و تکرارچی کیمی قلمه‌وئرمـــک ایسته‌ییرلر .بو عالم‌لردن : بدیع‌الزمان فروزانفر ،علی اکبر دیهیمی، جلال الدین همائی اصفهانی،دکتر رضازاده‌ٔ شفق وبیرسیرا باشقالاری نظامی نین یئنی چی لیگینی انکار ائتمگه چالیشیرلار .بونلارین فکرینجـــه

گویا ،نظامی "اسکندرنامه"،"خسرو وشیرین" و"یئددی گؤزه‌ل"داستانلاری‌نین اساس موضوعلارینی فردوسی "شاهنامه"سیندن گؤتوروب‌ان اوزاق‌باشی اونا بیر نوع نظیره یازمیشدیر.حتی رضازاده‌ٔ شفق کیمی قاطی واؤگئی " ملتجی ؟! " بیر شخص"عینی فردوسینی تکرار ائتمیشدیر"ـ دئییه . ملاحظه‌یوروتموشدور و اوتانامیشدیر.

بیزجه بوکیمی غیرعلمی واساس‌سیز مدعالارین اورتایا چیخماسینا اساس‌سبب‌بیر سیرا یئرسیز عرقی تعصب‌لردن،یاخود شخصی منافع‌اوغرو‌ندا کی احتراصلاردان علاوه .هم‌ده بعضی آوروپا شرقشناسلاری نین یالنیش فکر ومقایسه‌لرینن ضررلی تاثیری اولموشدور.مثلا مشهور تورکولوگ ک . یاکوب‌نظامی نین "اسکندرنامه"اثری نین ترجمه‌سی مقدمه‌سینده ، فردوسی ایله نظامی نی مقایسه ائده‌رکن گنجه استادینی اوستون توتاراق یازیر : " نظامی ... بیر شاعر کیمی فردوسی دن داها بؤیوکدور" دیگر اوروپا شرقشناسلاریندان هرمان اته‌اپیک اثرلر حقینده‌فکر سؤیلوین و بحث‌ائتدیگیمیز موضوع باره‌ده بئله‌بیرملاحظه‌ایره‌لی سورور: ... نظامی اسکندرنامه‌سی نین میدانا چیخماسی کهنه‌اپیک عنعنه‌لرینن‌اوز اهمیتینی ایتیرمکده اولدوقونو گؤسته‌ریر." همین ملاحظه‌نی‌بیرقدرصونرای .پیز ده‌تصدیق ائتمیشدیر.مشهور شرقشناس‌چخ عالمی یان ـ رسکا بو حقده یازیر: " ایران دا هرژانردا شعراستادلاری واردیر.آنجاق قطعیت له دئمک اولورکی،نظامی منظوم داستان یاراتماقداها میدان یوکسک اولموش وهئچکس اونا چاتامیشدیر،چاتا دا بیلمه‌ز.مشهور نظامی شناس وحید دستگردی ایسه نظامینی بوتون یئر کوره‌سی اوزه‌رینده‌کی شاعرلردن اوستون توتموشدور.

همین ملاحظه‌لرین عکسینی سؤیله‌ین لرده واردیر.یعنی فردوسنی نظامی دن قات‌ـ قات اوستون توتوب‌بؤیوک قلمه وئرمک ایسته‌ین لرده آز دگیلدیر.آنجاق بوفکیرلرله قطعیت‌له راضیلاشماق اولماز.محض‌بو کیمی بیر طرفلی ملاحظه‌لردیرکی،بیر سیرا متعصب‌فارس‌دیللی ادبیاتشناسلاری جاشدیریب،اونلاری غیر علمی وغیر جدی ملاحظه‌لر یوروتمکه سوق ائتدیر میش‌دیر.

بیز هندوستان عالمی شبلی نعمانی نین بوباره‌ده گلدیگی علمی و عدالتلی قراری آلقیشلاریق .سسیمیزی اونون سسینه قوشوب‌ایلک اولدن سؤیله‌ییریک کی،دوغرودان دا فردوسی فردوسی دیر،نظامی ده نظامی وبو

کیمی داهی صنعتکارلاری بیر- بیرلرینه قارشی قویماق غیرعلمی بیر اصول وغیر دوزگون بیر حرکت دیر ،سهودیر .

آدلارینی چکدیگیمیز اوچ مشترک مسئله یه گلدیکده ،بومسئله لر تاریخی حادثه لردن عبارت اولدوقونا گؤره هر ایکی بؤیوک شاعرین دقت مرکزینده دایانمیش،هرایکی شاعر بومسئله اوزه رینده اؤزلرینه مخصوص بیرطرزده مختلف زامان،مکان وشرایط ده اونلاری ترنم ائدیب نظمه چکمیشلر .دوزدور کی،هرایکی شاعر اؤز نادر وقیمتلی اثرلرینده بیر- بیرلرینه بنزه ر بعضی یاخین واوخشار مسئله لرده قویموشدولار . اقلا بوکیمی یاخینلیقلار تاریخی حادثه لرین اؤزونون ایضاحیندان تؤره - نیب میدانا گلیر .آنجاق بورادا دا آیدین دیرکی،عینی موضوعو ،عینی مسئله نی،ایکی فکر ،ایکی ذهن،ایکی طبع وایکی قلم‌هره‌سی ده اؤزونه مخصوص سلیقه ،قدرت ،ذوق ،هنروبیان و دونیا گؤروشو وغیره وغیره ایله ترنم ائدیب نمایش ائتدیرمیشلر .همین اوخشارمسئله لرین حلینده ده اثر لرده‌کی تام اوریژیناللیق ومطلق اصالت واؤزولولوگ بارز صورتده اؤزلرینی گؤسته ریر و دقتی جلب ائدیر .

دیگر طرفدن بومسئله علم‌عالمینه تمامیله آیدین دیرکی،نظامی فردوسی نین "شهنامه"سینی دفعه‌لرله دقت له اوخوموش، اؤزیارادیجی - لیقیندا "شاهنامه"دن ده بیر معتبر منبع کیمی استفاده ائتمیشدیر . شاعر اؤز"خمسه"سی نین هر بئش مثنوی سینده بو مسئله یه دؤنه - دؤنه اشاره ائتمیشدیر .آنجاق بو هئچده او دئمک دگیل دیرکی،نظامی فردوسینی تقلید یاتکرار ائتمیشدیر .آخی نظامی یارادیجیلیغی ضروری ولابد اولاراق بیرتاریخی ادبی بینووره وقدیم مدنی بیرارث وعنعنه اوزه رینده یارانمالی ایدی.نظامی ده محض بوناگؤره تکجه بردع*ده الده ائتدیگی یگانه قدیم منبع دگیل وطنین ائله‌جه‌ده قونشو خلق لری نین بیر چوخ ادبی آبده‌لرینی اوخویوب مضمونلارینا دقت یئتیرمیشدیر .او ،فارس ،عرب دیللی ادبیاتدان تکجه "شاهنامه"دگیل بیر سیرا دیگر اثرلرله ده تانیش اولموشدور کی،بیزبونلاردان بیرنئچه‌سی نین آدلارینی چکیریک . نظامی اؤز یارادیجیلیقی نین فورمالاشماسی اوچون ایرانین گؤرکملی معاصر عالملری نین اؤز اعترافلارینا اساسا : "خدای نامک" ،"کارنامک اردشیر

---

*) بردع = فردوسی شهنامه‌سینه اشاره‌دیر .

بابکان"، ۳ ـ نجی هجری قمری یوزایللیگینده یازیلان ابوحنیفه احمد بن داود الدینوری ( وفات ۸۹۵ میلادی)نین"الاخبار الطوال" تاریخیندن مؤلفی بللی اولمایان ۵ ـ نجی هجری قمری یوزایللیگینده یازیلان"منثور اسکندرنامه"دن،هجری ۶ـ نجی یوزایللیگین اوللرینده ابوطاهرمحمد بن حسن بن علی بن موسی طوسی نین قلمی ایله یازیلمیش "قهرمان نامه"دن یونان دیلیندن سریانی و عرب دیلینه وعربجه‌دن ده فارس دیلینه چئوریلمیش "داراب نامه"دن ،ابوشکوربلخی طرفیندن یازیلمیش"آفرین نامه" دن ،دقیقی نین "گشتاسنامه"سیندن ،ثعالبی نین "شهنامه"سیندن جاحظین "المحاسن والاضداد"یندن ،ابو جعفرمحمدبن جریرالطبری نین "تاریخ"یندن ،عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندربن قابوس وشمگیرین "قابوسنامه"سیندن و بیرچوخ بوکیمی شرق کلاسیک منبع لریندن بهره‌له‌نیب ،اونلاردان تنقیدی صورتده استفاده ائتمیشدیر .بوندا گره‌ک کیمیسی ده ادعا ائتسین کی،نظامی آدلارینی چکدیگیمیزبومؤلف لری ده تقلید یاداکی اونلاری تکرار ائتمیشدیر .البته کی،یوخ .شاعر مختلف منبع‌لردن استفاده حقینده اؤزوده آچیق ـ آیدین بومسئله‌یه‌اشاره‌ائتمیشدیر :

زتاریخ ها چون گرفتم قیاس — هم از نامهٔ مرد یزدانشناس
چو می کردم‌این داستانرا بسیج — سخن راست روبودره پیچ پیچ
اثرهای آن شاه آفاق گرد — ندیدم نگاریده‌دریک نورد
سخنها که‌چون گنج آکنده‌بود — بهرنسختی در پراکنده بود
زهر نسخه برداشتم مایه‌ها — برو بستم از نظم پیرایه‌ها
زیادت‌ز تاریخهای نوی — یهودی و نصرانی و پهلوی
گزیدم زهر نامهٔ نغز او — زهر پوست‌برداشتم مغز او

حالبوکی مقدونیه‌لی اسکندر اوبرازی نین یارانماسیندا هم فردوسی وهم نظامی وهمی ده آدلارینی چکدیگیمیز بوتون مؤلف لرین اساس استناد گاهلاری،چوخ احتمال کی،میلادین بیرینجی یوزایللیگینده قلمه‌آلینمیش ( بعضی لره گؤره ۷ـ۱ عصرده )" پسودا کالللسفنا "اثری یا رومانی اولموشدور .

قید ائتدیک کی،بواثر چوخ احتمال کی میلادین ۱ـ نجی عصرینده‌قلمه آلینمیشدیر .اثرین مؤلفی کالللسفنا اوزون بیرمدت یونان سرای حکیمی ارسطونون قوهومو کیمی تقدیم‌ائدیلمیشدیر .صونرالار بوملاحظه‌نین یالنیش اولدوقو ثبوت‌اولوندوقدان صونرا اثره یالانچی کالللسفنا رومانی* آدی

*) ساختا کالللسفنا اثری .

وئریلمیشدیر. اثر مصر و اریانتلاری اساسیندا آنجاق یونان دیلینده قلمه آلینمیشدیر، صونرا بیرچوخ دیللره اوجمله دن عرب، پهلوی، تورک حبش، سریانی وقدیم ارمنی دیللرینه ترجمه ائدیلمیشدیر.

تاریخی آبده لرله یاناشی بو اثر شرقده اسکندر موضوعسونون یاییلماسی اوچون اسکندرین بدیعی اوبرازی نین یارانماسیندا اساس منبع لردن بیری اولموشدور.

یئددی فصلدن عبارت اولان اثرین فصلی لری بئله آدلانیر:

۱ـ اسکندرین حیاتی و قهرمانلیقی ۲ـ موتونه ودیگر شهرلرین آلینماسی ۳ـ دونیا آقاسی (اسکندربن) قارشیسیندا اسمه نیانین نغمه اوخوماسی. ۴ـ اسکندرین ائلچی صفتی ایله دارا یانبنا گئتمه سی. ۵ـ درین و ائلی سانکا چای حقیندا ۶ـ اسکندرین دارانی هارادا باسدیرماسی. ۷ـ لبئوس و اریواردی نین قتله یئتیریلمه سی.

بوفصللرده اسکندرین حیاتی، فعالیتی ویوروشلری حقینده گئنیش معلومات وئریلیب، همی ده اسکندر ایده آل لاشدیریلیب ومقدس له شدیریلمیشدیر. (مصرلی لر اؤز تاریخی افتخارلارینی قورویوب ساخلاماق مقصدی ایله اسکندری مصرلی ائتمگه چالیشیب، اسکندری مصرین جادوگر پادشاهی نق تانب نسلیندن اولدوغونو سؤیلمیشلر) همین مسئله ده بو اثرده اؤز عکسینی تاپمیشدیر.

بو اثرده اسکندرین آناسی نین آدی دا اولیمانیا درج اقدیلمیش دیرکی، بیزبوحقده بیرقده ر صونرا دانیشاجاییق. اثرده اولان بیرسیرا مسئله لر کی صونرالاربوتون منبع لرده اوجمله دن ده فردوسی "شاهنامه" سینده ونظامی "اسکندرنامه" سینده ده مختلف نوع لرله اؤزعکسینی تاپمیش دیر بونلاردیر:

* اسکندرمصره گله رکن، مصرلی لر طرفیندن قوربانلیق وهدیه لرله قارشیلانماسی وقبطی لرین واؤزلرینی اونون اختیارینا قویمالاری.

* دارا ایله اسکندرین توققوشما ومحاربه لرین اساس سببی دارانین خراج طلب ائتمه مسئله سی. اسکندربن سرت جوابی. قیزیل یومورتا مسئله سی.

* دارانین اسکندره توپ، چوگان وده ن گؤنده رمه سی، دارایه اسکندرین کسگین جوابی و هجومو.

* دارانین وصیتی، اؤلومو وعائله سی نین اسیردوشمه سی واسکندرین دارانین قیزی روشنک له ائولنمه سی ایرانین اشغال ائدیلمه سی وتالان اولو ـ نماسی.

* اسکندرین تابعلیگینده اولان بوتون شاهلاری اؤلدورمک حقینده ارسطویا مکتوبلا مراجعه ائدیب اونونلا مصلحت له شمه سی وارسطونون آغیللی ودوزگون جوابی واسکندری بوایشدن چکیندیرمه سی. اسکندرین شرقه قوشون یوروتمه سی .

* اسکندرین هند فیلسوفلارینا مراجعه ائدیب ،" مندن بیرشئی ایسته یین "دئمه سی، اونلارین ابدی حیات تمنا ائتمه لری واسکندرین عاجز قالماسی واونون فلسفی نتیجه سی .

بواثرده بیزیم دقتیمیزی جلب ائدن ان ماراقلی مسئله "اسکندرین قادین حکمداری شامیرام کانداک لی اؤلکه سینه گئتمه سی. شامیرامین شکل واسطه ایله اسکندری تانیماسی دیرکی، مختلف اثرلرده مختلف وار یانتلارلا نقل اولونموشدورکی، بیزیم بؤیوک نظامی ایسه شامیرانی نوشابه و کانداکی دابردع قلمه آلمیشدیر. کانداک یا کنیزه ک همان گنجه دئمکدیر .

* اثرده اسکندرین اوجسوز، بوحاقسیز امپریاسیندا ۱۲ شهر، هامیسی دا "اسکندریه "آدی ایله بنا یا برپا ائدیلمه سی درج ائدیلمیشدیر* اسکندرین اؤلومو بابل شهرینده قلمه آلینمیشدیر. هله لیک قطعیت له حکم وئرمک اولار کی فردوسی نین اؤزوده سؤیله دیگی فکرلری بیرسیرا تاریخی منبع لر ومنثور اسکندرنامه لرله یاناشی همین "ساختا کاللسفنا "اثریندن یا اونون هانسی بیردیله ترجمه سیندن بهره له نمیش دیرواگرموضوع اعتباری ایله بعضی مسئله لر "شهنامه "ایله "اسکندرنامه "ده اوخشار یا مشترک دیرلر - سه هرایکی مؤلف بوکیمی قدیم قایناقلارا استناد ائدیب اونلاردان خام مال واساس قایناق وایلکین ماخذ کیمی استفاده ائده رک اؤز ذوق، سلیقه، استعداد، ذکاء، شرایط زمان و مکانلارینا اویغون اؤزاثرلرینی یاراتمیش دیرلار .

** ** **

ایندی ده اجازه وئرین بوموضوعدا بیرنئچه شرق منبعلرینه مراجعه ائده ک میلادی ۸۹۵/ ۲۸۲ هجری قمری ایلینده وفات ائده ن ابوحنیفه احمدبن داودالدینوری نین کتاب "الاخبارالطوال "اثرینده یئرله شن بیرسیرا تاریخی مطلب لرهم فردوسی وهم نظامی اثرلرینده اؤزعکسینی تاپیرا وجمله دن دارانین یونان دان باج وخراج ایستمه سی موضوعو، هره سی قیرخ مثقال وزنی اولان یوزمین قیزیل یومورتا مسئله سی. همین مؤلف دارابین **

---

*) محمدعلی تربیت دانشمندان آذربایجان ص ۳۸۴ **) گویا داراب اسکندرین اصل آتاسی دیر .

فیلیپین قیزینا ائولنمه‌سی وقیزین آغزیندان پیس ایی گلمه‌سینه‌گؤره گئری قایتاریلماسی مسئله‌سینی قلمه‌آلمیشدیر.

دینوری یه‌گؤره ایران پادشاهی بهرامین اوغلو داراب یونان پادشاهی فیلیپین قیزی ناهیدله ائوله‌نیر. ناهیدحامله اولور. آنجاق اونون آغزیندان خوشا گلمز ایی گلدیگینه‌گؤره داراب اونوگئری گؤندریر. ناهیدمقدونیه‌یه‌قاییدیر. آغزی نین پیس ایی‌نی سندیر آدلی بیراوتلا معالجه ائدیرلر. ناهیدوضع حمل ائدیب بیراوغلان گتیریر. اونومعالجه ائده‌ن اوت‌خاطرینه اوغلانین آدینی ال ـ سندیر قویورکی، بودا صونرا الاسکندر (آلکساندر) سؤزونه چئوریلیر.

فردوسی ده "شاهنامه" سینده‌همین حادثه‌نی تخمینا عینی ایله‌تکرار ائدیر و یازیر:

دل پادشه سردگشت‌از عروس — فرستاد بازش برفیلقوس...
غمین دختروکودک اندرنهان — نگفت‌آن سخن باکسی درجهان
چو نه ماه بگذشت بر خوبچهر — یکی کودک آمدچوتابنده مهر
زبالاوروند بویا برش — سکندر همی خواندی مادرش

مارا قلی دیرکی، فردوسی دادینوری کیمی اسکندرسؤزونون لفظی معنا سینی‌آغیزدان پیس ایی آپاران اوت ایضاح ائتمیشدیر. آنجاق یونانلی لارین اؤزلری بوآدین معناسینی "بشرمدافعه‌چیسی" قیدائتمیشلر.

یوخاریداکی اپیزودون قلمه‌آلماسیندا فردوسی ایله نظامی‌آراسیندا تام اختلاف وضدیت واردیر. نظامی مسئله‌نی تمامیله‌بونون عکسینه‌قویور و بیرچوخ بوکیمی واریانتلارین هامیسینی ردائدیر. مثلا گنجه‌اوستادی اسکندرحقینده همین احوالاتی وبوباره‌ده‌کی دیگر ملاحظه‌لری تمامیله‌رد ائدیب اسکندرین یونانلی اؤزوده فیلیپین اوغلواولدوقونوتصدیق‌ائدیر

دگرگونه دهقان آذر پرست — به‌دارا کند نسل او باز بست
زتاریخها چون گرفتم قیاس — هم‌ازنامهٔ مردیزدانشناس
در آن هردو گفتارجستی نبود — گزافه سخن را درستی نبود
درست‌آن شدازگفتهٔ هر دیار — که‌از فیلقوس‌آمد آن شهریار
دگرگفته‌ها چون عیاری نداشت — سخنگو برآن اختیاری نداشت

نظامی نین بوا حوالاتدا دینوری و فردوسی ملاحظه‌لربنی ردائتمه‌سی تاریخ طبری ایله اویغون گلیر. تاریخ طبری ده ده‌اسکندرفیلیپین اوغلو کیمی تقدیم ائدیلیر....

ابوجعفرمحمدبن جریرالطبری( ۹۲۳ - ۸۳۸) اؤزونون "تاریخ‌الامم و الملوک" آدلی اثرینده اسکندرین حیاتی،شخصیتی وحربی فعالیتی ویو- روشلری حقینده گئنیش معلومات وئرمیشدیر .بؤیوک نظامی نین گؤزون کئچیرتدیگی قاینا قلاردان بیریسی ده همین منبع اولموشدور.

طبری ده اسکندرین ایران پادشاهی دارابین اوغلو اولدوغو اویدو- ورماسینی رد ائدیر .آخی داهی فردوسی ایران عنعنه‌وعادتلرینه اساسا واستنادا اسکندرین "فر" صاحبی اولوب هخامنشی نسل وسلاله‌سیندن اولدوغونو وبونا گؤره‌ده ایران تخت وتاجینا چاتابیلمه‌سی حقوقونا مالک اولا بیلمه‌سی ملاحظه‌سینی نظمه‌چکیر .نئجه‌کی،واختیله مصرلی لرده اؤز تاریخی افتخارلاربن ساخلاماقدان اؤتری مصرپادشاهی نق تانب نسل - ایندن حساب ائدیرلر .آنجاق طبری بوا ویدورمالاری رد ائدیر .اونون ماکدونیالی فیلیپین اوغلو اولدوقونو تثبیت‌ائدیر .نظامی ده همین ملاحظه‌نین طرفداری دیر .باشقا نظر وملاحظه‌لری رد ائدیر.

طبری اسکندرین نسلینی،اولو بابالارینی آپاریب عیص و اسحق و نهایت‌خلیل الله نسلینه چیخاریر کی،نظامی ده‌اؤز "اسکندرنامه"سینده همین فکری تصدیق ائدیر:

نوآئین ترین شاه آفاق بود  نوه زاده‌ٔ عیص و اسحق بود

دئیه ،یئنه‌ده فردوسینی رد و طبرینی تصدیق ائدیر.

طبری تاریخی ایله نظامی اسکندرنامه‌سینده اولان مشترک مسئله‌لر- دن بیریسی ده دارانین اؤلوم فاجعه‌سی واونون کیمین طرفیندن و نه شکلده اؤلدورولمه‌سی مسئله‌سی دیرکی،یئنه‌بومسئله فردوسی ده باشقا بیر شکلده وئریلمیشدیر.

دارانین اسکندردن باج وخراج طلب ائتمه‌سی،توپ ،چوگان،ده‌ن،قیزیل یومورتا مسئله‌سی طبری تاریخینده هم‌ده نظامی اسکندرنامه‌سینده اؤز عکسینی تاپیر. آنجاق طبری تاریخینده بیرمسئله‌نظامی طرفیندن قبول ائدیلمیر .اودا اسکندرین آناسی نین آدی مسئله‌سی دیرکی،طبری اونون آناسینی هولای سندروس آدلاندیریر .بو قادین"ساختاکاللسفنا "رومانیندا اولیمپیا ،فردوسی شاهنامه‌سینده ناهیدوتورک دیللی منبع‌لرده‌رقیه‌آدلان - دیریلیر .بودورکی،بعضی منبع‌لرده‌هم‌اسکندرین وهم‌ده‌آناسی نین مصرلی، ایرانلی‌اولدوقومدعالارینی‌ایره‌لی سورورلر .آنجاق نظامی بوکیمی بیر طرفلی‌وغیرجدی ملاحظه‌لری ردائدیرهم‌اسکندرین همی ده‌آناسی‌نین یونانلی اولدوقلارینی تصدیق ائدیر .آنجاق اسکندرین آناسی‌نین آدینی چکمیر و سؤیله‌نیلن آدلارین داهئچ بیریسینی انکار یا تصدیق ائتمیر وبوحقده‌بیرسؤز دانیشمیر.

** ** ** **

## حضرت محمدین (ص) اؤگودلری

**كُلُّ ذی نِعْمَتٍ مَحْسُوْدٌ اِلّا صاحِبُ التَّواضُعِ.**

هر نعمتین صاحبینه گیحیکلەنرلر، مگر آلچاق کؤنوللویه.

**كُلَّما طالَ عُمرُ المُسْلِمِ كانَ لَهُ خَيْرٌ.**

مسلمان عمرونو اوزادان هرشئیده خیر وار.

**لِزَوالُ الدُّنْيا اَهْوَنُ عَلَى اللّهِ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ.**

تانری یانیندا دنیانین زوالی بیرمسلمان کیشینین اؤلدورولمەسیندن یئی دیر.

**لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الرّاشِي وَالْمُرْتَشِي.**

تانری نین قارقیشی رشوەوئرەنو رشوەآلانا اولسون.

**لَعَنَ اللّهُ الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجالِ وَالْمُتَرَجِّلاتِ مِنَ النِّساءِ.**

تانری،مخنث کیشی و کیشیکیمی گؤرونن آرواتلارا لعنت ائدر.

**لِكُلِّ داءٍ دَواءٌ وَ دَواءُ الذَّنْوبِ الاِسْتِغْفارُ.**

هر دردین دواسیوار، گناهلارین دا دواسی عفو دیلەمک دیر.

**لَنْ يَجْمَعَ اللّهُ تَعالىٰ عَلىٰ هٰذِهِ الاُمَّةِ سَيْفَيْنِ: سَيْفاً مِنْها وَسَيْفاً عَدُوَّها.**

تانری بو امتە ایکیقیلیجی بیر آرادا اسیرگەسین. بیر اوز قیلیجی بیرده دشمن قیلیجی.

**لادينَ اِلّا بِمُرُوَّةٍ.**

مروتسیز دین اولماز.

**لادينَ لِمَنْ لاعَهْدَ لَهُ.**

ایلغارسیزین دینی اولماز.

**لانَدِمَ مَنِ اسْتَشارَ وَلاافْتَقَرَ مَنِ اقْتَصَدَ.**

مشورت ائدن پشیمان، و مقتصد آدام فقیر اولماز.

**لايَحْتَكِرُ اِلّا خاطِئٌ.**

خطاکاردان باشقاکیمسه احتکار ائتمز.

**لايَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلّا رَحِيمٌ.**

رحمی اولمایان بهشتەگئتمز.

**لايَدْخُلُ الْجَنَّةَ خِبٌّ وَلابَخِيلٌ.**

حیلەکار و پاخیل آدام بهشتەگئتمز.

**لايَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَيِّئُ الْمَلَكَةِ.**

بداخلاق آدام بهشتەگئتمز.

ترجمه ائدن:ج- هیئت

م.ع.فرزانه‌نین "آنا دیلیمیز و ملی وارلیغیمیز اوغروندا خاطره‌لر"ی "وارلیق"دا نشره باشلایان گوندن،بیز اوخوجولاریمیزدان بوخاطره‌لر و اونلارین نشری ایله رابطه‌ده مکتوبلار و حضوری ممنونیت‌لر آلمیشدیق .بومکتوبلار و ممنونیت‌لر گاهدان بیزه ،گاهدان دا م.ع. فرزانه‌نین اؤزونه جاتمیشدی .ایندی بو مکتوبلار و ممنونیت‌لر بیر باشا حوابسیز قالماسین ـ دئیه ،اونلاردان ایکیسینی،بیریسی ایلک‌نوبه ده قوحامان و دونیا گؤرموش بیر آذربایجانلیدان آلدیغیمیز مکتوبو ایکینجیسی ده صون زمانلاردا بیر نئچه جوان وطنداشدان اداره‌یه‌چاتان مکتوبو درج ائدیریک :

ببرینجی مکتوب ـ مکتوبون اصلی فارسجادیر،اما ،بیز بورادا اونون تورکجه مضمونونو وئریریک ـ وارلیق محله‌سی نین حرمتلی مدیرینه مجله نین‌زن صون نمره‌سینده معلم م.ع. فرزانه‌ایله مصاحبه‌نیز اولموشدور. معلم فرزانه نو مصاحبه‌ده سینه‌دفترینده یادگار ساخلادیغی اوشاقلیق و جوانلیق خاطره‌لری ایله بیرلیکده ،اؤز عزیز ،قایغی کش وهربیر درده قاتلاشان آنا سیندان یادداقالان قوشمالار و بایاتیلاری،اولدوقجا صمیمی و جانا یاتار بیر دیل ایله نقل ائتمیشدی .سیزی اینانديرماق ایسته‌ر دیم کی،سؤزلرین اؤگره‌دیجی و دوشوندوروجو اولماسی،منیم اوره‌گیمین درینلرینده ایلک دفعه حیدربابانی اوخودوغوم زمان جانلانان احساسی یاراتدی و روحومدا سیلینمز ایزلر بوراخدی.سیزدن رجا ائدیرم معلم فرزانه‌نین بو آجی ـ شیرین خاطره‌لرینه مجله‌ده دوام ائده‌سینز،تا بو خاطره‌لر ایله علاقه‌لنن لر و بو توپراغین اولادلاری،بو آینا کیمی صاف و ریادان و یالاندان اوزاق خاطره‌لرایله فایدالانیب ،تجربه قازانسینلار. اولا بیلسین کی بونلار گله‌جک نسل لره چراغ اولسون .

احترامیلارلا ـ آمیغی

ایکینجی مکتوب ـ وارلیق محله‌سینده چالیشان انسانلارا سلام، اوزاق یوللاردان ،اما بیر اوره‌کدن سیزی آلقیشلاییریق .عزیزقارداشلار سیز آنا وطنین چراغینی یاندیران و فرهنگی باخیمدان آذربایجان جوانلاربنا یول گؤسته‌رن بیر ملی وارلیقسیز.بیز سیزلرین یولونوزو اؤگره‌نمگله و اوندان تجربه آلماقلا سیزایله بیرلیکده‌آددیملاییریق.

## آنا دیلیمیز و ملی وارلیغیمیز

## اوغراندا خاطره‌لر

*** ۵ ***

دانشسرانین ایکینجی ایلینده ،بیز اورانین یاتارلی قسمتینه آلیندیغیمیز سیرادا ،دانشسرانین یاتارلی قسمتی نین سرپرستی و ادبیات معلمی ،بیزه ابتدائی مدرسه‌نین بیرینجی کلاسیندا معلملیک ائدن رحمتلیک غفار بینش پور اولموشدو.

بیز ،ابتدائی مدرسه‌نین بیرینجی کلاسینی قورتاراندان صونرا ،بیر داها بینش پورو او مدرسه‌ده گؤرمه‌دیک ،سن دئمه بوآرادا ،بیزیوخاری کلاسلاردا دولاشدیغیمیز ایللرده ،او تهرانا گئتمیش،دانشگاهدا اوخوموش دانشگاهی قورتارمیش ،بیرنئچه ایل آیری ـ آیری شهرلرده معلم اولموش و ایندی ده‌شهریورحادثه‌سی اونو اؤز شهرینه‌قاییدیب دانشسرادا ادبیات معلمی وسرپرست اولماغا امکان یاراتمیشدی.منیم اوشاقلیق ایللرینده تانیدیغیم بینش پور ،اولدوقجا آلچاق گؤیول،اوشاقلارین قایغیسینا قالان ،اونلارین دردلری ومحرومیتلری ایله آجیییان ،اونلارا درسلرینده یولا دوشمگه یاردیم ائدن وهر بیرینی بیردیل ایله دیندیرن معلم‌ایدی.

هئچ یادیمدان جیخماز ،ابتدائی کلاسدا اوخودوغوموز سیرادا ،اوشاق لارین آراسیندا بیر"دالا قالمیش"اوشاق وارایدی.بواوشاق ذهنی جهتدن ضعیف اولدوغو حالدا ،انسانلارین محبتینه درین حرمت بسله‌ین بؤیوک اوره‌گی وارایدی.اوغلان ایکی ایل بیرینجی کلاسدا قالدیغی حالدا ،حرف لری یاخشی باشا دوشمه‌دیگی اوچون ،اوچونجو ایلی ده گینه‌همان کلاسدا قالمیشدی.اونون کلاسدا دوروش‌گتیرمه‌سی نین باشلیجا سببی،بینش پورون محبتلری،اونو اؤز دیلی ایله دیندیرمه‌سی وبیرپارا اوشاقلارین قاخینج لاریندان قورومasi ایدی.

بینش پور او مدرسه‌دن گئدندن صونرا اوشاق دا مدرسه‌دن آیاق چکدی اوشاغین آدی غلامرضا ایدی.هروقت او ـ بو صوروشاندا کی،غلامرضا ،بس نییه مدرسه‌یه گئتمیرسن ؟ دئیه‌ردی : هروقت میرزا غفارخان تاپیلیب گلسه ،اوندا من ده گئدیب اونون کلاسیندا اوتوراجاغام .میرزاغفارخا ـ نین تاپیلیب گلمه‌سی اوزون چکیر .اوشاقلار کوچه‌ده غلامرضانی گؤره‌نده اونونلا باش ـ باشا قویوب دئیه‌ردیلر : غلامرضا ،میرزاغفار گئتدی

گئده‌ر گلمه‌زه .غلامرضا بو سؤزو ائشیتجک برک عصبی له‌شیب ،اؤزلوگوندن چیخار و باغیرا ردی ،دده‌ن گئتسین گئده‌ر گلمه‌زه ،ننه‌ن گئتسین گئده‌ر گلمه‌زه ،اؤزون گئت‌گئده‌ر گلمه‌زه .بئله‌لیک له ده او ،درین منتدارلیـ غینی گؤردوگو محبتلره نسبت بیلدیرردی .

بونا گؤره ده ،من اوزون ایللردن صونرا بینش پورون بیزه‌تازادان معلم اولاجاغینی ائشیده‌نده چوخ سئویندیم و بوسئوینجیمده صداقتلی و معصوم بیر آدامی دا اؤزوم‌له شریک ائتمک اوچون،گونلرین بیرینـــده اونون خبرینی غلامرضا یا چاتدیردیم .غلامرضا یئردن گؤیه سئویندی،صونرا بیرمدت‌فکیرلشدی و بیردن بئله بیرسئوال وئردی ـ فلانی ، گـؤره‌ســن بینش‌پور ائله همان بینش یوردو ،یا للکه اودا بیرچوخلاری کیمی‌دگیشیب؟ آخی روزگار چوخلارینی دگیشیر... غلامرضا نین بوسئوالی منی دوشوندورـ سه‌ده‌هله‌لیک اونا جوابیم یوخ ایدی .

اما غلامرضا حقلی ایدی.روزگار بیرچوخلارینی دگیشدیردیگی کیمـــی ابتدائی مدرسه‌نین بیرینجی کلاس معلمی اولان آلچاق گویول،خوش‌گولش، اؤز ملی وارلیغینا و آنادیلینه‌حرمت‌بسله‌ین بینش‌پورودا بوسبوتون دگیشمیشدی .تهران دانشگاهی نین او گونکو فضاسی،بیر پارانژادپرست وفاشیست مسلک اوستادلارین اورادا میدان گزدیرمه‌سی،مملکتده حاکـــم کسیلمیش فارس اولمایان خلقلره توهین وتحقیر روحیه‌سی،آذربایجانلی لارین "خشن "و "دیل آنلاماز" اولدوقلاری باره‌ده آپاریلان گئنیـــــش تبلیغات ،ببرچوخ آذربایجان روشنفکرلری کیمی،بینش پورون دا روحیه سینده‌اثرقویموش واونودا (اُتُرک التُرک ولوکاْنَ آبوک )لاردان ائلمیشدی. دانشسرادا یئرلی اوشاقلارلا بواحوال روحیه‌ایله‌ایشه‌باشلامیش بینشپوـ رون آراسیندا آجیق وگیزلی توققوشما چوخ‌تئزباشلادی.یئرلی یئرسیزحالدا فارسلارا هوادارچیخماق،اونلارین یارامازلیقلارینی اؤرتـ باسدیرا ئتمک اونلارلا بیردیلده ویئرلی اوشاقلارلا آیری بیردیلده‌دانیشماق وبوکیمی آیری سئچگینلیک‌لرایسته‌رـ ایسته‌مزبیزلری اونونلا اوزبه‌اوزقویدو ،بو اوزبه‌اوزلوکده‌اورتایا چیخان توققوشمالارین بیرچوخوگونده‌لیک‌مسئله‌لرـ ین آراسیندا ایتیبـ باتیر ،اما بعضیلری قاباریرسؤز آتیشمالارینـــا و مجادله‌یه‌باعث اولوردو .اجازه‌وئرین منیم‌اؤزوم‌له‌باش‌وئرمیش بوآتیشما ومجادله‌لرین ایکیسی یا اوچو باره‌ده‌سیزه دانیشیم .

تبریز دانشسرا سیندا اولدوغوموز ایللر، بیزی فارسی دانیشماغا

"عادت" وئرمک و هریئرده گونده‌لیک مسئله‌لریمیزی بودیل ایله حل ائتمک مسئله‌سی هامیدان اساس یئر توتوردو .بو ایشین باشلیجا سببی اوندا ایدی کی،گویا بیز معلم اولاجاغیق ومعلم اولونجا داآذربایجان دیلی نین آرادان قالدیریلماسینا و فارس دیلی نین اونون یئرینه یئرله‌شدیریلمه‌سینه یاردیم ائده‌جه‌یک .مسئله‌بیرچوخ‌وقت‌لر اؤزونه جوخ جدی حال آلیر و اولدوقجا حیاتی بیر مسئله‌یه چئوریلیردی.ائله بیل بیزیم اؤز آرامیزدا ،یا اویاندا ـ بویاندا ،فارس دانیشماغیمیز ـ ینان حیاتین بوتون چتینلیک لری حل اولاجاق،بوتون محرومیت لر ،حقسیز لیک لر ،ایشسیزلیک لر ،اوغرولوقلار ،اگری لیک لرآرادان قالدیریلاجاق.

بیزلری کلاس اداره ائتمک وتدریس یوللاری ایله عملی حالداتانیش اولماق اوچون،هفته‌ده بیرگون یا ایکی یاریم گون ابتدائی مدرسه‌لره گؤنده‌ریردیلر .بوعملی ایشه گئدنده بیرطرفدن توصیه اولونوردوکی، اوشاقلارین روحیاتی ایله یاخیندان تانیش اولماق اوچون اونلارلا "مشترک دیل "تاپاق،او بیری طرفدن ده جدی تاپشیریقلار وئریلیردیکی دانیشیقلاریمیزین هامیسی فارسجا اولسون .تبریزده ،یا آذربایجانین هر یئرینده ابتدائی مدرسه‌نین ایکینجی ـ اوچونجو ،حتی آلتینجی کلاسیندا باشدان ـ باشا فارسجا دانیشماق هله آیری ـ آیری آنلاشیلماز لیقلاری بیر یاندا دورسون،بیزی اوشاقلاردان آییریر واونلارلا "مشترک "دیل تاپماقدان اوزاقلاشدیریردی.

دانشسرا یولداشلاریندان بیرچوخلاری کیمی من ده اوشاقلارلا مشترک دیل تاپماق،یا سؤزون حقیقی معناسیندا اونلارین محرومیت لری،نیسکیل لری،ایسته‌ک لری و آرزیلاری ایله یاخیندان تانیش اولماق خاطره ،ایلک کلاسا گئتدیگیم گوندن تورکجه دانیشماغا باشلادیم.

بیرگون بیزلردن نئچه‌سی ابتدائی مدرسه‌نین کلاسلاریندا "تدریس عملی"یه مشغول اولدوغوموز سیرادا ،بینش‌پور اؤزو تکلیکده‌یا یادیمدا دگیل بیر آیریسی ایله اورایا باش‌چکمگه گلیر .او ،کلاسلارین بعضی لرینه باش‌چکیر ،اما من اولدوغوم کلاسا گلمیر .سن دئمه ،صونرالاراؤزونون دئدیگی کیمی،او مدت‌لر قاپی نین دالیندا آیاق ساخلیر و منیم‌اوشاق لارلا تورکجه دانیشماغیما قولاق آسیر .ایکی اوچ گون اوندان صونرا ، او منیم تکلیف دفتریمین حاشیه‌سینده بئله بیرمطلب یازیر"کسیکه‌رهنموهای مدرسه‌را دربارهٔ مسائل اساسی آموزش وپرورش ندیده بگیرد ،هرقدرهم

**تکالیفش را دقیق وتمیز انجام دهد ،بی انضباط محسوب می شود ."**

مسئله نین منه عاید اولدوغو شبهه سیز ایدی .مطلب منیم دفتریمین قبراغیندا یازیلمیشدی .بو مسائل اساسی نین نه دن عبارت اولدوغوندان ومنیم هارادا اونلاری "ندیده "توتماغیمدان خبرتوتماق اوچون اونا مراجعه ائتدیم .او منیم وآیریلاری نین کلاسدا تورکجه دانیشماغیمیزی اورتایا چکدی و بو ابشین"باغیشلانیلماز بیر اؤز باشینالیق"اولدوغونو قید ائتدی .

من اوگونه قدهر اوخودوغوموز پداگوژی (تعلیم و تربیت )کتابلاری نین هئچ بیرینده کلاسدا اوشاقلارلا اؤز آنا دیللرینده دانیشماغین "باغیشلانماز اؤز باشینالیق " اولدوغونون یازیلمادیغینی واونون هارادان و هانسی اوستادین نظری اساسیندا بو نتیجه یه گلیب چاتدیغی نی صوروشونجا او دوداق بوزوب دئدی : دئیه سن بو ایلکی سئرچه بیلدیر کی سئرچه یه جیی – جیی اؤگره دیر!...

هله مسئله یونونلا دا قورتارمادی .اوگونلرده آذربایجانین معارف رئیسی محمدملکزاده ،ملک الشعرا بهارین قارداشی ایدی .آقای ملکزاده عائله سی تبریزده اولمادیغی اوچون بیرمدت دانشسرادا بیر کیچیک اوتاقدا پانسیون کیمی یاشاردی .او سس سیز– صدا سیز گئدیب گله روهئچ کیمسنن ده ایشی اولمازدی ،بونونلا بئله او ،بیرگون کتابخانادان کتاب گؤتوردوگو مجال چوخ حدی بیرحالدا مندن صوروشدو :

**– بعضی ازشما ها سرکلاس تدریس عملی ترکی صحبت می کنید ،این درسته ؟**

**– بلی درسته .**

**– حتما این کارعلت خاصی داره ،می تونیدعلتش را توضیح بدید ؟**

**– علتش حرف زدن درزبان خودبچه ها وپیداکردن تفاهم بیشتر باآنهاست**

او ، بیرنئچه لحظه فکیرلشدی وصونرا دئدی :

**– اگر دلیلش این باشد ،دراینصورت حق باشماست .**

کناردان گلمه بیرآدام ،نژادپرست اولدوغو و آذربایجانی فارسلاش– دیرماقدا "ملی" واداری وظیفه داشیدیغی حالدا ،اوشاقلارینان مشترک دیل وآنلاییش تاپماق خاطره ،اونلارلا اؤز آنا دیللرینده دانیشماق مسئله سینده بیزه بیرپارا " قینیندان چیخیب ، قینیمنی بگه نمه یین" قارابوغاز روشنفکرلریمیزدن چوخ یاخین ایمیش ...

** ** **

دانشسرادا اولدوغوموز ایللر،اورایین "عملی"برنامه سنده یئر توتان ایشلردن بیری ده ،بیزلری شهرین بعضی عمومی وصنعتی تاسیسات لاری ایله تانیش ائتمک ایدی.بوایش،ایسته رسه بوتاسیساتلاردا اولان ایش مکانیزمینی یاخندان گؤرمک ،وابسترسه ده اورادا اولان ایش شرایطی ایله تانیش اولماق باخمسدان جوخ فایدالی ایدی.بوایشین هامیدان فایدالی طرفی اوراسی ایدی کی،بو تاسیساتلاری گؤروب قایبدانسدان صونرا اوشاقلار بو گؤروشلردن آلدیغی احساس وتاثراتی کاغاذ اوسته گتیرمه لی ایدی لر.بو یازیلار اوشاقلارین اؤزلریندن آسیلی اولمایاراق ،بعضا اولدوقجا درین،دولغون،احساسلی،بعضا ده جوخ قورو، اوزدن گئچمه و دگرسیز جیخاردی.یازیلارین بوحوره فرقلی جیخماسی نین علتی هربیر گردشده اوشاقلارا باشجیلیق وسرپرستلیک ائده ن معلمین کارکتر ـ یندن آسیلی اولوردو.فارس دیلیندن قیراغا جیخماغی اؤزلرینه وهابئله شاگردلره حق وئرمه بن معلملر بوگردشلرده مؤسسات وکارخانالاردا اولان ایشجیلره و مسئوللارا فارس دیلی ایله یاناشدیقلارینا گؤره اونلاردان لازمی معلوماتی آلابیلمیر و اونلارین ایش شرایطی ایله ده یاخیندان اوغراشا نمیردیلار،عکسینه فارس دیلیندن قیراغا جیخیب کارگرلرین و مسئوللارین اؤز دیللرینده دانیشان معلملر،اونلارین بوتون شرایطیندن دردیندن،اوتوندان خبر توتور واونلارلا قاینایب قاریشیردیلار.اوشاقلارین یازیلاری نین بعضا دولغون و احساسلی،بعضا ده سؤنوک وقورو جیخماسی بومسئله دن آرایا گلیردی. بئله لیک له اوشاقلارین نجیب یانجیب (او وقتلر نیز معلملری بیری ـ بیریندن آییرد ائتمک اوچون بو کلمه لری ایشله دردیک )سرپرست له گؤروشه جیخمالاری اونلارین یازی لاربندا گؤزه چارپان ایز بوراخاردی .

بیرگون تبریزین حراغ گازخانا دئییله ن برق کارخانا سینا گئده ـ جگیدیک .سرپرست بوگردشین گزارشینی یازماغی منه تکلیف ائتدی. برق کارخانا سینا یولا دوشمه دن سرپرست کارخانانین باش مهندسی نین بیر خارجی اولدوغوندان،خارجی لرین اولدوقجا حدی وشوخلوق گؤتورمه ین آدامیلار اولماسیندان،بونا گؤره ده بیزیم کارخانادا اولدوقجا ملاحظه ـ لی واحتیاطلی اولدوغوموز ویئرسیز سئوال ـ صورغو وئرمه مه گیمیز باره ده توصیه لر دانیشدی . کارخانادا بیز،کارخانانین خارجی مهندسی وبیرده اللی ـ اللی بئش یاشیندا ساحلاری آغارمیش ،اما اؤزوایسته ـ

دیگین قدر ساغلام و بازو بیلکلی تبریزلی موتورخانا مسئولو ایله قارشیلاشدیق .خارجی مهندس دوداغیندا پیپ ،گؤی گؤز ،قولاقلاری نین و بوینونون دالیسی قیرخیق بیرآدام ایدی.او ،الری شالوار جیبنده ، آیاقلاری بیری ـ بیریندن آرالی بیرطرفده دورموش و گؤزونون یانی ایله آتدان یوخاری بیزه باخیردی.سرپرست اونونلا خوشلاشماق ایسته دیسه ده او ،اصلا بیزی آدام یئرینه قویمادی.اما موتورخانا مسئولی چوخ احترام و گولر اوزله بیزه " خوش گلمیسیز" دئدی.صونرا دا بیزی موتورخانایا هدایت ائتدی.او ،خالص تبریز دیلینده دانیشیر ،هر سؤزه اؤز یئرینده و اولدوقجا بیغحام حواب وئریردی.سرپرست اونون تورکی دانیشماسیندان نا راحات اولموش کیمی موتورجونون سؤزونون آراسین کسدی و توضیحلرینی فارسجا وئرمه سینی اونا تکلیف ائتدی .کیشی بیر آز دوروخسوندو ، صونرا دا کنایه لی گولومسه ییب دئدی :

ـ من درس اوخوما میشام ،فارسی بیلمیره م ،بو اؤز یئرینده ،اما مگه سیز ها میز آذربایجانلی دگیلسیز ؟

ـ نییه ؟ ایچیمیزده دؤرد ـ بئش نفر فارس دا وار .

موتورچونون باخبشلاری اوشاقلارین سیماسیندا گزیشمه گه باشلادی ائله بیل او ،بیر سؤز تاپیب دئمک ایسته ییردی.اوشاقلارین ایچیندن بیری دانیشدی :

ـ عیبی یوق،بیز تورکی حالی اولوروق .

دانیشان فارس اوشاقلاردان بیری ایدی .

کارخانادان قاییداندان ایکی ـ اوچ گون صونرا من ایشین گئدیشینی اولدوغو کیمی،خارجی مهندسین بیزه اعتنا ائتمه دیگیندن توتموش تا فارس دوستوموزون "بیز تورکی حالی اولوروق "دئمه سینه قدر یازیب دفتریمه گؤجوردوم و سرپرسته وئردیم .

صاباحیسی گون او دفتری منه قایتاردی.او ،دفترین یازیلدیغی صفحه سینی جیریب گؤتورموش و اوبیری صفحه ده بئله بیریاداشت بوراخمشدی :"نوشتهٔ شما اصلا به‌خواندنش نمی ارزید...گؤرونورآتیلمیش اوخ درست هدفه دگمیشدی .

اوشاقلار بوسؤزو گؤره‌نده‌ها میسی او یازینی گؤرمگه علاقه‌له‌ندیلر . یازی نین اوزونو اوشاقلارا وئردیم بیر به بیر اوخودولار بونون خبری ها رادانسا معلم‌لرین ده قولاغینا گئدیب چاتمیشدی.نئچه گوندن صونرا

طبیعیات معلمی مرحوم علی اصغر دیبائیان او یازینی مندن ایسته‌دی دیبائیان تبریزین یاخشی معلم‌لریندن یا اوگونون اصطلاحینا گؤره نجیب معلم‌لریندن بیری ایدی. اونون کلاسدا بیرچوخ وقتلر درسدن قیراخ‌آپاری ـ دیغی صحبت‌لر اوشاقلارین اجتماعی ـ ملی شعور سویه‌لری نین یوخاری گئتمه‌سینده مؤثر اولوردو. من یازینی الیم گلمیه ـ گلمیه دیبائیانا وئردیم. او، بیرنئچه گون صونرا درس باشیندا یازینی منه قایتاردی. یازی نین حاشیه‌سینده بئله بیرمطلب یازمیشدی: **"نوشته شما به‌چندین بار خواندش می ارزید، من آنرا سه‌بار به‌دقت خواندم وهربارهم که خواندم بیشتر عبرت گرفتم. موفق باشید".**

ایندی نه او، اولکی یازی، نه ده ایکینجی یازیدان بیرنشان قالماـ میش، اگر قالسایدی، حتما آداملاری تانیماقدا و گئچمیشی اؤگره‌نمکده درده دگن سندلر سیراسیندا دورابیله‌ردی ...

** ** **

دانشسرانین ایکینجی ایلینده اوخودوغوموز سیرادا، بیرگون شهره سس دوشدو کی، تبریزده صحنه اثرلری گؤسته‌رمک اوچون او تایدان بؤیوک تئاتر دسته‌سی گلیبدیر. بوخبر، هریئرده دیللره دوشدوگو کیمی، دانشسرادا آغیز با آغیز گزدی. اویونلار تبریزین شیروخورشید صحنه‌سینده گؤسته‌ریلیردی. بیزلردن بعضی لری قاباقجادان او تایین صحنه اثرلری باره‌ده آزـ جوخ بیرشئیلر ائشیتمیشدیک. من اثویمیزده قدیمدن قالان بیرنئچه تورکی نمایشنامه‌نی اوخویوب، اونلاری چوخ خوشلامیشدیم. بیز بو نمایشلری گؤرمک آرزیسیله آلیشماقدایدیق کی، خبر گلدی، صحنه هفته ده بیرگون معارف ایشچیلرینه اختصاص وئریلیر، و بئله‌لیک له‌بیزدن ده یاخین گله‌جکده معارف ایشچیسی اولاجاغیمیزا وچون دعوت ائدیلمیشدی.

تعین اولونموش گون بیزمعلملرین بیرنئچه‌سی ایله بیرلیکده یاریم ساعات تاماشانین باشلانماسینا قالمیش شیرخورشید صحنه‌سی نین سرسراـ سیندا ایدیک. هله نمایش باشلاماميشدی. بونودا دئییم کی، بیزلرنمایشدن آزـ چوخ باشیمیز چیخدیغی حالدا، اوگونه قده‌ر بیردانا دا اولسون، اوره‌گه یاتان صحنه اثری گؤرمه‌میشدیک. دوغرودور، گاهدان بیرمدرسه‌ده، یا شیرخورشید صحنه‌سینده بیربارا فارسی نمایشلر وئریلیردی. لکن، بو نمایشلرین فارسجا اولدوغو، موضوعلارین خلقین احوال روحیه‌سی ایله‌ی اویوشمادیغی اوچون درین تاثیر بوراخماز وجماعت طرفیندن آلقیشلانمازدی

بعضا اوندان ـ بوندان ائشیتمیشدیک کی،سابق،یعنی تورکی نمایشلرین قدغن ائدیلمه‌سیندن اول،تبریزده تورک دیلینده وئریلن نمایشلر چوخ وقتلر هفته‌لر و آیلار صحنه‌ده اولارمیش .صونرالار من او،نمایشلرده اشتراک ائدن آرتیستلرین بیرنئجه‌سیندن ائشیتدیم کی،تبریزده چوخ حانلی تئاتر رپرتوواری (صحنه‌ده نمایش اوحون سینانمیش اثرلرمحموعه‌سی) وارایمیش .بوندان علاوه،تبریزین او زمان صحنه‌خادملریندن اولان رحمتلیک محمدعلی رشدی قاباقلاردا اشاره ائتدیگیم کیمی،ابتدائی مدرسه‌ده نیزه دؤوردونجو کلاس معلمی اولموشدو .رشدی کلاسدا اولدوقجا جدی وآزجادا حوصله‌سیز آدام اولدوغو حالدا ،اؤز ایشینده ،صحنه حیاتیندا باشی یوموشاق وحوصله‌لی آدام ایدی.بونو من داها صونرالار دانشسرادا اولدوغوم زمان رشدی نون بورادا "هنرآموز" تئاتروظیفه ـ سینده گؤسته‌ردیگی خصوصیتلرده دویا بیلدیم .البته یئری گلمیشکن بونودا آرتیلمالبیام کی،رشدی عین حالدا ،آذربایجاندا تورکی تئاتر قدغن اولاندان صونرادا رابطه‌سینی صحنه‌ایله‌کسمه‌میش و اوزون ایللر "لهجه‌سیز"فارسی دانیشماغا حان آتمیشدی.لکن بوخصوصدا اونون موفق اولوب اولمادیغینی اؤزوندن صوروشاندا آه جکیب دئیه‌ردی:اون ایل اؤز دؤوره‌مه فیرلاندیم ،اما آخیردا باش گیجه‌لله‌نمه‌سیندن ساوای بیر شئی گؤرمه‌دیم .دانشسرادا من رشدی نی هارادا بیرگیره‌سالار وتبریزین گئجمیش تئاتری باره‌ده اوندان بعضی شئیلر صوروشاردیم .او،آرتیسلیگی یادینا دوشنده اوزون ـ اوزادی ومعلملیگینی یادا سالاندا حوصله‌سیز و قیریق قوروق حوابلار وئره‌ردی...

هرحالدا ،او آخشام من ده شیروخورشیدصحنه‌سینده‌یوزلرجه آیریلاری کیمی صرسیزلیک له تماشانین باشلانماسینی گؤزله‌ییردیم .بیر طرفده دایانمیشدیم وباخیشلاریم جهره‌لرده گزیشیردی.بیردن سرسرانین او طرفینده گؤزوم رشدی یه ساتاشدی .او،بیرنئجه‌نفرایله دانیشیردی‌اونا طرف آددیملادیم .بو آندا او دا حؤنوب منی گؤردو .آددیملارینی باسا ـ باسا منه طرف یؤنلدی.یاخینلاشینجا یاری حدی ـ یاری شوخی گوله گوله دئدی : قره‌داغلی (او یادیما گله‌لی،حتی مدرسه زمانیندان منی بئله حاغیراردی.بوآدی هاردان تاپمیشدی ؟اولا ببلسین منیم ساریمتیل باش ـ گؤزومون همیشه گون قاباغیندا چارپاناق قویماسیندان) اؤلن یئربندی.بوسن،بودا صحنه ،گئت دوبونجا گؤر ،دا منیم‌باشیمی کئچل ائله‌مه

کی،منه صحنه دن دانیش .

آزصونرا نمایش باشلادی دوغرودان دا اؤلن یئریم ایمیش .یاخشی یادیمدا قالمایییب اول دفعه گؤردوگوم لیلی محنون یا شاه اسماعیل اوبراسی ابدی. حوخ احتمالا شاه اسماعیل اوپراسی اولسایدی گره‌ک اما صحنه ،موسیقی،ابشیق ،یاراشیق،جهره‌لر،جانلی دیالوگ ،قیرخ ایلدن صونرا ایندی کیمی گؤزومون اؤنونده‌دی.اوره‌گیم هیجانلارا قاپیلمیش ، آرزو ائدبردیم زمان دایانسین،هرشئی اولدوغو حالدا دونوب قالسین. اما مگه زمانی دایاندیرماق اولور ؟

آنتراکتدا سرسرایا حیخدیق .بوتون تماشاچیلارین سیماسیندا سئوینج وراضیلیق یئر سالمیشدی .بیزیم اوشاقلاردا فارس ـ تورک هامی راضی گؤرونوردولر .هامی بیرنئچه‌لحظه‌اول شاهد اولدوقلاری اونودولماز صحنه لردن دانیشیردیلار .بوآرادا منه بیرآیری سئوینج ده ال وئردی.سرسرادا باش منیم ،باش همت دایی نین :

ـ باجی اوغلو ،خوش گؤردوک ،تماشایا گلمیسه‌ن،عجب ائله‌میسه‌ن .

ـ خوش گوسون اولسون همت دایی،سس سن نه‌عجب بورالاردا ؟

ـ اششی( آکشی) مگه سس منیم حال خویوما بلد دگیلسن،هاردا آشاولسا من اوردا باشام .هله‌بیردئینه‌ن گؤروم آتان نئجه‌دی،اؤزون هاردا سان درسی هارا حاتدیرمیسان ؟

ـ آتام یاخشیدی ،آزجا مریض احوالدی،اؤزوم‌ده اوخویورام ،بلکه معلم چیخام .

ـ عجب ایش گؤرورسن ، معلملیک گؤزه‌ل پئشه‌دی ...

همت دایی ایله بئله‌شیرین صحبته‌گیریشمک ،سرسرادا منله‌سان پایان دوران اوشاقلاری ماراقلاندیردی.اونلار منیم دایی ـ دابی دئمه‌گیمدن اول ائله باشا دوشدولر کی،دوغرودان دا کیشی منیم دایی‌م‌دی.اما منیم بیرنئچه‌کلمه‌ده همت دایینی اونلارلا تانیش ائتمه‌گیم ،اونلاری بوشبهه‌دن چیخارتدی.اما عوضینده کیشی یه نسبت درین حرمت حسی یاراتدی.تماشا ـ نین باشلانماسی یاخینلاشدیغی اوجون بیز هله‌لیک همت دایی‌دان آیریلدیق من اوشاقلارا سؤز وئردیم همت دایی حقینده اونلارا آرتیق دانیشیم. همت دابی نین پاتوغون اؤگره‌نمیشدیم ،اونا گؤره‌ده اونون یئرینه‌دن یوردوندان خبر توتماق ایسته‌مه‌دیم .

تماشا قورتاراندان صونرا ،اوشاقلارلا بیرلیکده مدرسه‌یه‌قایییتدیق.

گئجه گئجدیگی اوجون بیرباشا یاتاق اوتاقلاربنا حبخدیق.اوشاقلاربن ایچینده یاتمیش گله‌ن اردبیللی اوشاقلاردان بیری شاه اسماعیل‌دا عرب رنگی رولونو گئجه‌ن گؤزه‌ل قیزین ایگیدلیک و حرارتلی سسینه‌وورولموش دو.او،یاتاق اوتاقیندا یئرآز دا اوشاقلاری گولدورسون دئیه،صوبونا ـ صوبونا عرب زنگی کیمی دیره جؤکوب اوحا سسله‌اوخوماغا باشلادی. اوغلانین نیمداشت‌کؤینگی بدنین حرکتی ایله یاخا آشاغا سؤکولدو.بو آرا سربرست ایجه‌ری گیردی.هامی اونون احترامینا آیاغا قالخدیق،اما او،بو احترامی اعتنا ائتمه‌دن اوزونو اردبیللی اوغلانا توتوب دئدی:

**میمون هر قدر زشتتر،ادا و اطوارش بیشتر.تو اول جاک پیراهنت را بدوز بعد ادای دلقکها را دربیار...** صونرا دا اوزون اوشاقلارا توتوب آرتیر‌دی : **آقایان دیر وقت است،چرا نمیخواهید بخوابید** واوتاقدان چیخدی.

توهینه معروض قالمیش اوغلان دیوارا سؤیکه‌نیب قالدی.اوشاقلاربن یئرنئجه‌سی اؤزلوک لرینه‌دن چیخیب یومورقلارینی سرپرستین دالینا سلکه‌له‌دیلر.

اونلاردان بیری اوتاقدا اویاش ـ بوباشا گئدیب منیم قاباغیمدا دایاندی و دئدی: سن نیه گؤزون یول چکیر؟اولمازدی حوابینی وئره‌ایدیک ؟بس نییه هئچکسدن سس چیخمادی؟اوغلان حقلی ایدی.سرپرستین ایستی ـ ایستی جوابینی وئرمکده گئجیکمیشدیک .اوبیری اوشاقلارین ده گئجیکدیک لرینی بیلمه‌دیم.اما،من او اهانتلی‌سؤز سرپرستین آغزیندان چیخار ـ چیخماز بیرلحظه‌اون ایل دالییا،ابتدائی مدرسه‌نین بیرینجی کلاسینا قاییتدیم.کلاسدا منله یان‌یانا حبیب‌آدلی بیر بوخسول اوشاق اوتوروب،حبیبین کؤینگی دالیدان سؤکولوب اونون اتجانی گؤرونور.دالی ردیفده اوتوران اوغلان مدادین اوجو ایله‌حبیبین اتجانینی جیزیر،حبیب دیسگینیر،کلاسین معلمی (همین بیرلحظه‌اول ار‌دبیللی اوغلانا اهانت ائدن آدام) مدادلا حبیبین جانینی جیزان اوغلانین حرکتیندن چوخ ناراحت اولور،اوغلانی حبیبدن عذرایستمگه و اونون اوزوندن اؤپمگه وادارائدیر.او معلم هارا،بو سرپرست‌هارا ؟

سنین گؤزون نییه‌یول چکیر؟..سؤزو منی خیال دونیاسیندان قایتاردی اؤزومه گلیب دئدیم :

ـ اوشاقلار گئجه‌دن چوخ گئچیب،یاتماق وقتی ده چوخدان صووشوب،صویون گیرین یاتاقلاریزا،قرارایدی سیزه همت‌دایی نین کیم اولدوغونو

دئییم ،بوقالسین بیرآیری وقته ،ایندی سیزه بیرآیریسی نین قصه سینی دئیه جگم .

اوشاقلار صویونوب یئرلرینه گیردیلر ومن هله اوگونه قده رکیمسه یه دئمه دیگیم بوگونکو سرپرستین گئچمیشده بیزه اول کلاسیندا معلم اولدوغونو ،اونون او وقتلرنه قده ر خوش گولش،یوموشاق،مهربان،انسان قایغیسی چکه ن اوشاقلاری اؤز دیللری ایله دانیشدیران بیرآدام اولدوغونو دانیشدیم .صونرادا غلامرضانین حکایه سینی آرتیردیم و او ،آدا ملاری اؤرگ ایله لمس ائدن صاف ساده انسانین روزگارین دگیشدیرمک باره ده سؤزونو خاطرلادیم .اوشاقلاردان بیری دریندن بیرچوخلارینی بیرآه چکیب دئدی سن او غلامرضانی منه نشان وئر ،من اونون آغزیندان اؤپوم...

سحرچاغیلار من یوخودان تئز دورانلاردان بیری ایدیم .ال ـ اوزومو یویوب یوخاری چیخاندا سرپرست ایله اوز به اوز گلدیم .طرفین سلامینی آغیرلیقلا آلان آدام بو دفعه سلامدا منی قاباقلادی وآتماجاکیمی دئدی:

**ـ تو قصه‌پرداز خوبی بودی وما نمیدونستیم ؟**

سرپرستین اوتاغی،اوشاقلارین یاتاق اوتاغیندان بیرآراقاپی ایله آرالانیردی.شبهه سیز او ،گئجه قاپی نین دالیندان قولاق آسمیش واؤز حقینده دئییله ن سؤزلری دینله میشدی .یئری گلمیشکن یایی چکیب گینه اوخو بوراخماق لازم ایدی.اونا گؤره ده هله کنایه لی گولوشون ایزی اونون دوداقلاریندان چکیلمه میش دئدیم :

ـ دئیه سن تهراندا سیزه درس وئره نلر ملی وارلیغیزا خور باخماغی بیرده قاپی نین دالیندان گیزلینجه قولاق آسماغی هرشئیدن یاخشی اؤگره دیب لر....

او ،بیر لحظه قولاقلارینا اینانمیر کیمی دوروخسوندو ،قاشلاری یوخاری دارتیلدی و اوزومه باخمادان میزیلدادی :

ـ سن چوخ دیلی اوزونوموشسان ،من هئچ بئله بیلمزدیم ...

ت ـ پیرهاشمی

# آذربایجان شعر و ادبیاتی ایله تانیش اولاق

## ۴ ـ آزاد شعر و هجا شعری

**آزادشعر**ـ وزن قافیه ومصرع آربالیغی اولمایان شعره آزادشعر دئییلیر .بونوع شعر یازان شاعرلر دئییرلرکی،وزن ،قافیه ومصرع آربا ـ لیغی باعث اولور کی،شعرین مضمونو بوخصوصیت لره فدا اولسون .

بو نظرین آنلامی بودورکی شعر یالنیز مضموندان عبارتدیر وباشقا خصوصیت لر گرکن بیرشرط دگیل لر .

بیز آزاد شعرایله مخالف دگیلیک ،آنجاق بونو بیلمه لی یک کی بیر شعرده هربیرزاد قیراغا قویولابیلسه شاعرانه ذوق واحساسلار قیراغا قویولا بیلمه ز،چونکی وزن ،قافیه ومصرع آربالیغی قیراغا قویولدوقدان صونرا یالنیز شاعرانه ذوق لار و دویغولار قالیرکی بیر اثره شعرلیک جنبه سی وئرسین.اونا گؤره آزاد شعر اوستادلاری شعرین شرطینی اونون ذوق واحساس داشیماغینی بیلیرلر ،وزن بارەسینده دئییر لر کی،اینجی لر بیرساپا دوزولن کیمی آزاد شعرده ،وزن بیرساپ کیمی کلمه لردن کئچیر و اولاری بیرـ بیرینه دوزور .

بوردا اؤرنک اولاراق بختیار وهابزاده نین وزن و قافیه دن علاوه درین احساس داشییان گؤزه ل بیرآزاد شعرینی اوخویوروق :

اهرام لارین اؤنونده

اهرام لارین اؤنونده ، گوندوزدن آخشاما دک ،
"فونف پیاستر" دئیه رک ،
اؤز دوغماجا ائلینده ،
دیله نیر عرب اوغلو ،
اجنبی نین دیلینده .
زامانا باخ ، زامانا !
ایچیمدن یانا ـ یانا ... باخیرام ...
آی قوجا شرق نه گونده سن ، نه گونده ؟!!

**هجا شعری** ـ هجا شعرینده هرمصرعین هجالاری صای جهتجه برابردیر . هرمصرع ده بیرهجا اسکیک اولسا سؤز نظم دن چیخیب و شعرلیگینی الدن وئره جکدیر .

بوندان علاوه هرمصرعین اؤزونده کیچیک بؤلوم لری واردیر کی، ممکن دیر بیر مصرع ایکی،اوچ ویا دؤرد قسمته بؤلونسون .

هجا اصولوندا هر مصراع یئددی هجالی دان اون آلتی هجالی یا قدر یازیلیب دیر .بورادا بو اؤلچولرین هر تک ـ تکی‌نین باره‌سینده قیسسا معلومات وئره جگیک .

۱ ـ یئددی هجالی ـ بو شعرین ان تانینمیشی بایاتی لاردیر . هر مصرع ۳ ـ ۴ هجادان تشکیل اولور ،بوردا ایکی بایاتی بو اؤلچوده اوخویوروق :

من عاشیق ، اویارمنیم  غم باغریم ، اویار منیم
مکه‌مدی ،مدینه‌م دی  قبله‌مدی ، اویار منیم

گؤزلرین ، خومار ایندی  یاش تؤکر ، یومار ایندی
تؤک زولفون،سینه‌ن اوسته  نار گؤره‌ن، اومار ایندی

بعضا ده بونون ترسینه اولاراق ایلک بؤلومو ۴ و صون بؤلومو ۳ هجالی اولور .بوندا ندا ایکی نمونه اوخویوروق :

مرد آنادان، مرد اوغول  نامرده بیگ ، مرده قول،
قورخاق تهمت آرتیرار  باش اوجالدار ، مردا وغول

عزیزیم سن، گونده سن  کؤلگه ده من، گونده سن
جان آلماق بیر یول اولار  جانیم آلدین ، گونده‌سن

بو اؤلچو یالنیز بایاتی یا مخصوص‌دگیل ،شاعرلر باشقا شعرلرده بو صای دا یازمیشلار .اؤلکرین بو اؤلچوده "یولچو" آدلی شعریندن نئچه بیت اوخویوروق :

یولچو

نه بوران وار نه دومان  قارلار اوسته قیزیل قان
شاختا کسیر قیلینج تک  داغدان اسیر سرت کولک
مئشه‌لیک لر ایچه ـ ایچه  چایرلار اولموش کئچه
داغ اوسته آی قونموشدور  آی شاختادان دونموشدور
آی دا ،داغ دا حیات یوخ  جانلی لارین دردی چوخ
آی ایشیغی آینادیر  کؤلگه‌لری اوینادیر
یولچو یولدا قالییبدیر  یولا کؤلگه سالیبدیر
بیر کندلی دیر سایان دان  اوزاق دوشموش کاروان دان
لوت‌دور ، آج دیر ،چوخ آریق  آیاغیندا وار چاریق. الخ.

باغچابانین پروانه شعری ده همین اؤلچوده‌دیر حئیف اولار کی،بو گؤزه‌ل شعردن نئچه بیت اوخومایاق .

## گؤزه‌ل آذربایجان

بیرگون دوردوم تهران دان  اوزاق ـ اوزاق یوللاردان
هیققانا ـ ها هیققانا  گلدیم آذربایجانا
نه‌لر گؤردوم من اوردا  قوشلار اوخور شن اور دا
ککلیک گولور داغیندا  بولبول اوخور باغیندا
باغلاری نین چیچگی  تاقچالارین بزه‌کی
هله سن باخ بادامادا  چیچک گولور آدامدا
آذربایجان دا هر یئر  گول دور، چمن ،جیجکدیر

۲ ـ سککیز هجالی ـ بو اؤلچو ده مصرع لر سککیز هجالی وهر مصرع ایکی دؤرد هجالی قسمته بؤلونور. اؤرنک اولاراق ابی زاده‌نین" وطن" آدلی شعریندن ایکی بند اوخویوروق :

دئببرلر کی عزیز وطن  تاریخ سنین گؤز یاشین دیر
بو ائل لرین دردی، غمی  ازل گوندن یولداشین دیر
آنالارین آغلار گؤزو  سنین اوره‌ک سرداشین دیر
بو گؤردوگون زاوالللیلار  یا اوغلون یا قارداشیندیر

آتا تورپاق سن یوردوسان
گؤزو یاشلی آنالارین
باشی آچیق ،آیاق یالین
آلا گؤزلو بالا لارین

یادیندامی او زامانلار  داغلاریندا یاز اولمایيب
عمری بویو عاشیقلارین  سینه‌سینده ساز اولمایيب
ائشیتمیشم تاریخینده  آغیر ایللر آز اولمایيب
مگر آنا طالعینه  هئچ سعادت یازیلمایيب

نه اولموش‌کی اوزون ایللر
گولمه‌میش دیر اؤزون سنین
ائل ایچینده مثال اولموش
اوره‌ک یاخان سؤزون سنین

بو اؤلچوده اؤلکرین "یول کناریندا "آدلی شعرینی اوخویوروق :

یولدان کنار دؤزه‌نلیکده  بیر آز اوزاق چای بویونجا
آلاچیقلار قورولوبدور  بعضی آلچاق بعضی اوجا

هر یئر گؤی اوت هریئر چیچک  تورکمان صحرا بوراسی دیر
بو یئر زنگین اولسا بئله  فلاکتین یوواسی دیر

اوحا داغلار اتگیندن حوشار ،آخار، دورو جایلار
تورکمانلارین امگیله پامبوق بتر، حبحک آحار

هر بئر گؤک اوت ، هر بئرحیجک تورکمان صحرا بوراسی دبر
الی خمبرلی، قارنی آج انسانلاربن اوباسی دیر

۳ ـ دوققوز هجالی ـ بو اؤلچوده جوخ آز شعر یازیبلار ،بورادا ـ نمونه اوچون اؤلکرین "قار..." آدلی شعریندن نئچه بیت اوخویوروق :

بوروموش کفنه تورپاغی قار...قوش باشی یاغان، آغیرقار
مئشه‌لر ایجنده های سالمیش داغ دان قوپوب گله‌ن روزگار

آخشام دیر ساوالانین آردیندا غروب ائدیر گونش بیر داها
هر بئره باخیرسان قاردیرقار جیجک آچمیش کیمی آغاحلار
یاغان آغیر قاردان، قارانلیق وپالجیق داخمالار اوجورلار

سینیق لامپا آیدینلادیرسا صولقون اوشاقلارین اوزونو
پنجره‌یه چارپان کولک لر کسیرده اونلارین سؤزونو

گئجه قارانلیق دیرگؤروکور آغیر قار آلتیندا داخمالار
اونلاردا یاشایان آجلار دا آغیر ـ آغیر نفس آلیرلار

قارا بولوت جولقامیش گؤگو آغ اؤلوم ،بوروموش هر بئری
ظلمت‌لر ایجینده بوغولان کنده صانکی یوخ بیر دیری

۴ ـ اون هجالی ـ بو اؤلچو ده هر مصرع ایکی بئش‌لیک قسمته بؤلونور ،بو صای دا دا آز شعر یازیبلار ،اؤرنک اوچون اؤلکرین "داغ معبدینده "آدلی شعرینی اوخویوروق :

مکتبدن قاچدیم ایستی بیرگونده قیزیل داغلارین یولونو توتدوم
گوللو ،چیچک‌لی ایپک دستمالی چشمه‌ده یویوب گونده قوروتدوم
دیرماندیم داغا یوللار اوزاندی شمالدان اسن کولک گوج لندی
بیرجوت قیزگؤردوم بیری سؤزدوردو باشقاسی دئدی:" داغا گلندی"
گؤردوم اوزاقدا نسیم اوینادیر گؤزه‌ل بیرقیزین گور ساچلارینی
قاچدیم یئتیشدیم‌گیک قاچان تک بیرکؤلگه کیمی کسدیم یانینی
گؤردوم یوزلرحه‌شمع شعله چکیر آروادـ اوشاقلا دولو مسجد ده
من ده گلیرم دئیه ساده قیز شمعین یاندیردی توزلو مسجد ده
قالخدیم‌داغا وسته‌ذروه‌یه‌چاتدیم گؤردوم‌هریئرده خالچا سالیبلار
قاینار سماور اوستونده چایدان داغا گله‌ن لر سئیره دالیبلار

۵ ـ اون بیرهجالی ـ هجا اصولوندا بو اؤلچو آهنگدار اولدوغونا گؤره باشقا نوعلاردان آرتیق ایش‌له‌نیب دیر .شاعرلر اؤزشاه‌اثرلرینی بو اؤلچوده یازمیشلار .اون بیر هجالی لار نئچه‌قسم‌دیر : بیرقسمی هر مصرع ۶ ـ ۵ هجایه بؤلونور . بو اؤلچویه اؤرنک اوچون بختیار وهاب زاده‌نین "قوجالیق " عنوانلی شعرینی اوخویوروق :

ایسته‌رم گیزلین پاچ اوینایام گینه
باشیما گؤتوروب چؤلو چمنی
ائله گیزله‌نیم کی دوشوب ایزیمه
هئچ تاپا بیلمه‌سین قوجالیق منی

گنجلیکدن الیمیز اوزولن کیمی
دنیادان دؤرد اللی یاپیشریق بیز
یاشیمیز اؤتدوکجه آغاجلار کیمی
درینه ایش‌له‌ییر ریشه‌لریمیز

گؤزلریم ایتی کن گؤرموردوم هله
گؤرموردوم ایچینی بر ـ بزه‌ک لرین
ایندی ضعیف سه‌ده باخمادان بئله
هر شئیی گؤرورم درینه‌دن درین

بیر قسمی ده ۴ ـ ۴ ـ ۳ بؤلومدن تشکیل اولور .بو اؤلچو اوچون ان گؤزه‌ل اؤرنک شهریارین "حیدربابا" منظومه‌سی دیر .بورادا اوچ بند او سظومه‌دن اوخویوروق :

حیدر بابا داغین ـ داشین سره‌سی
ککلیک اوخور دالیسیندا فره‌سی
قوزولارین آغی، بوزو ، قره‌سی
بیر گئدئیدیم داغ ـ دره‌لر اوزونو
اوخویایدیم جوبان قایتار قوزونو

حیدر بابا کندین گونو باتاندا
اوشاقلارین شامین یئییب یاتاندا
آی بولوتدان جیخیب قاش ـ گؤز آتاندا
بیزدن ده بیر سن اولارا قصه دئ
قصه‌میزده چوخلو غم و غصه دئ

حیدر بابا ننه قبرزین گؤزلری

رخشـــــنده نین شیرین ـ شیرین سؤزلری
تورکی دئدیم اوخوسونـــلار اؤزلـــــری
بیلسینلر کی، آدام گئده‌ر آد قـــالار
یاخشی ـ پیسدن آغیزدا بیر داد قـــالار

بعضا ده ۳ ـ ۴ ـ ۴ هجایابؤلونور .بونا اؤرنک اولاراق اؤلکـــرین "بیگ و شاعر" آدلی شعریندن نئچه بیت اوخویوروق :

سس ـ سمیریوخدو دنیزده قورودا — یئری شیطانه‌بورا خمیشدی خـــــدا
سرای ایچره بوگئجه طوی‌توتولوب — تازه‌بیر قیز ملکه همسر اولـــوب
لامپالاردان تؤکولور نور زریـــن — ناز ائدیرعشوه ساتیر تازه گلین
چاغیریر بیگ اوجا بوی بیرگؤزلی — "گل"دئییر :" مهستی سن بیرجه‌بری"
"گئت چاغیرشاعری بیرقوشما دئسین" — "بیرگؤزه‌ل ماهنی‌بوجانا نادئسین"
قیزگولور ،تازه‌گلین،بیگ ده‌گولور — گؤگ مئشه‌آردی باخان آی داگولور
شاعرافکارینه‌دالمیش‌بو گئجـــه — اونوچوخ واهمه‌آلمیش‌بو گئجـــه
قوشما دوزگلمه‌ییرا و چوخ گوجه‌نیر — صوروشورآروادی:"بوقوشمانه‌دیر؟"
"بیرآرالیق قیزینایازما غـــزل " — "یازدئییم‌کیملرایچون،بیربری‌گل"
"یازشالیکارلاری وصف ائیله‌بیرآز" — "پالچیق ایچره‌چالیشان قیزلارایازّ"
لامپانین صون ایشیغی هاله‌ساتیر — شاعری ده‌یوخوپیس حاله سالیـــر
یازیراوقوشماجا شالیکار ایچون — پالچیق ایچره‌چالیشان قیزلارایچون
سس سالیب داغداگئجه‌سئل سولاری — مئشه‌دن چیخمادادیر آی یوخـــاری
شمع آچیرساخسی دابیرقانلی‌چیچک — اتگینده چابالیر بیر کپـــــه‌نک
شاعری بیگ‌کی یامان حاله‌سالیب — سامان اوسته‌اوتوروب فکره‌دالـیب
یئنی بیرقوشماقوشور او بوزامان — جان وئریربیرنئچه زنجیرلی آمان
نه‌قارانلیق دی بوزندان نه‌صویوق — نه‌ایچون آی بوقده‌رنگی صولوق ؟

۶ ـ اون ایکی هجالی ـ شاعرلر اون ایکی هجالی شعرچوخ‌آزدئییب لر و بواؤلچوده‌دئییلن شعرلرین چوخو رباعی دیر .بودا بیررباعـــــی باغچابانین ترجمه‌سیندن :

گؤردوم‌کی قونوب حصارطوسه‌بیرقوش * کیکاووسون کله‌سین قاباقدا توتموش
سؤیلردی اوکله‌یه‌کی‌افسوس افسوس * زنگین سسی گلمه‌ییر ، دهللرسوسموش

۷ ـ اون اوچ هجالی ـ بو اؤلچوده ده شعرآز دگیلمیش دیر .اون‌اوچ هجالی قدیم‌بیرشعری کی هرمصرعی ۸ـ ۵ بؤلومدن تشکیل اولورآشاغیـــدا اوخویوروق :

ایگنه یه تیکن دئمه دی او ددهقورقـــوت
تیـکانا سؤکن دئمه دی او ددهقورقـــوت
آیرانا دویران دئمه دی او ددهقورقـوت
گلینه آیران دئمه دی او ددهقورقـــوت
وبیرپارا رباعی لرده معمولی رباعی لردن اوزون اولدوغوناگؤره اون اوچ هجالی دیرلار.بو رباعی میرصالح حسینی نین ترجمه سی دیر ،هـــر مصرعی ۵- ۴- ۴ هجایا بؤلونور:

یئر اوزره هانی بیتمیش اولان بیرجه چیچک
سیندیرمایا هم باسمایا تورپاغـــه فـلک
قالخیرسا بولوت تورپاغی یاغدیرســا اونو
گؤگدن یئره حشره تک قیزیل قان گلهجک

۸ - اون دؤرد هجالی - اون بیر هجالی دان گئچنده ،ان ایشلـــک اؤلچو اون دؤرد هجالی دیرکی،شاعرلر بواؤلچودن چوخ استفاده ائدیبلر

اون دؤرد هجالی لار ایکی یئددی هجالی بؤلومدن تشکیل اولور،بیو اؤلچویه اؤرنک ایجون اولکرین "گنجلیک "آدلی خوش آهنگ و احساسلی شعرین اوخویوروق :

گنجلیک او یاز گونونده جوشان چاغلایان پینار
افسانه چؤللرینده مگر بیر سراب ایمیش
عشقین منه ایچیردیگی آل آتشـــین شـراب
آلتون پیاله لرده مگر زهـر ناب ایمیش
گنجلیک نه بوش خیال و نه رؤیای سحر کـار
رؤیالار ایچره صرف اولونان دادلی بیـر حیات
گنجلیک آخار سودیر و اسن روزگـــاردیـــر
کیم آختارار قرار سودا ، یئل ده بیـر ثبات
فجر شباب وعشق ده بیر لحظه پـــارلادی
خولیالی پرده لرده او دان اولدوزوم منیم
گئچدی بهار عمر و خزان اولدو آشـــکار
بیر غنچه جیک جیچک لی جهاندا دره نمه دیم
یاندیرسا هوس له بیر ال شمـــع خلوتـی
هیهات بیر نفس له تباه ائتدی بیرگئجه
گئچدیک حیات یوللارینی گؤلگه لر کیمـــی
وئردبک عزیز عمری بو یوللاردا بیز هئچه

قوشلار اوجون فنا دن اسن اول سموم یاس
آرتیق بهاریمیزدا یاشیللیق بوراخمادی
بیرگون شراع عمره مساعد یئل اسمه دی
بیردم مرادیمیزله بو سرحشمه آخمادی

اون دؤرد هجالی لارین بعضی سی ۴ – ۳ – ۴ – ۳ بؤلومدن تشکیل اولور. اونون ایچون اؤرنک اولاراق ابی زاده نین "من کیمم" آدلی شعرینی اوخویوروق :

نه پادشاه ،نه سلطان ،نه یاراشیق،نه زینت
نه افسانه ،نه ملک ،نه سرای ، نه سلطنت
نه عصرلر آرخاسین یادا سالیب آغلایاسان
نه عمرینی غزله ، آغولره باغلایاسان
نه پیمانه ،نه ساقی، نه شراب شاعری یم
آزادلیغین جارچیسی ، انقلاب شاعری یم
منیم عومور دفتریم بنزه ییر گلستانا
من اوندا بیلر وئرمه دیم قارلی قیشا طوفانا
من ال آچیب کیمسه دن دیلمه دیم آزادلیق
منیم آرزیم ،دیلگیم اونلاردان داها آرتیق
دونیالار حسرت چکه ن آفتاب شاعری یم
آزادلیقین جارچیسی، انقلاب شاعری یم

۹ – اون بئش هجالی – شاعرلر اون بئش هجالی شعرده چوخ یازیب لار. اون بئش هجالی شعرلرین بیر پاراسی ۴ – ۴ – ۳ بؤلومدن تشکیل اولور. بونون ایچون نمونه ابی زاده نین "جبهه دن مکتوب "شعر یندن نئچه بیت اوخویوروق :

مکتوبونو آلدیم قیزیم دوشونورسن آتانی
سندن اؤترو جبهه لرده سنگرلره یاتانی
هر کاغاذدا یازیرسان کی،گؤروشمورک هاچاندیر
مگر قیزیم بو زامانلار گؤروشمه لی زاماندیر؟
فکرین هئچ پوزما قیزیم جبهه لرده ساغام– ساغ
یاخشی بیل کی،منیم الیم زنجیرلری قیراجاق
نه قده رکی،گؤروشمه میش کیچیک قیزلار آتالار
منیم سنله گؤروشمه مین قیزیم نه معناسی وار؟

چون عزیزیم بویئرلرده گؤزیاشلاری دریادیر
مظلوملارین اینیلتی سی یئری گؤگوآغلادیر
حیات سؤنموش،ائو داغیلمیش،انسانلیقدان اثر یوخ
من گؤزوملهچوخ گؤرموشم بیرکنده بیرنفریوخ

اون بئش هجالی لاردان ۸ ـ ۷ بؤلوملوسو ده واردیر. بو اؤلچویه اؤرنک ایچون اولکرین " گئجه دیر" آدلی شعرینی اوخویوروق :

گئجه دیر ،آی اوجالیبدیر و سهندین نفسی
باغچالاردا آچیر افسونیله گول غنچه لرین
گئجه نین پرده لرینده پرینی عشق و خیال
بیرنفس له ونوازش له آچار بال و پـــرین
سودا اوینور ،آیین انواری گؤلور آینه ده
آل ایشیقلارلا اونون عکس خیال انگیـــزی
آینالاردا و سودا هاله لنن نقـــش خیـــال
لوح فکرتده نه خوش نقش ائله یير تبریـــزی
پرده لرسالللانیر آهسته سهندین الـــی می؟
پرده لرله گئجه لر اوینایان آشفته اولان ؟
گل گؤزه ل،جامی مئی لعل ایله دولدورمنه وئر
آن
گل منیمله بوگؤزه ل عالمی سئیرائیله بیر
باخ سنین عکس جمالین دیر آیین صاف ایشیغی
یوخسا بیر جرم ده بوقدر گؤزه للیک اولاماز
آینادا عکس جمالین له چیچک لر آچیلیـــر
گل گؤزه ل،آینهٔ دلده چیچک لن ده بیرآز

۱۰ ـ اون آلتی هجالی ـ هجا شعری اون آلتی هجالی دان آرتیـــق یازیلمایيب دیر .اون آلتی هجالی لار ۴ـ ۴ـ ۴ـ ۴ بؤلومدن تشکیل اولور نمونه ایچون رسول رضانین " بولبول " آدلی شعرینی اوخویوروق :

ائلی توتوب سسین یینه آ بخته ور آنا بولبول
باغچالاردان کسیلمه یيرخوش چهچه ین صونا بولبـــول
بوران کئچدی ،بهار گلدی، قیزیل گولون دمی چاقدی
محبتین هر رمزینی عارف گره ک قانـــا بولبـــول
من دوستلوغا وئردیم کؤنول مهربانیم دئدیـــم سنه
کئچیر منی امتحاندان چتین گونده ســـینا بولبول

من سؤزومدن قایتمارام صنعتکارا حرمتیم وار
سؤزلریمه خلاف جیخسام اوندا منی قینا بولبول
سن نغمه‌نی ائله وئردین من ده ائلین دیلمانجی یام
شعر مندن نغمه‌سندن نه سؤزون وار ،بونا بولبول
گل باش ـ باشا وئریب سوره‌ک گؤزه‌ل عمرین صفاسینی
بیزه یاندان کج باخانلار قالسین یانا ـ یانا بولبول
هئچ ببر سازین تئل لرینده چالینمامیش نغمه‌م منیم
گزدیرمه‌دیم یاد سؤزوندن قولاغیمدا تانا بولبول
گول چوخدان دیر حسرت چکیب آرزولاییرا،"رضا "نی
دئییر کؤنلوم باغچاسیندا بیرگون گلیب قونا بولبول

* صون *

# موفقیت بزرگ پزشکی

آقای دکتر جواد هیئت صاحب امتیاز و مدیر مسئول مجلهٔ وارلیق از تاریخ ۱۹ ـ اکتبر ۱۹۸۳ بعضویت آکادمی جراحی پاریس انتخاب شدند .

این موفقیت بزرگ پزشکی را به ایشان و جامعهٔ پزشکی ایران بویژه به نویسندگان و خوانندگان مجلهٔ وارلیق تبریک میگوییم .

هیئت تحریریهٔ وارلیق .

# کتاب قوتادغوبیلیگ
# یا
# ﴿ علم سعادت ﴾

کتاب قوتادغوبیلیگ ( ) ویا علم سعادت اولین اثر منظوم ترکی اسلامی است که درسال ۴۶۲ هجری (۱۰۶۹ میلادی) توسط یوسف حاجب خاص بالاساغونی نوشته شده است .

یوسف بالاساغونی درسال ۱۰۱۸ میلادی در بالاساغون (در قیرقیزستان کنونی) متولدشده ونزدیک شصت سال عمر کرده است .او ،از خانواده‌ٔ قارا-خانیان بوده وکتاب خودرا بحسن بغراخان پادشاه قاراخانیان تقدیم نموده و بهمین مناسبت لقب حاجب خاص به او داده شده است .

این کتاب که بشکل مثنوی سروده شده یک پندنامه وسیاستنامه‌ٔ اسلامی است و بطوریکه ازنام آن پیداست برای نشان دادن راه سعادت و رستگاری به انسانها و جامعه نوشته شده است .کتاب به زبان ترکی خاقانی یا کاشغری نوشته شده .(قوت ) بمعنی سعادت است و (قوتادماق) به معنی سعادتمندکردن میباشد .(قوتادغو) یعنی سعادتمندکننده (بیلیگ ) هم بمعنی دانش است بنابراین کتاب قوتادغوبیلیگ بمعنی کتاب دانش سعادت بخش میباشد .کتاب ازنظراخلاقی وپندوامثال وسخنان حکمت آمیز درردیف بهترین پندنامه وسیاستنامه‌های معروف جهانی است .ازنظرنگارش وصنعت بدیع هم ،چون نخستین تجربه دراین زبان میباشد درحد یک شاهکار ادبی است .

متن کتاب بشکل مثنوی است که بوزن عروض دربحر متقارب مقصور (فعول ،فعول ،فعول،فعول ) نوشته شده لهٰذا یازده هجائی وهمان وزنی است فردوسی برای شاهنامه بکاربرده است .درداخل متن کتاب ۱۷۳ دوبیتی ودر آخرآن سه قصیده (۱۲۴ بیت )دیده میشود که جمعا ۶۶۴۵ بیت میباشد ضمنا مقدمه‌ای هم به نثر ترکی داردکه بعدا وازطرف دیگری علاوه شده و در آن تاکیدشده که این کتاب نزدایرانیها به شاهنامه‌ٔ ترکی معروف است .

کتاب از ۸۵ باب تشکیل شده و با مناجاتی درحمدوستایش پروردگار شروع میشود بعداشعاری درنعت پیامبراسلام ومدح وسلام به خلفای راشدین آمده است .باب چهارم به تصویربها رومدح بغراخان اختصاص دارد .بعددربارهٔ هفت ستاره ودوازده برج اطلاعاتی داده شده .

درباب هفتم درباره‌ٔ زبان سخن بمیان آمده ،مؤلف زبان را نیکوترین وبدترین چیزها می شمارد و این اختلاف را درکاربرد زبان میداند .می گوید زبان ترجمان دانش و خرداست ،انسان میمیرد. ولی کلامش باقی می ماند .دراین باره چنین می گوید :

کیشی توغدی،اؤلدی،سؤزی قالدی کؤر
اؤزی باردی یالنوق آتی قالدی کؤر

ترجمه :

مرد بدنیا آمد ومرد وکلامش ماند * ببین خودش رفت و نامش ماند

بعد درباره‌ٔ کاربرد زبان چنین میگوید :

قارا باش یاغیسی قیزیل تیل تورور
نئجه باش بیدی بو تاقی مایییور

ترجمه :

دشمن سر سیاه ،زبان سرخ است چندین سررا خورده وبازهم میخورد

درباب نهم ازخوبی ستایش میکند وفوائد آنرا برمیشمارد .اومعتقد است که جواب بدی راهم بهتراست باخوبی داد میگوید کسی راکه به‌تودشنام داده تعریف کن و کسی راکه به‌تو ظلم کرده ببخش .

باب دهم درفضائل وفوائددانش وخرداست .دراین باب ازانوشیروان به‌نیکی یادمیکندواورانمونه‌ٔ پادشاه خردمندوعادل می شمارد .میگوید عقل مانندمشعلی‌است فروزان که‌جهان تاریک را روشن میسازد .مردباخرد ترقی میکندوبادانشش بزرگ میشود .

ازباب دوازدهم‌اصل موضوع کتاب شروع‌میشودوآن عبارتست از مناظره چهارشخصیت تمثیلی که‌یکی پادشاه ( گون توغدی )است که‌عدالت را تمثیل میکند .دیگری وزیر (آی تولدی)که‌نماینده‌ٔ سعادت است .سومی پسر وزیر (اؤگدورموش )نماینده‌ٔ عقل وخردوبالاخره‌چهارمی خویش وزیروزاهدی است که‌عاقبت وقناعت را تمثیل مینماید .

موضوع کتاب نشان دادن راه‌رستگاری وبدست‌آوردن سعادت دنیا و آخرت‌است .قبل ازآنکه‌نمونه‌هائی ازاشعار کتاب بیاوریم لازم است مختصری ازویژگیهای ترکی خاقانی را شرح دهیم :

ترکی خاقانی یاترکی ادبی میانه‌یک لهجه‌ترکی شرقی است و مادر ترکی اؤزبکی و ترکی اویغوری معاصر محسوب میشودوباترکی اوغوز یا غربی که‌مادر ترکی ایران وترکیه‌میباشد ، متفاوت است .دراین لهجه

درمقایسه با ترکی اوغوزویژگیهای زیردیده میشود :

درترکی خاقانی "ن" غُنّه ( نگ ) موجوداست .ف ،و ،ج ،ح ، موجودنیست بجای "ح" صداهای "خ"و"ک" و بجای "و" صداهای "ب" و" W" موجوداست . "گ" ترکی غربی "ک" و"ی" هم"د" تلفظ میشودمثلا بجای بؤیوک ( بزرگ ) "بدوک" گفته میشود .بعلاوه "ق" ."گ" وسط وآخرکلمات موجودومانند ترکی غربی حذف نشده است .دراول کلمات اغلب اوقات بجای "د" ،"ت" دیده می شود مانند تیل (زبان) بجای دیل و ته وه (شتر) بجای ده وه .همچنین به جای داماق (ترکی غربی) ، تامگاق گفته میشود .

درترکی خاقانی همنه صدا دارا موجوداست بعلاوه صداهای کشیده هم دیده میشودکه معنی کلمه را تغییرمیدهند .مثلا "آچ" بمعنی بازکن و آآچ بمعنی گرسنه است ،"آت "بمعنی اسب و آآت بمعنی اسم ،"آش" بمعنی بگذر وآآش بمعنی غذا میباشد .

اول بمعنی(دیر) است و "ارمس"بمعنی (اولماز ،دگیل)نمیشودمیباشد .

یوسف بالاساغونی اشعارش را به ترکی خالص نوشته بطوریکه اغلب اصطلاحات مذهبی نیز به ترکیاست ونسبت لغات ترکی(عربی،فارسی،سغدی و ... ) ازچهاردرصد تجاوز نمیکند .زبان اشعارساده وموزون وآهنگداراست .گوینده اشعار حکیم دانشمندی است که افکار وعقایدش رابزبان شعر بیان داشته است .افکارفلسفی ملهم ازقرآن کریم ،همچنین تاثیر نظریات افلاطون وارسطو ازطریق نوشته های فارابی وابن سینا دراشعاریوسف به چشم میخورد . بهمین جهت بعضی ازمؤلفین اوراشاگردابن سینا میدانند .مؤلف فضیلت انسانی رادرعلم میداندوبرای بدست آوردن آن عقل وخردراضروری میشمارد مثلا دربیت زیر جنین میگوید :

ببلیگ بیل،کیشی بول، بدوتگیل اؤزون
یا بیلقی آتانقیل کیشی ده بیرا

ترجمه

دانش بیاندوز ،انسان باش وترقی‌کن * ویانام حیوان برخودبگذار وازانسانها دور شو . ویا :

اوقوش قایدا بولسا اولوقلوق بولور
بیلیگ کیمده بولسا بدوگلوک آقور
بیلیگینی بدوگ بیل اوقوشنی اولوغ
بو ایکی بدورتور اؤدورمیش قولوغ

یوری آی ببلیگ سبز ابگینگی اوتا
بیلیگ سیز اوتین سن آی بیلگه قوتا

ترجمه :
خردهرحا باشدبلندی را می یابد * دانش درهرکسی باشدبزرگی‌بدست میاورد
دانش را بزرگ بدان وخردرا بلند * این دوچیزبندهٔ گزیده را بزرگ میکند
بروای بی دانش بیماری‌ات را درمان کن- درمان جهلرا توبگوای‌حکیم‌نجات بده .

موضوع مناظره‌ازباب دوازدهم شروع وتاآخرکتاب ادامه‌دارد .چهار نفری که‌دراین مناظره‌شرکت دارند دوبدو بایکدیگرصحبت می کنند .

ابتدا گون توغدی شروع به‌سخن میکند .او امیرخردمندودانشمندی است‌که‌قانونهای خوب وضع میکندوکارنیک راپاداش وبدی را مجازات وعدالت را برقرارمی سازد .او برای دانشمندان ارزش خاصی قائل است و برای ادارهٔ کشور وزیر دانشمند ودرستکاری رابنام آی تولدی انتخاب میکندوکارهای مملکت را باا ودرمیان میگذاردوبانظراوکارها راانجام میدهد .آی تولدی یا ماه تمام نمایندهٔ سعادت است ومانندماه‌تمام‌عمرش کوتاه‌است .اوبعدازمدتی می میرد و امیر تنها می ماند .

امیرپسر آی تولدی،اؤگدولموش رابرای وزارت درنظرمیگیردومدتی باا وصحبت میکندواورا می آزماید .اؤگدولموش به‌همهٔ سئوالات پاسخهای مناسب می دهدوبالاخره‌به منصب وزارت برگزیده میشود .

اؤگدولموش (مدح شده )نمایندهٔ خردبوده‌وکارها راازروی عقل وخرد انجام‌میدهد .روزی امیرازاودربارهٔ خردسئوال میکند .اؤگدولموش چنین جواب میدهد :خرد مشعلی‌است بمانندچشم بینائی برای کوروجانی برای بیجان وزبانی برای بی زبان.مردخردمنددرستکار ،بردبار ،حلیم وخوش رفتاراست .بعدویژگیهای کارمندان کشورازامیر ،وزیر ،فرماندهٔ‌آرتش حاجب بزرگ (وزیردربار) ،رئیس تشریفات ،سفیر ،دبیر ،خزانه‌دار ،سرآشپزو غیره‌یک بیک شرح داده وصفاتی که‌صاحبان این مشاغل باید دارا باشند بازگو میشود .

بعدازاین مصاحبه امیربارا هنمائی وزیرخردمندقانونهای بهتری‌وضع وکشورش را ترقی میدهدبطوریکه "گرگ و میش "برابر میشوند .

بعدازمدتی وزیرازناراحتی وخستگی خودشکایت میکند .امیربنظرش می رسد کمک و معاونی برای اوپیداکندچه‌روزگار سعادت‌کوتاه‌است ممکن‌است

پیش آمدی برای وزیررخ بدهد .دراین باره ازوزیرش کمک فکری میخواهد .
اوگدولموش میگویدبرادرم بنام اووقورموش (بیدارشده )برای این کار بسیارمناسب است ولی اوزاهداست گوشه گیروبه دنیا بی اعتنا .مشکل است قانع وراضی بشودکه دست ازعبادت بردارد وبه کاردنیا بپردازد .

گون توغدی نامه ای می نویسدوبوسیله اوگدولموش برای اودقورموش می فرستد .اوگدولموش نامه را برمیدارد ودرکنارشهردربالای کوهی به خانه اودقورموش میرود .بعدازسلام نامه را با ومیدهد .درنامه گون توغدی خطاب به اودقورموش چنین نوشته شده :بیا وپیش ما باش تا دیگران هم ازتوبهره مندشوند .دردنیا دوجورانسان وجوددارد :آموزگاروآموزنده نوع سوم حیوانند ،ازآن بپرهیز .ثواب خواب دانشمند ازعبادت جاهل بیشتر است درشهرودهات عبادات زیاددندبیا وبرای مردم مفیدباش ،به کودکان یتیم بیوه زنان ،ضعیفان ،کور و معلولین کمک کن .کمک بفقرا هم عبادت است ،نمازت راهم باجماعت بخوان،بیا وازجمع مردم دور مباش .

اودقورموش درجواب ازبی وفائی دنیا وبی اعتباری آن سخن میگوید بنظراو دنیا برای مؤمنین زندان است ،بایدبفکرآخرت بودودراین چند روزعمرتوشه ای برای آخرت اندوخت .درپایان جواب ردمیدهد واز گون توغدی معذرت میخواهد .اوگدولموش باردوم با نامه ای ازطرف گون توغدی بمنزل اودقورموش میرود واورا برای دیدارخصوصی با امیردعوت مینماید .اودقورموش دعوت امیررا قبول میکند .وپیش اومیاید .دراینجا مصاحبه جالبی بین زاهدوامیربرگزارمیشود .زاهدپندهایی به امیرمیدهد که اورا تحت تاثیر قرارمیدهد .

بعدازمدتی اودقورموش خوابی می بیندکه بعدازآن خودرا به آغوش مرگ میسپاردومی میرد .قبل ازمردن به دنبال برادرش می فرستدواورا به بالین خودمیخواندوبا اوسخنان پندگونه ای رادرمیان میگذارد :

حکیم بالاساغونی درکتاب خودازضرب المثلها وسخنان حکمت آمیزقدیم ترکی استفاده نموده وآنها رادراشعارخودبکاربرده است .مثلا دربیت زیر :
اوکوش کؤرکی تیل اول ،بوتیل کؤرکی سؤز
کیشی کؤرکی یوزاول،بویوز کؤرکی گؤز

ترجمه :

زینت عقل وخرد زبان است و زینت زبان کلام – زینت انسان صورت اوست و زینت صورت چشم اوست .

درکتاب قوتادغوبیلیگ درخلال اشعار ومناظره ازمسائل‌دینی ،اخلاق ونظام خانواده ،قانون وسنتها ،تشکیلات دولتی ودربار ،سیاست ،جامعه و آرتش ،تاریخ ،جغرافی وستاره‌شناسی،شعروادبیات ،تجارت وبسیارمسائل دیگرزندگی صحبت بمیان آمده واطلاعات باارزشی دربارهٔ هرکدام داده شده است .

کتاب ویژگیهائی راکه‌یک انسان کامل ودولت ایده‌آل ورهبرآن باید داشته‌باشدبه‌زبان شعربیان میکند وراه رستگاری وسعادت رانشان میدهد .

درآخرکتاب سه‌قصیده‌ازطرف خودمؤلف اضافه‌شده‌است .

درقصیدهٔ اول ازدوران جوانی حکایت وازروزگار سالخوردگی ورنجوری شکایت میکند .درقصیدهٔ دوم ازدوران حاضروانحطاط اخلاقی مردم‌می نالد و چنین می‌گوید :

قامو آرزو بولدوم کیشی بولمادیم من
قالی بولسا آرزوم یوزینگه باقایی

ترجمه :

به‌همه‌آرزوهایم‌رسیدم‌ولی به‌انسانی برخورد نکردم ـ اگر به‌این آرزویم برسم برویش نگاهی بکنم .

آتی قالدی یالنیق کیشی قیلقی باردی
باقیلیق قانجا باردی اوُدو من بارایی

ترجمه :

ازانسان فقط نامش مانده خوی انسانی ازبین رفته ـ این خوی یکجا رفته من هم ازپی آن بروم .

درقصیدهٔ سوم بازدانش تعریف میکندوضمن ذکرتاریخ نگارش‌کتاب ازخداوند طلب مغفرت می نماید :

بیلیگ سیز یوره‌ک ،تیل نه گوکه یارار
بیلیگ بیر له صووتگ قامو گقایارا

(دل وزبان بی دانش بچه‌دردمیخورد ـ دانش مانندآب به‌دردهمه میخورد)

یبل آلتمیش ایکی اردی تؤرت یوز بیله
بو سؤز سؤزله‌دیم من توتوب جان سوره

ترجمه :

درسال ۴۶۲ بود که ـ من این سخنان راگفتم‌درحالیکه‌جان دربدن میکشیدم یارب یارلیقاقیل قامُوق مؤمنینگ * تلیم رحمتینگدن تؤکل تورقورا

بی نصیب مکن

(یارب همهٔ مؤمنین را بیامرز ـ ازرحمت بیکرانت (فراوان)همه آنها را) تگورسا وجیمیزقا تومن مینگ سلام * تؤزی تؤرت اِشینگه تا قی اِرتـــوُره ن (به پیغمبرما ده هزارسلام برسان ـ به هرچها رصحابه (دوستش)نیزدوردبرسا

ازکتاب قوتادغوبیلیگ سه نسخهٔ خطی دردست است که به نسخه های وین، قاهره و فرغانه موسومند .

نسخهٔ وین قدیمی ترین نسخه ها ست ودرسال ۱۴۳۹ درهرات بخط اویغوری نوشته شده است .این نسخه درسال ۱۷۹۶ توسط هامر سفیر آلمـــان در استانبول خریداری وبه کتابخانهٔ دربار اطریش اهداء شده است .

این نسخه توسط ا .وامبری (دانشمندمجار) و ویلهم رادلوف ،استاد آلمانی دانشگاه پطرسبورگ بررسی وبا ترجمه های آلمانی قسمتهائی از آن به خط لاتین برگردانیده شده است .این نوشته ها توسط تومسن دانمارکـــی اصلاح وهمهٔ آنها به چاپ رسیده است .

درسالهای ۹ ـ ۱۹۴۷ عین کتاب وبرگردان آن به حروف لاتین،همچنین متن ترکی استانبولی آن ازطرف پرفسوررشیدرحمتی آرات بوسیلهٔ سازمان زبان ترکی T.D.K در آنکارا چاپ و منتشرشده است .

نسخه های قاهره وفرغانه به خط عربی نوشته شده است .نسخه فرغانه درسال ۱۹۴۲ ازطرف سازمان زبان ترکی T.D.K دراستانبول عینا به چاپ رسیده است .

**درآخرمقاله لغات زیررا که ازکتاب "قوتادغوبیلیگ " استخراج شده بعنوان لغات فراموش شدهٔ ترکی درج می نمائیم :**

اکثر این لغات دردیوانهای شعرای نامآور ترکی مانند نسیمی، فضولی ،خطائی ... بکار رفته و در آثار کلاسیک معاصر نیز کم و بیش بکار می رود .درلهجه های شهرها ودهات وهمچنین درمیان ایلات مختلـــف ترک زبان هم تعدادزیادی ازآنها هنوز رایج است .ولی بطور کلی در لهجهٔ محاوره ای تبریزهمهٔ آنها منسوخ شده وبجای آنها لغات عربـــی و فارسی متداول گشته است . نگاهی گذرا به لغات زیر غنای لغوی زبـــان ترکی را آشکار می سازد .

قوت = سعادت — قوتادماق = مسعودکردن ، مرفه کردن .

تامو = جهنم — اوچماق = بهشت .

ارکی = بلکی، صانکی — بارچا ـ هر = توزو ، هرکس .

آغو = زهر
توتجی = دائمی
قالی یا کالی = اگر
یالنبق = انسان
ائومک = عجله ائتمک
اؤکه /اوفکه = غضب
آرقیش = کاروان
تؤروم = اصیل
یالاواج = سفیر، پیغمبر
کؤ /کؤی = شهرت
تین = روح ، نفس
جریک = سرباز
یارماق = پول
آلپائوت = قهرمان ،نخبه
ایگ = بیماری
یرچو (گؤموت )= مزار ،قبر
آقی = سخی
ساران = خسیس
بوگو = عاقل
یاز = بهار
یازلیق = بهاره
ییپار = مشک
اِد = پارچه ، قماش
اؤد = زمان / اوق
اوْغوُر = زمان ، وقت
آجون = دنیا
یاشین = صاعقه
تاپوق = خدمت ،پرستش
دوغار = مشرق
آنیق = حاضر
آسیق = فایده

منگو = ابدی
اؤک = اؤگ ، عقل
تونقا = ببر، قهرمان
مون = تقصیر ،گناه ( مون = غصه )
اؤکونج = پشیمان
توُکل = تام
قیلنج = اجرا ، اعمال
آیماق = گفتن
یانوت /یانیت = جواب
یوت = بلا ، مصیبت
اوسال = غافل ، ندانم کار
آسیقلی = بافایده
اوش = شیمدی ، ایشته
آزو = یا ، هم
ایگ له مک = بیمارشدن
سینک = مزار
اسن له مک = سلام دادن
اوقوش یا اوکوش = هوش ،خرد ، فهم .
یاروق = روشنائی ، نور، درخشش .
گوز = پاییز.
گوزلوک = پاییزه
یاغیز = اسمر ( بین سرخ و سیاه )
اوُپری = دره ، چوقور
ساندواچ = چلبمل
اؤزلک = زمانه ، فلک .
یولوغ = مالیات ، فدیه .
یاشناماق = رعد و برق
تاپوقچو = خدمتگزار ، مامور.
باتار = مغرب
اوس = عقل
تؤرو / تؤره = عرف

یاس = ضرر ( قور)
اوُرُوق = نسب ، تخم
ترکن = امیر
ساقینج = اندیشه ، نگرانی
اوْت = دوا ، درمان
اوْتچی = پزشک ، داروساز
قاراگو = کور
اؤکوش = زیاد .
گؤرک = زیبائی
یوُلا = مشعل
شیش = ضرر
بای = ثروتمند
چیقای = فقیر
نن ، نسنه = شئی
آغ = دام
کیشن / کؤستهک = پای بند ، زنجیر .
یارلیقاماق = بخشیدن،مغفرت . قوُمارو = وصیت .
سرینمک = صبرکردن
یارلیغ = فرمان .
قوْر / کوْر = ضرر
دوْش = رؤیا ، خواب
سوچیغ = شیرین
یوْرک = اختصاص ، استادی
کوْرزلیک = کبر .
تاپلاماق = قبول ،راضی
ایوهک = عحول
اونگ = رنگ
ایسیز = بد
اوْنگ = طرف راست
اؤک = هیچ
کؤنیلیک گونو = روز قیامت
اؤج = کینه ،انتقام .
کئد = البته .
ساو = قصه ، وجیزه
ییلخی = حیوان
یالین = شعله .
ایر = جنوب ، حای آفتابی
اؤز = دره
قوْل = وادی .
یئگ = شیطان
قاراقوش = ستارهٔ مشتری .
تیگی = سنجاب
سوملیماق = درزبان اجنبی صحبت کردن
کیش = سمور
گؤموت = قبر ، مزار .
اوُدوُ = ازپی
تاغار = گونی ، جول ، جووال .
چادان = عقرب
ساوجی = پیغمبر .
اوْکک = برج
اؤتونمک = حکایت کردن .
ساتان = مرجان .
اوْلگو = ترازو .
ساقینیق = باعفت .
یوْکوْنج = نماز
اوما = مهمان .
مون = غصه ، دلتنگی
یازوق = گناه
اولاتو = دستمال .
اوگرهیوک = عبادت .

** ** **

## سالدی

عشقون منی عالمده عجب مشکله سالدی
رسوای جهان ائیله دی، دیلدن دیله سألدی
عمروم بوْیو، من تکجه ،کؤنول بیرگوله وئردیم
بلبل دی اوْکی، مهرینی گولدن گوله سالدی
مین کوزه محبت مئیی چکدیم ،یوْلا دوزدوم
عشق اهلی اوْنا هربیری بیر زینگیله سالدی
توْم زولفووی هؤردون ، هؤروگون نقشینی گؤرجک
نقاش طبیعت گؤتوروب سنبله سالدی
اول منی، سؤز وئردی کی، گوندن گونه گؤرسون
انصافینا باخکی، اوْنو ایلدن ایله سالدی
بو ،عشق دگیل کی، منه لطف ائیله یب آللاه ،
بیریاندیریجی اوْد دو کی،دین ودله سالدی
عشقین یوکو داغدیر، اوْدو کاروان چکه بیلمز
ظن ائتمه کی، لیلا بو گوجو محمله سالدی
دگدیم اوْ قارا زلفه ،دنیزتک لپه لندی
چیتمک داشی بیرکس ائله بیل کیگؤله سالدی
مجنون کیمی اؤز عشقینه لایق منی گؤرجک
تلطیفیم اوچون بوْینوما بیر سلسله سالدی
هجران گونو، زولفون گئنه فریادیما یئتدی
سانکیمنی ارحامی بیلیب ، بیر صله سالدی ـ
بیر تئل قیریلیب قالدی الیمده هؤروگوندن
"سؤنمز"بو صینیق کؤنلونا و نازک تئله سالدی

## ممتاز امتیاز

ظهر عاشورا ده قانلا دستمازِ آلدی حسین
اذن وصلُ اللّهی درحال نماز آلدی حسین
بی‌نیازه قیلدی سجده ، سجده‌گاه عشقده
ساجدین حقه ممتاز امتیاز آلدی حسین
بو نمازیلن ، نمازین قیلدی قدرین آشکار
خلق اوچون مهر نمازه حانماز آلدی حسین
یعنی: ای امت ! کی ترک اولمازنماز ،هئچ وضعده
دستماز آلدی حسین، وصله‌جواز آلدی حسین
تیر و پیکان یاره‌سین او تشنه‌سرور شوقیلن
سجده‌گاه حربده با صدر باز آلدی حسین
وئردی یئتمیش ایکی قربان ، شافع محشرلیگی
قتلگه‌ده موقع راز و نیاز آلدی حسین
قیلدی راه حقده ایمانیلن ترک حجاز
کربلانی کعبه‌یه فاخر طراز آلدی حسین
نینوا دؤندی منایه عرف‌حقلن جان به‌کف
کربلانین مشعرین حقدن مجاز آلدی حسین
کئچدی باش و جاندان ، اماکئچمه‌دی ایمان دن
سایه‌ی بو شیبده اوج فراز آلدی حسین
"شیعتی‌مهما شربتم‌ماء عذب" سؤیله‌دی
شیعه‌اوچون پایگاه عز و ناز آلدی حسین

---

بو حسین باب‌الحوائج دیر، نوا قیل سوزیلن
چون رضای حقی با سوز و گداز آلدی حسین
پیشگاه عشقده شوریله وئردی امتحان
نمره‌ی بو امتحانی سرفراز آلدی حسین
قیل نمازین، دوش‌دخیل ، ایسته‌خدادن مطلبون
ساجدین حقه ممتاز امتیاز آلدی حسین
ای خدا ، قوْوما قاپوندان بو حسین عاشقلرین
امّته حُبون ، علاج و چاره‌ساز آلدی حسین

زنجان ـ تاسوعا ـ ۱۳۶۲شمسی

## باهار بایرامی پۆیئماسیٚندان بیر پارچا

* ۵ *

۱

باهاردی گۆرکی هر چیچەک * اۆز کۆکۆنۆن اۆستە آچیٚر
طبیعتدن حیات آلیٚر * بزەک وئریر عطیر صاچیٚر

۲

گۆلە قۆنموُش بیر کپەنک * گۆلۆن عطرین آلار، قۆخلار
ایشیٚقلا گۆل سئوگیسینی * اۆرەگیندە عزیز صاخلار

۳

آچار قیٚزیٚل قانادلاریٚن * زر طۆزوُنوُ تۆکر گۆلە
عطیر آلار ، قیٚزیٚل وئرەر * اینجە گۆنۆل گۆلە ـ گۆلە

۴

بیر باغچانی بئجر صاخلا * بیل اۆ، سنە گۆل وئرەجک
یازا باغبان باغ ایشلەسە * یایدا میوەسین درەجک

۵

بیر بوُغدانی وئر طۆرپاغا * اۆنوُنچوُن باغریٚن یاراحاق
بۆرجوُنوُ صالماز اوُزاغا * بیرە آتمیٚش قایتاراحاق

۶

بوُ عالمین ایشی آل ـ وئر * بیرین وئرسە، بیرین آلار
بوُ آل ـ وئردن ،بوُ نظامدان * اۆچۆنجۆ بیر اثر قالار

۷

ای یادلارا ایشلەینلر!.. * سیز بوُ ایشی نە صانیٚرسیٚز
بوُنجا اۆزگە قۆللوُغوُندان * ائلیزە نە قازانیٚرسیٚز؟!

۸

اۆزۆندن اۆزگە اۆلماغیٚ * دۆشۆنەک ، کیم بیزە وئردی؟!.
بوُ ائللر یۆکسەلن چاغیٚ * بیزدە کی وارلیٚغیٚ دردی

۹

نە دن اۆلدوُق گۆز ببەگی * کیم لر بیزی اۆوسوُنلادیٚ
اۆزۆمۆزۆ گۆرمۆرۆک هئیچ * گۆرۆرۆک یادیٚ ، هرزادیٚ

۱۰

دۆغما ائلدن ای آیریٚلان * بوُ ایشی هئچ صانما آسان
بوُ گۆردۆگون خائن ایشدن * بیل ذرەجە قازانماسان

۱۱

طبیعتدن بۇنۇ اۆگره‌ن * اۆت اۆز كۆكۆ اۆسته بیتر
سن ده اصله دۆنمه‌لی سن * یاد اۆلدۇغۇن بسدی یئته‌ر[1]

۱۲

بۇ آپ آیدیژن مطلبی قان * آختار ـ آرا هپ[2] هریانی
سن كیمی بیر ذلیل اۆلان * كیمسه‌نی تاپ ، گۆسته‌ر هانی؟!.

۱۳

ای ائوینده اۆز بالاسیژن * عائله‌یه یاد بۆگدن
یاد دبل ایله یاورۇسۇن[3] * فنا و یۇخلۇغۇن گۆدن

۱۴

بۇ یالنیژ اۆز بالان دگیل * ائل ـ اۆلۇسدان دۆنۆر صۇلۇر
اۆزۆن ، ائلین ، دۆغمادیلین * بۇ سهو ایله فنا اۆلۇر

۱۵

یاخ بیر آحیژن نه‌یی واردیژر * وئره بیلسین یالاواحا[4]
گۆر نئجه آلجاق اۆلمۇسان * ال اۆزادیژرسان بیر آجا

۱۶

هر دیله‌نجی قاپۇسۇندا * گئدیب دیله‌نمه آی كیشی
اللی بئش ایل ذلیل اۆلوب * آنلایا بیلمه‌دین ایشی؟!

۱۷

یاخشیژ دۆشۆن كیم اۆلدۇغۇن * واردیژ بۆیۆك ، آغیژر ائلین
اۆز آیاغیژن اۆسته دایان * همتیوه باغلا بئلین

۱۸

بیر عنعنه نئچه‌مین ایل * گزیب ـ گلیب چاتیژب سنه
امانتین بۇ دۆغما دیل * قۆیما دۆشه آغیژر گۆنه

۱۹

سنین كمیك[5] ،قانیژن ، اتین * ایلكین ، صۇنۇن ،یۆلۇن، ائلین
دۇیغۇنلا ، عرض‌له غیرتین * دیلیندیر هپ شیرین دیلین

۲۰

دۆشۆن اۆلۇ گئچمیشینی * ائلین شرف داشیژارمیژش
گۆر اردم لی بابالاریژن * نئجه اۆجا یاشیژارمیژش

---

۱) یئته‌ر= كافی. (۲) هپ = بۆتۆن .(۳) یاورۇ= بالا.(۴) یالاواج = آج
(۵) كمیك = سۆموك .

عظمت لی مولانا یه

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

## * مسلمانی تاپمیشام *

جانیم گلیب دوداقبمه جانانی تاپمیشام
جانان دئمه ،قراردل و جانی تاپمیشام
مرجان دوداقلاریندا ساتان شهدی دادمیشام
گول تک اوزونده باغ و گلستانی تاپمیشام
آیدین جمالینی،قارا زولفی قوجاقلییوب
کافرلر اورتاسیندا ، مسلمانی تاپمیشام
کیمدیر دئییب کی،کفرایلن ایمان باریشمییب
من،کفرایچینده ،جلوهٔ ایمانی تاپمیشام
یعقوب تک اگرچه سؤنوب گؤز چراغلاری
یوخدور غمیم کی،یوسف کنعانی تاپمیشام
فرعونلار عمارتینی ویران ائتمگه
طورون دؤشونده موسی عمرانی تاپمیشام
بویولدا ،جان ودل من ایلن یولداش اولدولار
(شیرخدانی ،رستم دستانی ) تاپمیشام
منعم منالیویله منه فخر ساتما گئت ،
فقر اولکه سینده ملک سلیمانی تاپمیشام
بیر الده مئی پیاله سی،بیرالده یارساچی *
رقص ائتمگه میانهٔ میدانی تاپمیشام
(حامد) چالیشدی (مولوی) اما تاپانمادی
من دریانین نهنگی ام عمانی تاپمیشام

## * دامان تنهائی *

زجمعیت ملولستم ، تنم قربان تنهائی
دل ازمردم پرازدرداست ،کودرمان تنهائی

---

*) بومصراع عینا مولانین غزلیندن ترجمه اولوبدور .

ا ز ا ی ن گلشن،که صدها دست گلچین درکمین دا رد
برون رفتم‌که‌برچینم گل ا زبستا ن تنها ئی
ندیدم چون صفا ،ا زدا من تن ها کشیدم دست
ا ز ا ی ن پس دست تنهای من ودا ما ن تنها ئی
نشدگوئی نصیبم دردیا ر نا جوا نمـــــردا ن
مگرگوئی برم‌زا ی ن عرصه ،با چوگا ن تنها ئی
نجستم گوهری نا سفته ،ا ز دریای جمعـــیت
من ودرا ی ن تلاش بی ا ما ن، عما ن تنها ئی
زما در مهربا نتر دا یگا ن،خستند کا مـــم را
ا ز ا ینا ن می گریزم تا مکم‌پستا ن تنها ئی
دل ا ز ا ی ن میزبا نا ن گرا نجا ن بود در وحشت
سبکجا ن رفت تا گردد دمی مهما ن تنها ئی
زننگین خوا ن رنگین سفرگا ن بوی ریا خیزد
من ویک لقمه‌نا نی بی ریا یی خوا ن تنها ئی
بجا ی گل خس وخا شاک میروید در ا ی ن گلشـن
بسوز ا ی ن خا روخس،ا ی شعلهٔ سوزا ن تنها ئی
ا ز ا ی ن دنیا ی دیوودد که‌هردرنده‌سلطا نی‌ا ست
روم درملک تنها ئی شوم ســـلطا ن تنها ئی
سحرمیگفت (حا مد) دوش دروا دی تنهایـــــا ن
"یکی بوده‌ا ست‌گوئی جا ن توبا جا ن تنها ئی*"

---

*) ا ی ن مصراع ا ز ( سحر ) ا ست .

"توچا ل" ذروه‌ســینه‌چیخا رکن ...

ســنی‌ســا رســیتما سین یوْرولوب قا لان
یا ریمچیق بیرصــعود ســنه درد اوْلار
ذروه‌لر ا وغروندا جا ن آتا ن زمــا ن
"گؤز نا مرد اوْلورسا ،آیا ق مردا وْلار" *

سؤنمز- ۱۳۶۲/۷/۲۹

* بومصراع "آتا لارسؤزو"ن دن آلینمیشدیر .

منظوری خامنه

## بیـــرینجی درس

### * سس لی حرف ( مصوت ) لربارەســـــینده *

### هجاء هم‌آهنگیلیگی ویا سس اویوشومو

* ۲ *

عاشیق اۆست پالتارینی صۆیۆنۆب اۆزدۆ. چایی اۆ تایا گئچنـــدن صۆنرا گئری باخیب نه گؤردۆ: آمان ! آه، ای قدرتلی الله. خورشید بیگ اۆنۆن پالتارلارینی* گؤتۆرۆب تفلیسه قاییدیردی، اۆ ائله چاپاراق گئدیردی کی، آرخاسینجا دۆمدۆز چؤلده آنجاق ایلان کیمی طۆز بۆرۆلۆب قالخیردی. بیگ آتینی چاپا ـ چاپا تفلیسه چاتیب عاشیق غریبین پالتا ـ رینی اۆنۆن قۆجا آناسینا گؤسته‌ردی :"سنین اۆغلۆن درین ببرچایدا بۆغولدۆ، ـ دئدی. ـ آل، بۆ دا اۆنۆن پالتارئ ". آناسی افاده ائدیله بیلمه‌یه‌جک بیر حسرتله اؤز ایسته‌ک لی اۆغلۆنۆن پالتارئ اۆســتۆنه سریلدی و اۆنۆ ایستی گؤز یاشلارئ ایله ایسلاتدئ، صۆنرا آرواد پالتا ـ رئ گؤتۆرۆب اؤز یئنی گلینی ماه‌المهری یه آپاردئ.

آرواد قیزا :

ـ اۆغلۆم بۆغۆلمۆشدۆر، ـ دئدی. خورشید بیگ اۆنۆن پالتارینی گتیر ـ میشدیر، سن آزادسان .

ماه‌المهری گۆلۆمسه‌دی. ـ اینانما، ـ دئیه جواب وئردی، ـ بۆتۆن بۆنلار خورشید بیگین اۆیدۆرمالاریدیر*، یئددی ایل قۆرتارمامیش هئچ کس منیم اریم اۆلمایاجاق .

قیز اؤز سازینی دیواردان آلدئ و یازیق عاشیق غریبین سئویملی نغمه‌سینی ساکت ـ ساکت اۆخۆماغا باشلادئ .

---

* پالتارلارینی ـ بو کلمه‌ده ۵ قالین هجا وار: ( پال + تار + لا + رئ + نئ) و بو کلمه‌ده ایش‌له‌نن سسلی قالین حرف‌لر :
(ا. + ا. + ا. + ئ. + ئ.) و قالین هجالی کلمه‌لرده "لار" جمع علامتی دیر.
مثال : آداملار، قوشلار، آغاجلار....
( بو مثاللاردا نقطه‌لر صامت (سس‌سیز حرف )لرین یئرین توتوب ).

* اۆیدۆرمالاریدیر ـ بو کلمه‌ده ۶ قالین هجا وار: (اۆی + دۆر + ما + لا + رئ + دیر) بو کلمه‌ده ایش‌له‌نن سسلی قالین حرف‌لر :
( اۆ. + ۆ. + ا. + ا. + ئ + ئ.). بوکلمه‌ده ده "لار" جمع علامتی دیر.

غریب چیْل ـ چیْلپاق حالدا گلیب بیرکنده چیْخدیْ رحملی آدا ملار اوْنوُ گئیندیریب یئدیرتدیلر، اوْ دا بوُنوُن عوضینده اوْنلار اوْچوُن گؤزه‌ل ـ گؤزه‌ل نغمه‌لر اوْخوُدوُ. بئله‌لیک له اوْ بیر کنددن اوْبیْریْ‌کنده‌ٔ بیر شهردن اوْبیْریْ شهره گئتدی، شهرتی هریانا یاییْلماغا باشلادیْ. آخیْردا حلب شهرینه گلیب چیْخدیْ. عادتیْ اوْزره، بیر قهوه‌خانایا گیردی ساز ایسته‌دی و اوْخوُماغا باشلادیْ. بوُ زامانلار حلب‌ده بیر پاشا یاشا ـ ییْردیْ، همین پاشا یاخشیْ نغمه‌کارلاریْ چوْخ سئویردی. اوْنوُن یانیْنا چوْخ عاشیْق گتیرمیشدیلر*، آنجاق پاشا اوْنلاریْن هئچ بیرینی بگه‌نمه‌میشدی. اوْنوُن جوْووُشلاری شهرده عاشیق دالیْنجا گزمک*دن الدن دوْشموْشدوْلر. بیردن قهوه‌خانانیْن یانیْندان گئچنده انسانی حئیرته سالان گؤزه‌ل بیر سس ائشیتدیلر. اوْنلار قهوه‌خانایا گیردیلر.

چوْووُشلار عاشیْقه:

ـ یا گل بیزیمله پاشا حضرت‌لری نبن یانیْنا گئده‌ک، یادا اؤزباشینلا جواب وئره‌جکسن، ـ دئیه جیْغیْردیْلار.

عاشیْق غریب:

ـ من سربست (آزاد) آدامام، ـ دئدی، ـ تفلیس شهریندن گلمه غریبم: ایسته‌سم، گئده‌رم، ایسته‌سم ـ یوْخ، کئفیم گله‌نده اوْخوُیارام. گلمه‌ـ ینده اوْخوُموُرام، بیر ده سیزین پاشانیْز منیم آغام دگیل کی!

لکن بوُتوُن بوُنلارا باخمایاراق، اوْنوُ یاخالاییْب پاشانیْن یانیْنا آپاردیْلار. "اوْخوُ" ـ دئیه پاشا امر ائتدی. اوْ، اوْخوُدوُ. عاشیْق غریب بوُ نغمه‌سینده اؤز قیمتلی ماه‌المهری سی نی تعریف له‌ییردی، بوُ نغمه مغرور پاشایا اوْ قده‌ر خوش گلدی کی، یوْخسوُل عاشیْق غریبی اؤزیانیْندا ساخلادیْ. اوْنوُ قیْزیْللا، گوموش له سئیلاب ائتدی لر، اوْنا قیمتلی، گؤزه‌ل پالتار گئیندیردیلر. عاشیْق غریب شن و خوشبخت یاشاماغا باشلادیْ وچوْخ وارلی بیرآدام اوْلدو. اوْ، اؤز ماه‌المهری سی نی اوُنوُدوُب ـ اوُنوُتما ـ دیْغیْنیْ بیلمیره‌م، آنجاق واخت گلیب یئتیشیردی. عهدی نین آخریْنجیْ ایلی

---

* **گتیرمیشدیلر** ـ بو کلمه‌ده ۵ اینجه هجا وار: (گَ + تیر + میش + دی + لر) و بو کلمه‌ده ایش له‌نن سسلی اینجه حرف لر: (.ـَ + .ی. + .ی. + .ی + .ـَ.). "لر" اینجه هجالی کلمه‌لرده ضمیرو اوْچوُنجوُ شخصین جمع علامتی دیر.

* **گزمک** ـ بو کلمه‌ده ۲ اینجه هجا وار: (گز + مک) و بو کلمه‌ده ایش له‌ـ نن سسلی اینجه حرف لر: (.ـَ. + .ـَ.). "مک" اینجه هجالی کلمه‌لرده مصدر علامتی دیر.

تئزلیک لـــه قوُرتارمالیْ * ایدی.اما ،اوْ، گئتمه‌گه حاضیرلاشمیْردیْ.
گؤزه‌ل ماه‌المهری مایوس اوْلماغا باشلامیْشدیْ.بوُ زامان بیر تاجر قیْرخ ده‌وه و سکسان قوُلدان عبارت بیر کاروانلا تفلیس دن یوْلا دوْشجک ایدی قیْز همین تاجریْ اؤز یانیْنا چاغیْرتدیْریْب .اوْنا قیْزیْل بیـــر نیمچه وئردی.
ـ بوُ نیمجه‌نی گؤتوْر،ـ دئدی، ـ هر هانسیْ شهره چاتسان،بو نیمچه‌نی اؤز دوکانیْنا قویْ ، اؤزوْ ده هر یئرده بیلدیرکی،کیم منیم بؤُنیمچه‌ـ نین صاحبیْ اوْلدوُغوُنوُ بیلدیره‌رسه و بوُنوُ اثبات ائده‌رسه ،هم بوُنیمچه نی، هم ده بوُنوْن آغیْرلیْغیْ قده‌ر قیْزیْل آلاجاق .
تاجر یوْلا دوْشدوْ،هر یئرده ماه‌المهری نین تاپشیْرْیْغیْنیْ یئرینه یئتیردی، آنجاق هئچ کس قیْزیْل نیمچه‌نین صاحبیْ اوْلدوُغوُنوُ بوْینوُنا آلمیْوردیْ.اوْ،ماللاریْن ،دئمک * اوْلار کی، هامیْ سیْنیْ ساتیْب قوُرتارمیْش دیْ، آزاجیْق مالیْ قالمیْشدیْ کی، اوْنوُ دا گؤتوْروْب حلبه گلدی.اوْ،ماه المهری نین تاپشیْرْیْغیْنیْ هر یئرده اعلان ائتدی. عاشیْق غریب بوُنـــوُ ائشیدیب کاروانسرایا قاچدیْ. و تفلیس تاجری نین دوکانیْنداکـــیْ قیْزیْل نیمچه‌نی گؤردوُ .
اوْ، نیمچه‌نی قاپاراق :
ـ بوْ منیم دیر، ـ دئدی .
تاجر :
ـ دوْزدوْر ،سنیندیر ،ـ دئیه جواب وئردی.ـ من سنی تانیْدیْم ،عاشیْق غریب تئز اوْل تفلیسه گئت ،سنین ماه‌المهرین سنه‌قوْووُشماق* اوچون بوُیوُرموُش دوُر کی،واخت گلیب یئتیشیر،اگرسن تعین ائدیلمیش گوُنه ده‌ک اؤزوُنـــوُ یئتیرمه‌سن اوْ،باشقاسیْنا اره گئده‌جکدیر.

---

* قوُرتارمالیْ ـ بو کلمه‌ده ۴ قالیْن هجا وار:( قوُر+ تار+ ما + لیْ) و بو کلمه‌ده ایش‌له‌نن سسلی قالیْن حرفلر:(.وُ+.ا+.ا+.یْ )
* دئمک ـ بوکلمه‌ده ۲ اینجه هجا وار:( دئ + مک ).بوکلمه‌ده ایش‌له‌نن سسلی اینجه‌حرفلر:(.ئ +.ـَ.) .اینجه‌هجالی کلمه‌لرده "مک" مصدرعلامتی‌دیر.
* قوْووُشماق ـ بوکلمه‌ده ۳ قالیْن هجا وار:(قوْ+ ووُش + ماق )و بوکلمه‌ده ایش‌له‌نن سسلی قالیْن حرفلر:( .وْ+ .وَ.+ا .) . قالیْن هجالی کلمه‌لرده مصدر علامتی " ماق " دیر.مثال : چالیْشماق ،باریْشماق،دانیْشماق ..کیمی

عاشیق غریب چوخ مأیوس اولدو، واختا اوچجه گون قالمیشدی. بونا باخمایاراق، او، اومیدینی کسمه‌یب، آتا میندی، قیزیل پولا دولو اولان هیئه‌سینی اوزو ایله گؤتوردو و آتا رحمی گلمه‌دن گؤتو-رولدو*. آخیردا آلدن دوشموش آتیشن نفسی کسیلیب اورنجانلا اوض روم آرا سیندا کی اورنجان داغی آراسیندا چاتدادی. عاشیق غریب نه ائده بیله‌ر-دی ؟ اورنجاندان تفلیسه کیمی ایکی آیلیق یول ایدی. آنجاق جمعیسی ایکیجه گون قالمیشدی .

" ای قدرتلی الله، ـ دئیه او یالواردی، ـ ایندی سن منه کؤمک ائتمه‌سن، داها دونیا نه‌یمه گره‌کدیر." . او، بو سؤزلری دئییب، اوزو ـ نو اوجا بیر قایادان آتماق ایسته‌ییردی کی، بیردن آشاغی دا * آغ آتلی بیر آدام گؤردو و اونون گور سسینی ائشیتدی :

ـ آی اوغلان، نه ائله‌مک ایسته‌یرسن ؟!

عاشیق :

ـ اوزومو اولدورمک * ایسته‌یره‌م، ـ دئیه جواب وئردی.

ـ ایندی کی، بئله‌دیر، دوش بوزا یا گل سنی اولدورم.

عاشیق بیر تهه‌ر قایادان ائندی.

آتلی غضبناک بیرحالدا :

ـ دالیمجا گل، ـ دئدی.

ـ آخی من سنین دالینجا نئجه گله بیله‌رم، ـ دئیه عاشیق غریب جواب وئردی، سنین آتین یئل کیمی اوچور، اما، منه هئیبه‌م آغیرلیق ائله‌ییر..

ـ دوغرو دئییرسن، گتیر هئیه‌نی یهه‌ریمین قاشیندان آس، اوزون ایسه دالیمجا گل.

عاشیق غریب نه قدهر قاچیردیسا دا، یئنه دالدا قالیردی.

---

* گؤتورولدو ـ بوکلمه‌ده ۴ اینجه هجاوار : (گؤ + تور + دو) و بو کلمه‌ده ایش‌له‌نن سسلی اینجه‌حرفلر : (ؤ + و + ؤ + و) .

* اولدورمک ـ بوکلمه‌ده ۳ اینجه‌هجاوار : (اول + دور + مک) وبو کلمه‌ده ایش‌له‌نن سسلی اینجه‌حرفلر : (او + و + ـک) . " مک " مصدر علامتی دیر.

* آشاغی دا ـ بو کلمه‌ده ۴ قالین هجا وار : ( آ + شا + غی + دا ) و گؤی ده ـ بو کلمه‌ده ۲ اینجه هجاوار : ( گؤی + ده ) . قالین هجالی کلمه‌لرده "دا" شکیلچیسی و اینجه هجالی کلمه‌لرده "ده" شکیلچیسی ایش‌له‌نیر . آردی گله‌ن صایی دا .

# گلەن مکتوبلار

مجله میزه جوخلو منثور و منظوم مکتوبلار، وطن پرورلیک حسی ایله دولو یازیلار گلمیشدیر. مجله نین توتومونو نظره آلاراق اونلارین بعضی سیندن معین پارچالار ومصراعلار درج ائدیریک :

بویازیلار ایچه ریسینده آقای عزت پارلاقین صمیمی مکتوبووگؤنده رزـ دیگی " حیدربابایا سلام "روحونده یازیب گؤنده ردیگی ۱۱۲ بندلیک منظومه سی دقتی جلب ائدیر. بودور بیز" قافلان داغی نین نغمه لری" آدلانان شعردن نمونه اوچون بیرنئچه بندینی وئریریک :

قافلان داغی سلام اولسون انسانا * کؤنلونده کی محبته ،ایمانا
حیاتیندا بسله دیگی وجدانا

قوی بو دونیا سعادته یول آچسین * باریشیغین هیکلینه قول آتسین
*
قافلان داغی ایگیدلرین دؤیوشور * داغ دؤشونده آل لاله لرگؤروشور.
عاشیقلارین آزادلیقدان دئیشیر

سلام اولسون ایگیدلرین قانینا * جانیم قوربان ارنلرین جانینا
*
قافلان داغی قیزیل گونش قوجالماز * مردا وغوللار ،مظلوملاردان باج آلماز
خائن لرین آلچاق باشی اوجالماز

قیزیل اوزه ن هئی دنیزه آخاجاق * اوغلان،قیزین سنه ساری باخاجاق...

بیز آقای عزته توصیه ائدیریک کی،داها گؤزه ل اثریازماق اوچون چوخلو مطالعه ائدیب ،بدیعی صنعت خصوصیت لرینی،وزن وقافیه نین گؤزه ل اولماسینی،شعرین پوئتیک خصوصیت و قانونلارینی داها مکمل اؤگره نسین وبیزه گؤزه ل ـ گؤزه ل منظومه لر گؤنده رسین .

معاصر شاعریمیز آقای بهرام ائلچین صمیمی مکتوبوایله برابر اونودولموش شاعر"اعزاز مهینی" حقینده یئیجام معلومات وئریب اونون شعرلریندن نمونه لر گؤنده رمیشدیر ،بیز بهرامان ساغ اول دئیه رک اعزازین دا بیر غزلینی مجله میزده درج ائدیریک :

ای لعبت سارنگی و ای شوخ تتاری
ای دلبر سنتوری و ای مهوش تاری
تاری سنی شاد ایله سین عالمده همیشه
تا شوق ایله مشق ایله یه سن هر گئجه تاری

بیر تار او زولف سیهیندن منه گؤنده‌ر،
سن تاری وی اؤز سینه‌وه باس من ده‌اوتاری
من تاریم ایله تار قیلیم صبح ضیانی
سن تارین ایله صبح ضیاء قیل شب تاری
عشق آتشینه سینه‌ده سیمرغ پری تک
او تاری توتوم بلکه یئتیرسین سنی تاری
گر نام و نشانیم صوروشا سندن احبا
کویومدا منیم ،سؤیله‌کی،"اعزاز"ایت‌اوتاری

آقای عبدالله بهمنی نین آنادیلیمیزه اولان صونسوز محبت‌له‌دولو مکتوبونو اوخودوق و اونا همیشه بویولدا آددیملاماغی اؤز ائلینی ، دیلینی و مدنیتنی سئویب ،سئودیرمگی آرزو ائدیریک ،دوغرودان داکهنه رژیم مدنیتیمیزه ،دیلیمیزه ، ملیتیمیزه حدسیز و حدودسوز زیانلار وورموشدو. آنجاق دوزه‌له‌ر، فداکارلیق گره‌ک دیر.

آقای بهمنی سیزین بحث‌ائتدیگینیز معلم طاغوتی دؤوروندا اوخویوب تعلیم گؤرموشدور .اونون اوچون طاغوتی فرهنگ‌له اشباع اولموش و اؤزوده بیلمه‌یه‌رک طاغوتی لر کیمی دوشونور .اسلام عالمینده بوتون ملت‌لر و دیل لر آللهین آیه‌لری (نشانه‌لری) دیر و انسانلاریـن آرا ـ سینداکی فرق تقوی و علم ایله‌دیر. فارس‌دیلی آسان اولسادا اؤزخلقینه آسان دیر ،یوخسا آنا دیلی تورکی اولان اوشاقلارا آسان دگیل.هر کسه اؤز دیلینده اوخوماق داها آسان دیر ،بو دا انکار ائدیلمه‌زبیرحقیقت دیر. فارسی دیلی ده بیزیم اؤلکه‌نین و فارس قارداشلاریمیزین دیلی‌دیر و بیزیم اوچون اوخونماسی لازم‌دیر. سیز فارسجا ایله برابر آنادیلی ـ میزی ده اؤگره‌نیس .اسلام جمهوریتینده بو حق و آزادلیق بیزلره وئریلمیشدیر." **اصل پانزدهم قانون اساسی : زبان و خط رسمی ومشترک مردم ایران فارسی است .اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب‌درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس‌ادبیات آنها در مدارس‌در کنار زبان فارسی آزاد است .**" بو ایشده قارشی نیزا چیخانلار آنجاق ملی گرا ویا طاغوتی اولابیله‌رلر .

حرمتلی اوخوجوموز آقای مهرداد حسین پور

مکتوبونوزو اوخودوق،دیلیمیز حقنده یازدیقلارینیز چوخ دوغروویئرینده دیر.بیز مجله میزده ادبی دیل ایله یازیریق لکن اوخوجولاریمیزین تورکی معلوماتینی دا نظرده توتوروق .

اوزون ایللر ادبی دیلیمیز اوخونولمادیغیندان اونودولموشدور. انقلاب دان صونرا چیخان نشریات و تورکجه کتابلار اوخوجولاریمیزین تورکی معلوماتینی آرتیرمیش و بیزلره یازیلاریمیزدا داها چوخ تورکی سؤزلری ایشلتمه گه فرصت وامکان وئرمیشدیر.

تبریز رادیوسونون تورکی برنامه لری ده زامانلا داها دوزگون بیر تورکی دیلیله ادامه تاپاجاقدیر.کئچه ن لرده وارلیق دانشرائتدیگی - میز، وزارت ارشاد اسلامی نین وارلیق ین باش یازیچیسی ایله بیرلیکده حاضرلادیغی سمینار،بونا بیر_دلیل ومثال دیر.سیزه ساغلیق وباشاری دیله ریک . " وارلیق "

حرمتلی اوخوجولاریمیزدان آقای اسد فرض اللهی آلتی بندلیک بیر شعر گؤنده رمیش ،شعر چوخ احساسلی دیر.دؤرد بندینی بعضی اصلاحلاردان صونرا درج ائدیریک .شاعرون بو اصلاحلاری اولکی شکیللریله مقایسه ائده رهک ایره لیده یازاجاغی شعرلرده دقت مرکزینده توتماغی توصیه ائدیریک . " وارلیق "

وور یئره کولونگین داغلار داغیلسین
قوی قارا توپراقین قلبی یاریلسین
ایگیت لیگین تاریخلرده یازیلسین
آزادلیق نغمه سین اوخو اکینجی

چشمه لر جوشسون سولار دورولسون
بابک بایراغی اؤلکه ده قورولسون
عاشیقلار گؤتورسون سازلار ووروسون
آزادلیق نغمه سین اوخو اکینجی

قالدیر گؤیه اوراغینی دوش یولا
زنجیر کیمی وئره ک بیزلر قول - قولا
زه لی صفت دوشمانیمیز محو اولا
آزادلیق نغمه سین اوخو اکینجی

استعماری ریشه‌دن نابود ائـــــده‌ک
ائللری زنجیرلردن آزاد ائـــــده‌ک
بیر گولمه‌ین دوداقلاری شاد ائـــــده‌ک
آزادلیق نغمه‌سین اوخو اکیـــنچی

** ** **

## وایقان* اهلیندن بیریسی کربلای آدم
## وایقانلی(شاعر)دن روایت ائدیر

بیر گون کندیس آخوندی، مرحوم آدمی ایکیندی چایی نا قوناق چاغیـــریر. کربلای آدم یولون ائناسیندا، جوان و خوش‌سیما، ارباب اوغلو حسنخانی گؤرور. اونا دئییر:

بوگون ایکیندی چایی نا آخوند منی قوناق ائدیب. اما، اجازه یوخوم دور کی، سنی ده اؤزوم‌له اورا آپارام. اونا گؤره اوندان خداحافظلیک ائدیب آخوندون ائوینه ساری یولا دوشور. ائله کی، آخوندون ائوینه وارد اولور، گؤرور کی، مجلس چوخ مزین وطنطنه‌لی دیر. بوحالدا حسن خـــــان خاطیربنه گلیر و جناب آخوندا بئله سؤیله‌ییر:

جناب بیلمه‌دیم اول بئله وفاده ســـنی
یانیمجا تا گتیرایدیم، بو مجلسه حسنی
حسن حسن نه حسن! گول جمالینه احسن
قیلئیدی، مجلسی اؤز گول جمالی‌ایله ختن

** ** **

بیر گون وایقانا جوان و امرد بیر درویش (قصیده‌خوان) گلیـــر. درویش بیر مجلسده اوخویور و اوخویارکن چوخ گولورموش. کربلای آدم او مجلسده حاضر ایمیش درویشه نظر ائدیب و فی‌البداهه بئله‌دئییر:

بو مجلسین گولو مولا، اگرچی ســـن گولوسن،
گول اولماغیندا سؤزوم یوخ، نییه بئله‌گولوسن؟

** ** **

---

*) وایقان تبریزین گون باتانیندا گونئی ماحالیندا خامنه‌یا خینلیغیندا بؤیوک و آباد بیر کنددیر.

مراغه‌دن آقای د.م.عاصی ایکی شعر گؤنده‌رمیش‌دیر،بورادا بیرینی درج ائدیریک :

سیلسم اوره‌گین بیر گئجه بو زاره یانار دی
من ده گئجه‌دن خواهش ائده‌ردیم اوزانار دی
سن ساقیم اولاردین اوره‌گیم حامینا ساقی
من جام شراب الده توتاندا جالانار دی
دردیم چوخالاردی سبب عشقین له الهی
یوز درد گلیب بیر- بیری اوسته‌قالانار دی
بیر غمزه‌لی بیر نازلی اشارت ائله‌یبردین
منشق اولان آی تک اوره‌گیم پارچالانار دی
کپریک لر اوخو، قاش‌کمانی ال - اله‌وئرمیش
بو حمله‌ده جان ملکی تمامآ تالانار دی
بیر جرعه ایچه‌ردیم او شراب باخیشینلان
قانلی اوره‌گیم کاسه‌سی هئی چالخالانار دی
او ساق بلورین منی اؤلدورمگه خاطر
مقتل ده کی جلاد تکین جیرمالانار دی
ساچلار گتیریب حمله ایلان تک منه ساری
او جانلی هؤروک لر بوغازیمدا دولانار دی
بیر داره چکیردی منی او زلف چلیپا
گنبدلرین اوستونده هوالحق اوخونار دی
بیر قاره شال اوسته منیم عشقیم‌ده‌یازیلمیش
هر عاشقه معشوقی الیلن توخونار دی
بخت اولدوزومون باشینا بیر قاره سالینمیش
عمر اولدوزونا خیمهٔ ماتم قورولار دی
ای کاش اوزانمیردی بو شعرین بئله "عاصی "
اؤلدورمه‌میش اؤز شاعرینی قیصا قالار دی

* خلخال دا آلانکش قریه‌سیندن آقای آزاد مهرپور" ایلدیریم"
( قورتولوش آدلی بیر شعر گؤنده‌ریب بوشعردن اوچ بندبورادا درج ائدیریک

قورتولوش دؤورانی دور، دورسون یاتان انسان بوگون گون.
گؤرسون انسانی نئجه‌حیران ائدیردؤوران بو
قالانی صحیفه‌ده

علم ایله دونیا اولور اوجماق کیمی رضوان بوگون
بو ایشه لابد اولور انسان اؤزی حئیران بوگون
یوکسه‌لیر گوندن گونه بو خوش آزادلیق نغمه‌سی
خوش‌گلیر هر ملته بو نغمه‌نین سؤیله سسی
چالیسین عاشیق ائل لره بو خوش‌صفیری بو سسی
دینله‌سین، آلقیشلاسین هانی بئله‌فرمان بوگون
قوی آزادلیق سئومه‌ین کیم‌دیرسه ده باتسین سسی
یانسین ، اودلانسین،باغیرسین،پاتلاسین یاتسین سسی
هر یانا گئتسین آزادلیق نغمه‌سی چاتسین سسی
قورتولوش میدانینی جولان ائده‌ک هرآن بو گون

آدسیز

## * دیلیم *

اورمیه

من حیجک لر ،سله‌ین،صولماز ،گؤزه‌ل باغ دیردیلیم ،
قارلی قیشلاردان حیخان ساز تک اؤزو آغ دیر دیلیم .

هر نئجه بیر حس اولا،سؤیله‌ر بو قدرتلی کلام ،
دالغالی،حوشغون دنیز ، بیر اینجه یارپاق دیر دیلیم .

هم کؤر اوغلو نعره‌سن،هم اصلی نین فریادینی،
عکس ائدیر ،بیر گؤزگو تک ، باخ گؤرنه اوینا ق دیر دیلیم .

گاه اوجالدیر بیزلری، گاه گولدورور،گاه آغلادیر،
درد ده ،شنلیکده اؤز خلقیله اورتاق دیر دیلیم .

قهرمانلار قانیله یوی آتدی باوباش‌ساخلادی ،
وار بئری گر سؤیله‌سم بیر قانلی بایراق دیر دیلیم .

آلسا دا ، قدرت‌فضولی دن ، نسیمی دن اگر،
وورغونون طبیعنده انسان فخری بیر داغ دیر دیلیم .

جوخ ستملر گؤرسه‌ده جیخدی سیناقدان ، سینمادی ،
ثابت اولدو عالمه ، هر بیر زامان حق دیر دیلیم .

مختلف یئرلرده ساکن ائللری بیرلشدیریر ،
بیر نئجه اؤلکه ، نئجه ائل ، اونلار اوبماق دیر دیلیم .

چوخ چالیر دوشمن کی،بو دیل عرصه‌دن جیخسین داها ،
یازکی "آدسیز" ،گؤرسون او ، خلقیم کیمی ساغ دیر دیلیم

*** ***

## حاجی رضا صراف تبریزی

حاجی رضا صراف تبریزی نین آتاسی نین آدی حاج محمدتبریزی دیر. او، ۱۲۷۱ هجری قمری ده آنادان اولموشدور و جوانلیغی نین باشلانقیج لاریندان عمرونون بیرحصه سینی تجارت ده صرف ائدیب واوبیری حصه سینی علم الده ائتمکده ایشله تمیشدیر.

صراف تبریزده اولان ادبی انجمنین عضولریندن اولموش واوزونـــدن یادگار قویموش شعردیوانی اونون ادبی مقامینی وهابئله اینجه و ظریف ذوقینی گؤسته رمک اوچون جانلی بیر نمونه اولا بیله ر.

حاج رضا صراف ۵۴ ایل بیزیم دونیامیزدا یاشامیش و ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ هجری قمری ده بودونیایه گؤز یومموشدور. اونون وفاتی حقیـــنده طاهرزاده نقاش تبریزی، حاج محمدعلی صفوت اشاره لرائتمیشلر.

صرافین دیوانی، آذربایجان دیلینده ۹۱ غزل وبیر

**حاج رضا صراف تبریزی نین یارادیجیلیغی**

نئچه رباعی، مستزاد، نوحه وسینه زن وفارس دیلینده ۱۱ غزلدن عبارتدیر. الیمده اولدوغو بودیوان ۱۳۷۶- هجری قمری ده، دیوان صراف عنوانیله نشر اولونموش و فکرائدیرم بو، صرافین دیوانی نین صون چاپی اولموش، اونا گؤره کی، بـــو ایگیرمی بئش ایلین عرضینده، محمدرضا خانین آپاردیغی فارسلاشدیرمـــا سیاستی نتیجه سینده، آذربایجان دیلینده یالنیز سیاسی، اجتماعی کتاب لار یوخ، حتی شعر، غزل و مرثیه کتابلاری نین داچاپ ونشری قدغن ائدیلمیشدی.

بیز بو مقاله میزده صرافین یاراتدیغی غزللر واوندان درک ائتدیگی ـ میز اجتماعی مفکوره وهابئله سؤیله دیگی نوحه وسینه زن لرین حقینده قیسسا صورتده دانیشماق ایسته ییریک. مشروطه حرکاتی اؤلکه میزده باشلانان زمان ضیالی لار، شاعرلر اکثرا خلقی مبارزه یه چاغیرماقدا بویوک رول اوینا میشلار، اونلاردان چوخلاری اؤز قلم استعدادلارینی توفنگه چئوریب بویولدا مبارزه دن بیرآن بئله چکینمه میشلر. صراف دا بویولـــدا خلقی ایللرین یوخوسوندان اویاتماغا چالیشیر. او، صابرانه بیر طرزده بوبارەده بئله یازیر :

ای ملت اسلام اویان وقت سحردی  گؤر بیر نه خبـــردی.
بسدور بو قده ر یاتما، چورورسن نه خبردی  دور، وقت ســـــحردی.

مین یئردن آییلدیر سنی،بیچاره احباء ترپنمیسن اصلا
یاتماق بئله اولماز،بواؤلومدن ده بتردی دور،وقت سحردی
تاپدیر سنی همسایه‌لرون،دورما دئییر یات کئچمیش اولا هیهات
بو دؤورده هرکبمسه یاتا قانی هدردی دور، وقت سحردی
گون اولدو،گون اورتا هامی یاتمیشلارا ویاندی اؤز عیبینی قاندی
سن یات،قوی اولار دورسون اولارچونکی بشردی دور،وقت سحردی
بی دردلیگی بوشلاما، آختارما حمیت لازیم دگو غیرت
غیرت دئدیگین باشا بلا،جانه خطردی دور،وقت سحردی.

صراف یاراتدیغی غزل ده،مختلف اجتماعی مسئله‌لره دولاشیروغزللرین آراسیندا ایهام واشاره‌ایلن اؤلکه‌نین فناحالیندا یاشاماسینا ومملکت ـ ین نظامی پوزولوب وباش‌سیز قالماسینا اشاره‌ائدیر:

ائدیبدور باغریمی قان لبلرون،قوی بیرایچیم قانین
بوباش‌سیز مملکتده،قانیمه‌قان ائتمه‌یییم،نیلیم ؟

صراف جامعه‌ده علمه،صنعته،شعره،اهمیت وئریلمه‌دیگینی وپولون حاکم بیررول ایفاائتمه‌سینی آچیق وآیدین گؤرور،او،اؤزونه خطابا بو باره‌ده بئله سؤیله‌ییر:

صراف،نقد شعری داخی خرجه گئتمیری
مین بیت دن مقدم اولوب ایندی بیر فولوس.

صراف سؤیله‌دگی غزل لرده،یئری گلدیکده،زاهدنمالاری افشاء ائدیر. او،گؤسته‌ریرکی،بونلارین ائتدیک لری عبادت بیرمعامله‌یه بنزه‌ییر، اونلار،تانریدان بوعبادت‌لر قارشیسیندا محشرده مین،مین حوری طلب ائدیرلر:

تسبیح کیمی زاهد اورادا مقیددیر * ایسترآلامحشرده،هروئردیگینه‌حوری

صراف توتدوغو وگئتدیگی یولدا ثابت‌قدم‌دیر.او،حقیقی بیرعشق دالینجا گئدیر وبویولدا قاباغیندا دوران مانع لره ویاخود دالینجا دئییله‌ن افتراءلره اصلا اهمیت وئرمیر.او،بوخصوص دا بئله‌سؤیله‌ییر:

بانگ نوشا نوش‌کیم میخانه سمتیندن گلیر
اهل زهدون وئرمیرم بیهوده قیل و قالینه .

صراف دئییر هرکیم منیم باره‌مده‌هرجوره‌فکرائدیر قوی ائتسین. منیم هئچ بیزفرقه‌یه تعلقیم یوخدور.آنجاق بومدعی لربؤیوک بیر یالان اویدورورلار:

بیلمز نه دیر کؤنولده کی منـــظور و مطلبیم
هرفرقه ظن بدلن ائده ر بیر گمان منـــه
نه جبری یم ،نه صوفی، نه قشری ـ وحـــدتی
ای مدعی اوتان دئمه فاحش یالان منـــه

صراف اؤزونو بئله تصویر ائدیر :

من محبت جؤلونون عاشیق سرگشته سی یـــم
بیلسه دیوانه نولور مردم تبریز منـــی

وباشقا بیر یئرده "ایله ر" قافیه سیله سؤیله دیگی بیرغزلین صو ـ نوندا آدی نین ابدی له شمه سی حقینده بئله دئییر :

ایتمه ز آدیم عالمده یقینیمدو من اؤلسم
ذوق اهلی بواشعاریمی ضرب المثل ائیله ر

دوغرودا ندا صرافین یاراتدیغی غزللر گؤزه ل،آخیجی،ساده واینجه دیر .او ،آرزو و اومیدلرینی شاعرانه وظریف بیردیلده اؤزخلقینه سؤیله ییر

من آختاردیم ،آراشدیم بیر نگار نازنین تاپدیم
گلون ایمانه لامذهب لر ،آخرتازه دین تاپدیم

ویاخود

طبیبیم قوی منی اؤز حالیمه ،درمانیم آختارما
بودردعشق ایلن اؤلمک ،منه عین سعادت دیر

دی،گل بیربوسه وئر ،آل جانیمی سن راضی من راضی
مگرحلّیّت بیع و شری غیراز رضایت دیـــر

خوشا جانانیلن مشغول صحبت اولدوغوم ساعت
اگرعمریمده بیرساعت حساب اولسا ،اوساعتدیر

صراف اؤز دوزلو یاراتدیغی بدیعی غزللرینده ،خلق یارادیجیلیغین ـ دان مهارتله استفاده ائدیب :

عیبیم آچیلدی ،ایندی کی،اولدوم گونوقارا
دورگل قوجاقلاشاق قارادانا وزگه یوخدورنگ

ویاخود :

کؤنول بسدور ،گؤزه ل لردن گؤتورگؤز ،هرزه گردا ولما
سنی هریئرده خرمن گؤردوم ،اوردا خوشه چین تاپدیم

صراف عشقه ،سئوگی یه بؤیوک اهمیت وئریروحیاتین اوندا قانیر ،صرافه گؤره ،عومور ،یالنیز سئوگی ده اؤزونه معنا واعتبارتاپیر .او ،سئوگی ســیز

یاشایشی اعتبارسیز وعزت‌سیز یاشاماق حساب ائدیر :
غلط سؤزدور دئیه هر کیمسه عمره اعتبار اولماز
منیم‌عمروم ،گؤزوم‌سن عزتیم‌سن،اعتباریم سن
ایکی دونیایه وئرمم بیرسرمویون سنون آخـــر .یم‌سن
قارا گؤزلو ،گون اوزلو ،دادلی،دوزلوبیر نگار
یوخاریدا سؤیله‌دیگیمیز کیمی صراف غزل،رباعی وشعربن دیگر نوع لرینـدن باشقا ،اؤز مرثیه‌شعرلری ـ نوحه وسینه‌زن لرایله خلق‌آراسیندا . بؤیوک محبت وحرمت قازانیب واونین یاراتدیغی جگریاندیریجی نوحه و سینه‌زن لری خلقین دیلی نین ازبری اولوب وبوتون روضه‌خوانلیقلاردا ، عزا و یاس مجلس لرینده ،عاشورا و تاسوعا ودیگرماتم‌گونلرینده ،مسجد لرده ،حسینیه‌لرده ،تکیه‌لرده‌گئنیش خلق کوتله‌لری طرفیندن بؤیوک مقبولیت ایله قارشیلانیر .بیزبورادانمونه اولاراق،جناب املیلا حضرت علی اکبر(ع)مین آناسی دیلیندن بیرنوحه نقل ائدیب ومقاله‌میزه صـــون قویوروق :
ائدوبدو گول کیمی صدپاره‌کیم یوگول بدنی ؟
بوحالتون گول یاسیم ،باتیردی یاسه منی
دئییم جفاایله سیندیردیلار اگر بئلیمی
اوغول،بیلیر منیم اوغلو اؤلن آنادیلیمی
یوکر آنا بئلینی نوجوان اوغول اؤلومو
آنان اؤلئیدی علی،گؤرمه‌ییدی بئیله سنی
نه‌شور عشق قویارآه ناله‌دن اوسانیم
نه‌گؤز گؤرور کی،گؤروم‌حالتون،علاوه یانیم
نه‌دبز گلبرکی،دوروم بیرحه‌باشووا دولانیم
آنان اؤلئیدی علی،گؤرمه‌ییدی بئیله سنی
یو قانلو گؤزلرون آچ،بیرجه‌باخ آنان یوزینه
تاپا تسلی،بوحالتده بلکه اؤز ـ اؤزینه
گئدیب‌حوانی الیندن،اولوبدو کول گؤزینـــه
آنان اؤلئیدی علی،گؤرمه‌ییدی بئیله سنی

* صـــون *

یازان :ساوه‌نین خرقان بخشی نین بندا میرکندینندن
بیرینجی درجه‌لی، عدلیه وکیلی- علی وکیلی

## * ترکمن مختومقلی و ترکمن تلیم *

دونیا نین هامی تورک لری کلّی باخیشدا تورک کلمه‌سی ایله آدلانیب لار ،تورک لرین بؤیوک - بؤیوک بوداقلاری واردیر کی،اونلارین ان بؤیوک لرینندن بیریسی ده ترکمن لر بوداقی دیر کی،ایران ،تورکیه ،قبرس ، قوزئی عراق و شوروی ده‌نئجه قومیت و جمهوری اصلا ترکمن لرن دیرلر بونلار هامیسی اوغوز تورک لری دیر .

یوخاریدا دئیلن علته‌گؤره ده اویئرلرده ترکمن مدنیتی نین کؤکو بیردیر .آیریلیق ترکمن صاییلان تورک لرین دیل باخیمیندان لهجه‌لرین بیر- بیرینندن آییران حالدا ،گئنه بیرآز تدقیق اولونسا اونلارین بیر- لیک علامتلری جوخ تئز اله‌گله‌ر .

بو مقاله‌ده ایستیریک گون دوغار ایران ترکمن لری نین بؤیوک شاعری مختومقلی و گون اورتا ( اورتا ) ایران ترکمن لری نین بؤیوک شاعری تلیم خانی و بو ایکی مثل سیز شاعرین شعرلرین بیری- بیری‌ایله مقایسه گؤزوندن کئچیریب و ترکمن مدنیتی نین بیرلیگینی گؤسته‌رک .

مختومقلی فراغی ۱۱۵۳ هجری قمری ده ترکمن ائلی نین گوکلان طایفه سی نین گرکز بوداقیندان اولان دولت محمد آزادی آدلی آتادان واوراز- گول آدلی آنادان ترکمن صحرادا دونیایا گلیب و ۱۲۱۰ هجری قمریده اللی یئددی یاشیندا و بیر روایته یئددی ایل اوندان صونرا آلتمیش دؤرد یاشیندا دونیادان گئدیبدیر و دولت محمدآزادی و مختومقلی‌ایران ترکمنستانی نین آق توقای آدلی محالیندا توپراقا تاپشیریلیبلار .

تلیمخان دا اورتا ایرانین ساوا شهری نین مزلقان بخشی نین مرغی کند- ینده‌کی ترکمن طایفاسی نین آسگین بوداقیندان اولان بیر تیمورخان‌آدلی کیشی نین نسلیندن ،هله‌لیک دقیقا بللی اولمایان ائلده‌دونیایا گلیب و بیراوزون کدرلی عؤمور کئچیرندن صونرا ۱۲۴۶ هجری قمری ده‌آدآپاریل- میش مرغی کندینده دونیادان‌گؤز اؤرتوب واورادا باسدیریلیبدیر .

تلیمخان اؤز ائلی و اؤلکه‌سینه راجع بئله بویوروبدور :

اؤلکه‌میز"عراق"دیر ،شهریمیز"ساوا * "مزلقان چایی ندان گؤتوردوم هاوا
عاشیقلار .دردینه ائیلهرم دوا * من طبیبم هندوستاندان گلیرم

بیلن لر بیلسین لر ،من تلیم‌خانام * بیلمه‌ین لر ،بیلسین گوهر کانام
ساکن"مرغی" اصلی " ترکمانام * گزه ـ گزه بو جهاندان گلیرم

تلیمخان اوز ترکمن لیگین بیر گؤزه‌للمه‌ده بئله‌گؤزه‌چکیبدیر :

دیوانه وارمادیم‌اولدوم پریشان * لاله‌ٔ احمر تک جگریم آلقان
گروه ناجیم آدیم " تلیمخان" * غم عصیان منده قویمایبدیر هوش
هوشوم یوخ مست و حئیرانم * شاه مردانه قوربانم
"تلیم خان " اصلی "ترکمانم" * حق گناهدان ائیله‌سین بوش

بیراوستادنامه‌ده‌ترکمن تلیم اوستادلیقیندان بئله‌گتیریبدیر :

"ترکمن تلیم" چکمه بوجهان غمی * دونیادا قالان یوخ گئدرلر هامی
فلک بیچینچی دیر ،بو فلک زمی * هابیچر ـ هابیچر ،بیغار خرمنه

تلیمخان بیگ بیر تاریخنامه‌ده مرغی لیگین بونوع تاریخی‌ائدیبدیر :

"تلیمخان"ساکن "مرغی" ایمیش * قافله پس و پیش پی درپی ایمیش
تاریخ هزارودویست وپانزده‌ایمیش * تاریخدن شمه‌ٔ بیان ائیله‌دی

گئنه بیر گؤزه‌للمه‌ده بویوروبدور :

اماندیر مروت قیل مروت چاقیدیر * چوخ مدتدیر گؤولوم غم‌دوستاقیدیر
گؤزلرین بیت‌الله ،قاشین طاقیدیر * سنگ جمره‌دیر خال جلجلان

ای عظیم الشان * یوسفی آلان
زندانا سالان * زلیخا نشان
نادره زمان * نجف آتلی خان
قاشلاری کمان * آدیم "تلیمخان"
اصلیمیز "ترکمان" * عاشق فلان
آغلارام الان * ای دل نالان

تلیم بیر آیری اؤگودنامه‌ده بئله بیان ائدیر :

مؤمن پوششی چولاندیم * یئدیم ایشدیم من سولاندیم
بهشتده گزدیم دولاندیم * "ترکمن تلیمخانه" دؤندوم

تلیمخان قفل بندینی آچان واونا معاصراولان بیات جعفر آدیندا بیر شاعر دئیب دیر :

مندن سلام‌اولسون "ترکمن تلیمه" * حق و شریعتدن گل خبر وئریم
امر اولدو ابراهیم دوزه‌لتدی‌کعبه * کل شیعه ایچون گلزار نعیم

ooooooooooooooooooooooooo ooooooooooooooooooooooooo

او ،قلم‌دیر ،نفسی یوخ وار دیلی * بئش وقته نامازدیر باغی بولبلی

قیرخ سککیزهفته دیر ،اوچبایرام گولی * بیات جعفر الله یولوندا سریم
مرغی لی تلیم بیر آیری یئرده دئییر :
قیزیل گوللر خار ایچینده * "تلیم"، " ترکمن "لر ایچینده
یاتماز ایدیم یئرایچنده * ایراق یولدان گلمه یینجه
تلیم‌خان گئنه بیر یئرده بوجور گتیریبدیر :
بولبول گولدن‌اؤترو تؤکر گؤزیاشین * یاندیریردا غلارین گیاسین داشین
بو"ترکمن تلیمین"غوغالی باشین * آخر سالیر مین سوودایه گؤزلرین
یا :
اوهندو خاللارین دوروبدور قوشا * سورمه‌چکیب‌آلا گؤزونن قاشا
"ترکمن تلیم"گل ائیله‌سن تاماشا * گلین چیخیب سئیر گلستان گئده‌ر
ساوالی بؤیوک تورک شاعریمیز بیر گؤزه‌ل قوشماسیندا تخلصین
" ترکمن تلیم " گتیریبدیر .ملاحظه بویورون :
رسوای خلق اولدوم عالم ایچینده * نه‌بیر گؤزه‌ل صونا یارا ولوب منه
اؤلکه آچدیم کل جهان ایچینده * بیر قورو گزمه‌گیم عارا ولوب منه
اول عؤمرومدن خوش‌گون گؤرمه‌دیم * دونیا گلزارینده‌بیرگول درمه‌دیم
خوبلارایلن اوتوروبان دورمادیم * ایشیق عالم‌نئجه‌تارا ولوب منه
اؤزوم ائیلمیشم آقالار اؤزوم * بوفانی دونیاداهئچ گولمز اوزوم
بی وفا گؤزه‌لی ایسته‌مز گؤزوم * بو گئنلیکده دونیادارا ولوب منه
من اونو سئومیشم یاخشی نشاندا * قولاج قوللار دال گردنه آشاندا
بولبولودوم گول گؤرمه‌دیم‌گولشاندا * او گولون خرمنی خار اولوب منه
"ترکمن تلیم"بئله‌غمدن قوروما * وار گئتگینن استامبولا، اوروما
طور قورموشدوم طرلان گله طوروما * طرلان شکاری ده سار اولوب منه

مختومقلی ایله تلیمخان معاصر اولدوقلارینا خاطر اؤز عصرلری‌نین بؤیوک ـ بؤیوک اغتشاشلارین وایرانین یامان گونلرین وهر بیری، بیر کؤکلو و مختلف لهجه‌لی دیللری ایلن گؤردوک لرین نظمه چکیب لر ،بیز بورادا مختومقلی شعرلرین باجاردیقیمیزدان آذری تورکی لهجه‌سینه چئویریب و اونلاری اؤزوموزونکولشدیرمیشیک و تلیمخانین مختومقلی شعرلرینه یاخین اولان مضمونلو شعرلری ایله مقایسه ائتمیشیک،مثال اوچون دونیا ، ترکمن مختومقلی شعرینده بئله تصویر اولونوبدور :

بیر عیبین آی دئییم ،سنین اوزونه * هئچ‌کیم‌ایله یولا گئتمه‌دین دونیا
اؤنکی گلنلره محبت ائتـــــدین * صونکی لره‌نئجین ائتمه‌دین دونیا

ایندی سؤزله‌کیمی برقرارائتدین * نئچه‌کدخدانی خوار زار ائتـــدین
سلیمان تختـنی تارمار ائتدین * یوسفی قول ائدیب ساتدیردین دونیا

نئبله‌دین سلطانی؟اؤلدوردون خانی * شاه‌کیکاوسونورستم زالـــــی نی
دئولره‌حکم ائدن اول سلیمـــــانی * اولارایلن یولا گئتمه‌دین دونیـــا

ایگیت گره‌ک میدان ایچره تک دورا * اوخ ایلن ایگیده یایلار آتیـــلا
بابا عمر قاچدی بلکـه قورتـــولا * اونو قاوا ـ قاوا توتدوردون دونیا

مخدومقلی سندن قورخار اوره‌گیم * حق یانیندا قبول اولسون دیله‌گیـم
حسن ـ حسین،عرشی کرسی گره‌گیـم * کربلاده شهید سن ائتدین دونیـــا

ساوالی ترکمن تلیمخان دا دونیانی بئله تانییبدیر:

بی صفت و بی حقوق سن،یئری ای دونیای فانی
ساخلاما دین اول باشدان ،سن اول آدم و حوانی
هابیل و قابیلی بیخدین،هانی نوح، آدم ثانی؟
شیث هانی ؟ نئیله‌دین اول ابراهیم خلیل اللهی ؟
اسحاقی وئردین فنایا ،اسماعیل هانی قوربانی ؟
ایوبو محروح ائیله‌دین ،جسمینده کرم اولدو پیدا
یونسه شکم ماهی، ائیله‌دین منزل و مأوا
یعقوبی داغ یوسفدن ائیله‌دین معیوب و اعمی
موسایا باغلادی تهمت ، نقیب بی سر و پا
چکدیلر آخری دارا ، اول عیسای روح اللهنی
زکریا منشارلادین ، یحیانین باشینی کسدین
جرجیسین و دانیالین ، عجایب ائیله‌دین قصدین
دوقسان اوغلان داغی قویدون ،داودون جگرین کسدین
کجرو فلک بیر نئچه گون سلیمان سمتینه اسدین
آخر داغیتدین باشیندان پری و جن و انسانی
انوشیروان و اسکندر، پس‌هانی حاتم طائی؟
افراسیاب و کیکاووس ،چوخ ائتدی حق ایله سعیی
او رستم قهرمانه ،ساخلادین وئرمه‌دین رایی
سروران محشر هانی ؟ نئیله‌دین سن شهشایی ؟

اسفندیار سیمین تن نئیله‌دین تخت‌کیانی ؟
بوز ابگیرمی دؤرد مین نبی ،حمله همت‌ائدیب گئتدی
امام ولی رحمن ، اجل شربتینی ایشدی
زهر الماس‌حسن ایشدی نئچ اولدو کربلا دشدی
"تلیم" دونیا ، ائکی گوندور وفا ایله یئنه اوشدی
نا مهربان‌دیر ساخلاماز ، تئز بولاسالار مهمانی

مختومقلی گوکلان خانلاری نین دوشگون حالاتی نین آشاغی دا گله‌ن قوشما دا بیان ائدیبدیر :

ای یارانلار ، مسلمانلار * جبرده بورمه‌لی اولدو
نئچه زحمت حکن خانلار * جفانی گؤرمه‌لی‌اولدو

جهان گئنگدیر ملامت کان * آرادا قویدو شیربن خان
اوستوموزده رحمسیز خان * بالاخر وورمه‌لی اولدو

آزیبدیر گوکلان خانلاری * کان گؤر بیزه بو حاللاری
قویمادین سوردووارمالاری * گؤز تیکیب دورمه‌لی اولدو

"مختومقلی" ایامه حاُن * بئلین قورشا گئی قصبدان
حددن آشدی بو ظالیم خان * آخر تورقورمه‌لی اولدو

تلیمخان دا اؤز سئوگی سی مهری خانم فراقیندا و مختومقلی نین یاد اولونان شعری قافیه‌سینه یاویق و اونون ردیفینه برابرقوشمانی یارادیبدیر :

گوول نئچین آغلاماسان ؟ جانانیم گئتمه‌لی اولدو
دان یئلی نامه گتیرمز غربته یئتمه‌لی اولدو

محلسینده اولدوم خادیم همین بویودو مرادیم
جان و باشدان نرد اویناديم دوست منی اوتمه‌لی اولدو

گؤزوم یوللاری سولاسین دوست اوگون یادی خولاسین
غم لشگری دل قالاسین چئویریب دوتمه‌لی اولدو

سگ رقیبیم بیلمز غمک حق اونا اولماسین کؤمک
یولوندا چکدیگیم امک نئیله‌ییم ایتمه‌لی اولدو

اگر دریادا سن بسدی قوروسون فلکین دسدی
باد مخالف بد اسدی کشتیمیز باتمه‌لی اولدو

مختومقلی یا رامازلارا راجع بئله دئییبدیر :

بد اصله جفا چکمک عبث دیر — میس هر نئجه براق اولسا زرا ولماز
هر نئجه جان چکسن گئده راصلینه — هر زاغ و زغندن کبوتر اولماز

هر صحرادا یاتان میت اولارمی؟ — کربلادن غیری شهید اولارمی ؟
هر ساچین آسدیران سید اولارمی؟ — هرتلپک گییندن قلندر اولماز

حمزه من دییین لر حمزه یه یئتمز — دوتسا دامنیندن صراط دان اوتمز
هر جامه قره غن جمشیده یئتمز — هر باشا پرساچان اسکندر اولماز

ابوطالب اولوب چیخار صراطه — یئنگی دینه گیرمز لات و مناته
کؤنلوم ایسته رعرش اوستونده حیاته — صحرا قمیشیندن نیشکر اولماز

"مختومقلی" دیلین ساخلا دهاندا — سنین نه ایشین وار یاخشی یاماندا
سخنور من دییین چوخدور جهاندا — هرکیم شاه عباس تک سخنور اولماز

تلیمخان دا اولماز ردیفلی شعرینده ائله یوخاریدا گله ن مضمونی بونوع تصویره چکیبدیر :

گرگ بیابانی میش ائیله مزلر — اگرکه سوت وئرسه یاغی یاغ اولماز
هر الوان چیچگه لاله دئمزلر — رنگی احمر اولسا داغی داغ اولماز

بی صفت کیمسه لر بی اقرا اولور — سرو و صنوبر ده مگر بار اولور؟
باغ اولان مشحر، ثمردار اولور — بیاباندا آغاج بیتسه باغ اولماز

اوزده هر لکه یه دئمگ اولمازخال — علی مرتبه سین بیلمز هر ابدال
بولاق یئردن جوشار گله رماه وسال — هرچالادان چیخن زه بولاق اولماز

طویدا غمگین اولوب هریاسداگولمه — بو یولو اؤزونه مرتبه بیلمه
هر مزار اوستونه بورکونو چالمه — اؤلوسوز قبر ایچون آغلاماق اولماز

"تلیم" گول حدینه خارنئجه گئده ر؟ — شکرقیمتینه قار نئجه گئده ر
لاچین اووگاهینا سار نئجه گئده ر — قارقا بولبول اولماز بولبول زاغ اولما

مختومقلی "گلیر" ردیفینده شعرین بئله دوزوبدور :

دولت اله گلیر اولسا — باشدان بورون اوزان گلیر
دولت الدن گئده راولسا — ملا ایلن توزان گلیر

هر کس اؤزون مرددیر سانسا — باشین وورسن اگر دانسا
ائل ایچینده ایشیقیانسا — اول ایشیقه قیزان گلیر

ایت کوچوگو آتا چکه‌ر  لایی گؤرسه دونقوز چؤکر
چشمه قازسان سویو جیخر  ایستیب اونو قازان گلیر

هجران ایراقا آتیلسا  اؤلدوررلر قورت دوتولسا
" مختومقلی " آد توتولسا  اول داستان یازان گلیر

تلیمخان دا مختومقلی شعرینه اوخشار "گلیر" ردیفلی سؤزونده معنالارین بئله سوزوبدور :

آدم اوغلو اؤلن وقتده  گؤر باشینانه‌لر گلیر ؟
دیندیریللر تاپمان جواب  گؤزلریندن سولار گلیر

جان چیخر بوش قالار بدن  امداد اولماز هئچ کیمسه‌دن
بیر یول آچیلسا قبله‌دن  علی دلدل سوار گلیر

آپاریلار دوغرو راها  کعبه کیمین قبله گاها
تخت قورولور پادشاها  اوندا نه خوش بولار گلبر

او گئجه گئده‌ردی فراش  الینده بیر گرز آتش
نکیر ائله‌ن منکر قارداش  اوندا نه بد خولار گلیر

درسیم دئییلیر دیللرده  سرگردانام بو یول لرده
" تلیم " سنه دار یئرلرده  شاه مردان هاوار گلیر

مختومقلی نین اؤلومه مربوط اولان " گره‌کدیر" ردیفلی شعرین نظردن کئچیره‌ک :

آمنا صدقنا ،محشر گونلری  بیرگون آلنیمیزدان گلسه گره‌کدیر
جذر ایله اسر اجل یئل لری  جسددن جانلاری آلسه گره‌کدیر

اجل قارشی گلسه دوغرودورارسن  قاچماغا یئرین یوخ کؤکسون گرارسن
یقه‌سیز اتک سیزدونو گییرسن  کؤینک سیز اونلارا سالسه گره‌کدیر

منکر- نکیر ،صورارقویمازخوشونا  هئچ بیرآهین یئتمز دگره داشینا
یاخشی- یامان ائدن ایشین باشینا  بیربه‌بیرقاییدیب گلسه گره‌کدیر

دابّة‌الارض دوتار باشا قرآنی  سیر ائدیب گزه‌رمیش عالم- جهانی
سئللر- سولار یاغیب‌دوتاردونیانی  گؤرونمز بدعتلر گلسه‌گرهکدیر

"مختومقلی "قالماز ،آدام اؤلمه‌ین حقی یاده‌سالیب قوللوق قیلمه‌ین
بودونیادا مستلیک بیله بیلمه‌ین محشر گونو آییب بیلسه گره‌کدیر

تلیمخان دیریلیک شاعری اولدوغونا خاطر او وزن و ردیفی سئوگی سینه بیر " بدن نما " شعری دئمک ایچون ایشله‌دیبدیر :

بلقیس تک اوتورموشان تخت اوسته حکم ایله‌سن من بیر یانه گره‌کدیر
قونشون جنت حوروغلمان اوطاقی بئله جنت عارفانه گره‌کدیر

قاشلارین قارا دبرکیبریگین زینی گؤزلرین آلیبدیر قرةالعینی
حمالین حلاددیر گؤتورسون دبنی منی بولاشدیرسین قانه گره‌کدیر
ایکی جیگین لرین،حنتی گزه‌ن قوللارین بویوران،اللرین یازان
بارماقلار قلمدیر ،دیرناقلارقطزن بئله شئیلر ،قلمدانه گره‌کدیر

قزلاحلارین آلجاق گپلرائشیدیر یاناقلارین قیزیل گولون پوشیدیر
دیلین شکر ،دوداقین قند باشیدیر یئریشین کبک خندانه گره‌کدیر

پشتون مبارک دیر تخت سلیمان سینه‌ن ،برف ایچینده کوه ساوالان
گؤزه‌ل ممه‌لرین،میوهٔ رضوان بئله نارلار، خسته‌جانه گره‌کدیر

ساچلارین ،تؤکولوب قده سراسر من سنه مایلم ، قرارییم کسر
او سیه تئللرین سونبول تکاسر گون به گون اولارا شانه گره‌کدیر

نؤکر اولان آقا قدرینی بیلر اگر که من دؤنسم خلق منه نئده‌ر؟
بولبول گولدن اؤتروچوخ افغان ائدر گول بولبوله آشیانه گره‌کدیر

گؤبه‌گین فنجان دیر ،او بئلین اینجه بویون حدی جه‌دیرکیم اوندان گئچه
قاپیندا دربانام ،اؤزوم‌قول بچه منیم تک قول سن جانانه گره‌کدیر

ایکی شئیین ،دئیه‌بیلمم بلادیر دؤرد بیریانی نقره‌یین طلا دیر
ایکی دیزین ایکی دسته‌لالادیر قلمه‌لر شمعدانه گره‌کدیر

توپوخلارین گولدور ،دابانین گولچه من تکین فقیره پنجه‌لر اؤلچه
خاکی بارماقلارین گؤزومه میلچه دیرناقلارین سورمه‌دانه گره‌کدیر

نور تجلی سن نه عجایب سن "تلیمخانین" نظریندن غایب سن
وفا دفترینی اوخومایب سن هله سنه مکتب‌خانه گره‌کدیر

مقاله‌میزین صونوندا بیر "آیریلدیم ،آدینا گؤزه‌ل قوشما مختومقلی دان اوخویاق :

بولبولام آه و زار چئکسیب تازه گلزاردان آیریلدیم
گؤزدن قانلی یاشیم تؤکوب اول سئور یاردان آیریلدیم

یارا، یاراشار اوچ موجه صفاتین سئویله‌رم آنجه
آغزی شکر، لبی غنجه زولفی قارادان آیریلدیم

شیرین جاندا یوخدور طاقت جورو اونون جانا راحت
قاشلاری فتنه‌یه آفت چشمی قانخواردان آیریلدیم

آیریلدیم غنچه گولومدن سیاه ساچی سونبولومدن
خوش آوازلی بولبولومدن شیرین گفتاردان آیریلدیم

دالی گونوم آرزیمانی گل ای گؤزه‌للرین خانی
سککیز جنتین بوستانی باغچالی ناردان آیریلدیم

ائللری وار دینگلی ـ دینگلی صویوق سولو تراولانگلی
ائلی گوکلان، آدی منگلی نازلی دلداردان آیریلدیم

"مختومقلی" عاشق مستان باغلاردیم شأنینه دستان
منزلگاهی یاغی بوستان آلمالی باغدان آیریلدیم

ایندی تلیمخانین کامل آیریلدیم نظیره‌سی :

بولبول تک افغان ائیله‌رم من او گلزاردان آیریلدیم
ائولدورور بو غملر منی ماه رخساردان آیریلدیم

دوستونان جان ها جانیدیم نشانه‌ی مژگانیدیم
اگر شیخ صنعان ایدیم یئنگی زوناردان آیریلدیم

قوربانام سن تک جانانا خال اوزونده دانا ـ دانا
عشق منی قیلدی دیوانا سنین تک یاردان آیریلدیم

آچ برقنی آچیلسین دان گؤرسن سین شمس درخشان
بیر سنین تک عظیم‌الشان عالی وقاردان آیریلدیم

" تلیم" دوشموشم درده غملره اولموشام برده
کیمه شکوه قیلیم بیرده؟ زیبا نگاردان آیریلدیم

*=-=-=-=***=-=-=-=*

## قیز مکتبینده

ـ قوزوم ، یاوروم ! آدین نه‌دیر ؟
ـ گول باهار.
ـ پکی ، سنین آنان ، بابان وارمی ؟
ـ وار .
ـ ناسیل زنگینمی دیر بابان ؟
ـ اوه‌ت ،زنگین بیگ زاده ...
ـ اؤیله ایسه ، گئیدیگین گئییم نئچین بؤیله ساده ؟
یوخمو سنین اینجی‌لرین ، آلتون بیله‌رزیک‌لرین ؟
سؤیله ، یاوروم ! هئچ سیخیلما ...
ـ وار افندیم، وار... لکن
معلمه‌م هرگون سؤیله‌ر، اونلارین یوخ قیمتی،
بیر قیزین آنجاق بیلیگی دیر، تمیزلیک دیر زینتی.
ـ پک دوغرو سؤز ... بو دونیادا سنین ان چوخ سئودیگین
کیمدیر قوزوم ،سؤیله‌رمی سین ؟
ـ ان چوخ سئویگیم ایلکین
*او الله کی، یئری ،گؤیو ،انسانلاری خلق ائیله‌ر.*
ـ صونرا کیم لر ؟
ـ صونرا اونون گؤنده‌ردیگی ائلچی لر.
ـ باشقا سئودیک‌لرین ناسیل ، یوخمو ؟
ـ وار ...
ـ کیمدیر اونلار ؟
ـ آنام ، بابام، معلمه‌م ، بیرده بوتون انسانلار ...

** ** **

# تجلیل از استاد شهریار

بقرار اطلاع بمناسبت هشتادمین سالگرد زندگی شاعر شهیر ایران استاد محمدحسین شهریارمراسمی ازچهارم اسفند الی هفتم اسفندماه ٦٢ ( بمدت سه‌شب ) در تبریز برگزار خواهدشد . شعرای فارسی و ترکی‌گو میتوانندیك نسخه از اشعار خودرا که بهمین‌مناسبت خواهند سرود بنشانی اداره کل ارشاداسلامی آذربایجان‌شرقی (تبریز) کمیته‌برگزاری سالگرد هشتادمین‌سال زندگی استاد شهریارارسال‌دارند تا ترتیب‌شرکت آنان درمراسم مذکور و قرائت‌اشعارشان داده شود.

وارلیق

## توجه

۱ ـ از مشترکین محترم تقاضا دارد وجه آبونمان یکساله ( یکهزار ریال ) را در نزدیکترین شعبه هریك از بانکها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانك ملی ایران (شعبه داریوش خیابان بهار ) واریز و رسید آنرا بضمیمه نشانی خود بآدرس مجله ارسال نمایند تا در ارسال مجله برای آنها وقفه‌ای روی ندهد.

۲ـ شماره‌های گذشته مجله وارلیق را می‌توانید از دفتر مجله تهیه نمائید.

۳ـ جلد اول **تاریخ‌ادبیات‌آذربایجان** ازقرن۱۳ تا آخرقرن۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش» از چاپ خارج شد همشهریهای علاقمند میتوانند‌از انتشارات فرزانه و یا انتشارات دنیا مقابل دانشگاه خریداری ویا با پرداخت ۳۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله وارسال رسیدآن بدفترمجله یك جلد از این‌کتاب را تهیه نمائید.

۴ـ آذربایجان‌ادبیات تاریخی نین ۲۰ـ نجی عصرفصلینی یازماقلا مشغول اولدو. غوموز اوچون بوعصرده‌کی یوردوموز آذربایجانین شاعرو یازیچیلاری‌نین ترجمه حال‌و اثرلرینه‌احتیاجیمیزواردیر. بوتون‌شاعرویازیچی‌وآنادیلی‌ادبیاتیله مار اقلانان همشهریلر ـ یمیزدن بو باره‌ده بیزه یاردیمچی اولماقلارینی واؤز ترجمه‌ی حال و اثرلریندن‌نمونه‌لرله برابرتانیدیقلاری‌دیگرشاعر لریمیزین‌ده ترجمه‌ی‌حال واثرلریندن نمونه لرگؤندرمه‌لرینی خواهش ائدیریك «وارلیق».

---


# وارلیق

**مجله ماهانه فرهنگی، ادبی وهنری**

**(به‌زبانهای فارسی وترکی)**

**تحت نظر هیئت تحریریه**

**صاحب امتیاز و مدیر : دکتر جواد هیئت**

**محل اداره : تهران، خیابان ولی عصر، کوچه بیدی شماره ۱۷**

**تلفن** ۶۴۵۱۱۱۷ / ۷۶۱۸۳۶

---

**چاپ کاویان ـ میدان بهارستان**

**قیمت ۱۵۰ ریال**